

إن اللغة العربية
هي اللغة العالمية
الاسلامية التي
تفتخر بها جميع
الشعوب الاسلامية

ص ۲

صوت الشعب

السنة الأولى، العدد الرابع، الثلاثاء ۲۴ شعبان ۱۴۲۱ - ۲۱ نوامبر ۲۰۰۰ - ۱۵۰ تومان

شديدزاده: احدي
مطالبات أبناء الأمة
الایرانية هي حقوق
القوميات وخاصة
اجراء المادة ۱۵ من
الدستور

ص ۲

صوت الشعب
تدعو المثقفين
العرب الايرانيين
ل طرح معاييرهم
لترشيح الرئيس
القادم

ص ۲

الطلاب الأهوازيون
يعلنون تضامنتهم مع
أبناء الشعب
الفلسطيني

ص ۳

اعلان تضامن أربعة نواب خوزستانیين مع الشعب الفلسطيني

ص ۴

التوقيع على مذكرة تفاهم بين محافظة خوزستان
والمنطقة الحرة الكويتية

ص ۳

المرأة
العربية
ومجتمعنا

ص ۱۰

سازمان سازي و بهسازی مکانها
و محیط های آموزشی
تکاملی بر ساختار و عملکرد
دوگانه اجتماعی باز آفر
برنامه ها و طرح های جاری
کنترل مواد معدنی سازمان ملل متحد
در ایران

بیرون برایم
اهریمن امتیاز در
از خانه میهن

مدیر امور ستادی و اجرایی
دکتر سیفا... سیفا...
۶۴۰۴۹۴۶

مرکز خدمات اداری سپهر آرا ارائه می دهد
ثبت شرکت در خوزستان
موافقت اصولی، کارت بازرگانی
طرح توجیهی - کد اقتصادی - تغییرات
انحلال - ثبت علامت

تلفن: ۰۶۱۱-۲۲۱۸۷۸ دورنویس: ۰۶۱۱-۲۲۱۸۷۸

قابل توجه فیلمبرداران محترم
خوزستان
استودیو تصویرگر با دستگاه های
پیشرفته کامپیوتری
با کادری مجرب آماده ارائه
بهترین خدمات
«میکس و مونتاز»
فیلم های شما می باشد
برای کسب اطلاعات بیشتر
با شماره های ذیل تماس
حاصل فرمائید
۰۲۱-۴۸۰۶۷۳۴
۰۹۱۱-۲۳۴۶۹۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله وانا اليه راجعون
بالإصالة عن نفسي والنيابة
عن الخوان والعمام والخوال
اتقدم بالشكر الجزيل لكافة
الاخوة الذين شاركوا في
مصاب ارتحال والدي
(المرحوم حاج حميد معرفي)
راجيا المولى العلي القدير ان
يحفظهم ويمن عليهم
بالصحة والعافية ويجنهم
كل سوء ومكرود واتمنا ان
نرد الجميل هذا في افرانهم
والسلام عليكم ورحمة الله
وبركاته.
حسين معرفي

روشنگری و اندیشه دینی

رهیافتی جامعہ نشناختی

به آثار و اندیشه دکتر علی شریعتی
(مجموعه مقالات)

دکتر غلامحسین توسلی

انتشارات قلم: ۸۸۲۹۳۶۴

سرمقاله

مثلث اقوام، زنان و جوانان رئیس جمهور آینده را تعیین خواهد کرد

توضیح: این نوشته صرفاً جنبه جامعه‌شناسی دارد و وجود جمعیت ۵۷٪ اقوامی ایرانی، نفوس ۲۳٪ جوانان و مطالبه حضور بیشتر در اجتماع برای زنان، نقش مهمی را برای آنها در انتخابات ریاست جمهوری آینده ایران ایجاد کرده است. از همین حالا باید اعلام کنیم که کاندیدایی که به این مثلث توجه نکند، شکست او حتمی است.

در انتخابات گذشته، مردم ایران خواهان کسی شدند که مجسمه زنده آرزوها و آمال آنها را تصویر کرده بود. این تصویر چنان جذاب بود که هرگز کسی گمان نمی‌کرد در واری چنین زیبایی، موانع زشتی وجود دارد که قادر است به مرور زمان مرد اصلاحات را خسته نماید و مردم را نسبت به ادامه راه آن دچار شک و تردید کند. این که در آینده چه مقدار از مردم ایران به خاتمی رأی خواهند داد، معلوم نیست، اما آنچه که واضح و مبرهن می‌نماید، این است که خاتمی در انتخابات پیش‌رو ۷۶٪ کل آراء را به دست نخواهد آورد و مردم به شعارهایی مانند جامعه مدنی، فعالیت احزاب سیاسی، آزادی مطبوعات و پیوستن به اقتصاد جهانی رأی نخواهند داد، زیرا تصور بر این است که چنین عبارتهای زیبایی فقط در سطح یک شعار باقی مانده است.

از طرف دیگر احزاب جدیدالتأسیس نیز دیگر قادر نیستند که همانند دوران بعد از دوم خرداد، مردم را سازمان‌دهی کرده و به صحنه سیاسی بکشانند، زیرا که مشروعیت این احزاب شدیداً به موفقیت رئیس‌جمهور فعلی در تمام صحنه‌های زندگی وابسته است. حزبی مانند «مشارکت» برای این به وجود آمده بود که توده‌های عظیم و غیرسازمان‌یافته‌ای که به خاتمی رأی داده بودند را نظم داده و در کوتاه‌ترین زمان ممکن کتشی‌های مطلوب سیاسی آنها را به منته ظهور برساند. چنین کاری بدون وجود مطبوعات آزاد، نهادهای مستقل مدنی و گروه‌های سازمان‌یافته اجتماعی امکان‌پذیر نشد. اکنون احزابی مانند «مشارکت» را باید در «زمان صفر» طبقه‌بندی کرد که می‌بایست از نو به تجدید حیات خود همگام با حرکت زمان اقدام نمایند.

انتظار می‌رود که بدون مطرح شدن ایده‌های نو و افکار تازه که مترتب بر وضعیت جدید جمعیتی ایران باشد، نقش چنین احزابی در انتخابات آینده پررنگ نخواهد بود.

اگر جامعه مدنی را به جامعه مدرن که در آن آزادی فردی و رفاه نسبی هست، تعبیر کنیم، به دلیل ناکامی‌های موجود، چنین شعاری دیگر قابل طرح نمی‌باشد. این بدان معنا است که تعداد بی‌شماری از رأی‌دهندگان با این وسیله به پای صندوق‌های رأی نخواهند رفت.

با چنین دگرگونی‌هایی در گرایش‌های جامعه ضرورت پرداختن به مسائل زنان، جوانان و اقوام را مهم می‌سازد. زنان و جوانان به دلیل مشکلات فراوان آنها، به‌طور بالقوه آمادگی آنرا دارند که چنانچه مسائل آنها به‌طور صریح و همراه با تضمین‌های عملی برای برآورد خواسته‌هایشان مطرح گردد، حضور جدی در انتخابات آینده داشته باشند، زیرا مشکلات زنان و جوانان هنوز به‌توان مسائل مهم روز باقی مانده و جامعه حساسیت‌های خود را نسبت به آنها حفظ کرده است. اما مهم‌تر از همه، پدیده اقوام است که در انتخابات آینده نقش بارزتری بیش از سایر دوره‌های گذشته، از خود نشان خواهد داد و حتی به تنهایی قادر است سرنوشت بیش از نیمی از کل آراء را با جمعیت ۵۷٪ خود معین نماید. یکی از مهمترین خصوصیات اقوام، حضور همگانی و یکپارچه آنها در انتخابات است. به عبارت دیگر اگر ما ۵۷٪ جمعیت ایران را اقوام مختلف در نظر بگیریم، به همان میزان نیز رأی‌دهنده خواهیم داشت و افراد بی‌تفاوت و غیرفعال در مسائل مهم در میان آنها نسبت به هر گروه دیگر اجتماعی، بسیار پایین است. به تعبیری دیگر حضور اقوام در انتخابات به شکل منسجم ظاهر می‌شود، یا همه آنها رأی می‌دهند یا همه آنها رأی نمی‌دهند، این بسته به این دارد که چگونه با خواسته‌های آنها برخورد شود.

اگرچه امروزه بعضی از گروه‌های سیاسی به حقوق اقوام و مخصوصاً حقوق فرهنگی آنها به دیده تحقیر و درجه دوم نگاه می‌کنند، اما واقعیت این است که اگر آنها بخواهند در تعیین سرنوشت آینده ایران نقشی داشته باشند، ضرورت دارد که چشم‌های خود را شسته و جور دیگر به حقوق بیش از نیمی از جمعیت ایران بنگرند. اقوام واقعیت انکارناپذیر جامعه ایرانی است و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد و آنگاه رئیس‌جمهور ایران شود.

○ حسن هاشمیان

برادر گرامی جناب آقای مهرنوش جعفری
مدیرکل محترم مطبوعات داخلی

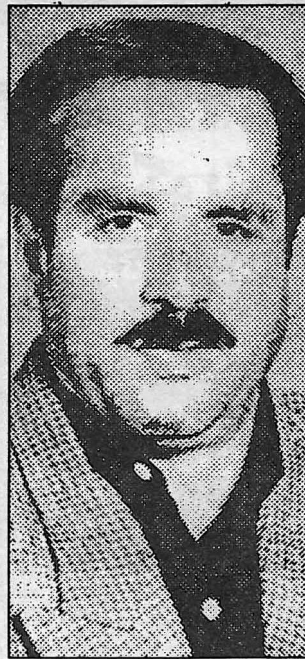
درگذشت والد گرامی را تسلیت عرض نموده برای حضرت‌تعالی و بازماندگان آن فقید عزیز صبر جمیل آرزو دارم.

حسن هاشمیان

صوت الشعب تدعو المثقفين العرب الايرانيين لطرح معاييرهم لترشيح الرئيس القادم

بدأ العدّ العكسي للوصول الى يوم الانتخابات الرئاسية و البلاد تشهد معركة انتخابية بدأت و احتدمت قبل أوانها اذ لا تريد القول بأنها ديمومة معركة لم تنته. فجميع القرائن و الأدلة تشير الى أهمية الانتخابات القادمة و دورها المصري و بناءً على اعتقاد الصحيفة بحق أبناء شعبنا في المشاركة الحرة و الواعية في جميع الانتخابات و قناعتها بوجوب التأثير على الانتخابات الرئاسية المصرية القادمة و تأكيدها على حق العرب

احدى مطالبات أبناء الأمة الايرانية هي حقوق القوميات وخاصة اجراء المادة ١٥ من الدستور



بدأ النائب جاسم شديزادة كلمته في مجلس الشورى الاسلامي بتاريخ ٧٩/٨/١٨ هـ ش بالعربية للإعلان عن تضامن الايرانيين ولاسيما العرب الاهوازيين منهم مع الشعب الفلسطيني المناضل وطالب الحكم العرب والمسلمين بالتجاوب مع شعوبهم لمقارعة الصهاينة المغتصبين كما أعلن استعداد الشعب والأمة «لتقديم النفس والنفس من أجل تحقيق أهداف الثورة الفلسطينية وإعادة الكرامة القومية والعزة الاسلامية في العالم العربي والاسلامي والعالم أجمع».

وعن الأوضاع الداخلية والمطالبات الشعبية القى النائب جاسم شديزادة كلمة بالفارسية قال فيها: «إن حركة الإصلاح هي انعكاساً لتطلعات ومطالبات شعبية متعمقة ظهرت على الساحة لتأخذ مساراتها القانونية والطبيعية لكن الاقلية المعارضة للإصلاح انفتحت من القيم الدينية والمعنوية لتضع الديانة وجهاً لوجه سيادة الشعب على مقدراته وتحكمته بها وقدّمت هذه الاقلية صورة غنيغة وعبوسة من الدين وبدأت تتحدث عن استعدادها لماتسميه دفاعاً عن الثورة بثمان ائتمال مليون نسمة. و تطرق الحاج شديزادة الى اغلاق الصحف ومهاجمة الاجتماعات بهدف

د. عباسي فر مستشار الرئيس خاتمي:

ان اللغة العربية هي اللغة العالمية الاسلامية التي تفتخر بها جميع الشعوب الاسلامية

بمناسبة الخامس عشر من شعبان المبارك ذكرى ولادة الامام المنتظر المهدي الموعود (عجل) اقيم حفل حاشد وتجمع جماهيري كبير في المدرسة العدنانية في خرمشهر حضره جمهور غفير من أبناء المدينة الباسلة غصت المدرسة بهم وكذلك الطرقات المؤدية اليها وقد وزعت خلال الحفل هدايا وهي عبارة عن وسائل منزلية باسم المعصومين الاربعة عشر و قد ساهم في الحفل ضيوف قدموا من طهران و قم منهم الدكتور عباسي فر مستشار رئيس الجمهورية السيد محمد خاتمي وكذلك الخطيب المعروف الشيخ جعفر الهلالي من مدينة قم المقدسة. وقد القى الشيخ عباسي فر كلمة قيمة استغرقت حوالي اربعين دقيقة تطرق فيها الى دور عرب خوزستان خلال مسيرة الثورة الاسلامية وجهودهم وجهادهم في سبيل استقرارها وديمومتها. وقال في ضمن كلمته بان اللغة العربية هي اللغة العالمية الاسلامية التي تفتخر بها جميع الشعوب الاسلامية باعتبارها لغة دينها وان العبادات لاتتم الا بها وان اللسان العربي هو اللسان الوحيد المعبر عنه في القرآن باللسان المبين دون سواه من اللسان. وكذلك اشار في كلمته الى ان خوزستان هي بوابة الولاية لايران الاسلامية الشيعية اذ ان الامام الرضا عليه السلام مع وجود عدة طرق توصله الى ايران قد اختار خوزستان لمجيئه الى ايران وبذلك عمت هذه الرحمة الالهية ايران وشعبها المؤمن ونوه كذلك في كلمته الى ان الله سبحانه وتعالى من على ايران بان

وقد تطرق الشعراء الى المناسبة المذكورة وكذلك اشادوا ببطولات الشعب الفلسطيني ولزوم اتحاد المسلمين في مواجهة التحديات الصهيونية والامريكية ووجوب حشد طاقات الامة في سبيل نصرة الفلسطينيين وتحرير القدس الشريف والاماكن المقدسة الاخرى.

صوت الشعب

صحيفة إجتماعية - شهرية

صاحب الامتياز والمدير العام

حسن هاشمیان

إشراف: رئاسة التحرير

طهران - صندوق بريد ١٧٨-١٤٥١٥

رقم الهاتف والفاكس: ٠٢١-٤٠٧٧٧٢٤

E-mail: Sout Al-Shaab@IRPajam.com

البيان الختامي لندوة التضامنية مع أبناء الشعب الفلسطيني

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أبناء أمتنا الباسلة، نحن طلبة وشباب الأهواز اذ نرفع بقرار الندوة التضامنية المنعقدة من أجل مناصرة قضية الشعب الفلسطيني الأبي في جامعة الأهواز والذي تحث فيه أبناء الشعب العربي والاسلامي على مؤازرتهم الثورة الفلسطينية والشعب الفلسطيني تواصلاً للوقوف بوجه المعتدين ومكافحة كل أنواع الاحتلال وخاصةً بالانتفاضة الوطنية التي تنطلق من وراء مبادئ الأمة المتأصلة ورد الكرامة المسروقة والتنديد بكل القرارات الباهتة خدمة لمواقف الشعب النبيلة لقضيته العادلة فليبق صوت الصرخة الجبارة المناوئة لكل أشكال القهر صامداً بوجه الخيانة والريذيلة أينما وجدت وحلت من أجل صحة طالما انتظرتها ونهضة تأملناها أطلت علينا بصرخات لا للسكوت وللاعتداء وتباً لمفاوضات فاشلة تباع من وراءها شرف الشعب بصفقات مغربة لصهانية والأعداء ولتكن كل النداءات مُسيّرة صوب غاية واحدة فيها تحرر أرض القدس من براثن السيطرة والاحتلال ولتكون المساومة ملقاة في مَهْمَلات التاريخ وتبقى انتفاضة الأقصى نموذجاً بارزاً للتحدي والمواجهة فيا أبناء فلسطين أشقاكم طلبة الأهواز وشعبها باقون على العهد معكم مهما طال المطاف فأفنائ قُلت من جذورها لتحرق في جذوة نارها أحرقت ماتبقى من جُزءها المتبقي ولو هانت أمامها أرواح أهلها، لنصّب في صلب قضيتنا ما أخذ قهراً لا يؤخذ إلا بالقهر فالتحيي فلسطين والانتفاضة الباسلة.

الندوة التضامنية لطلبة
جامعات الأهواز

التوقيع على مذكرة تفاهم بين محافظة خوزستان والمنطقة الحرّة الكويتية

وقعت محافظة خوزستان بجنوب ايران والمنطقة التجارية الحرّة الكويتية في الكويت مذكرة تفاهم للتعاون الثنائي في المجال التجاري والاقتصادي. ووقع مذكرة التفاهم عبدالحسن مقتدائي محافظ خوزستان وجميل سلطان العيسى رئيس مجلس الادارة والعضو المنتدب للمنطقة التجارية الحرّة في الكويت.

وتأتي المذكرة في اطار توطيد وتعزيز العلاقات الايرانية والكويتية في مختلف المجالات ولاسيما في مجال التعاون الاقتصادي والتجاري. وتنص المذكرة على بعض البنود أهمها اقامة معرض دائم للمنتجات الايرانية في المنطقة التجارية الحرّة في الكويت والعكس اقامة معرض دائم للمنتجات الكويتية في محافظة خوزستان وتوفير خدمات مختلفة ومتعددة، مما تقدمه المنطقة التجارية الحرّة الكويتية للمستثمر الايراني.

وتم في مذكرة التفاهم التأكيد على اقامة مكاتب دائمة لممثلي الجانبين في المنطقة التجارية الحرّة في الكويت ومحافظة خوزستان لما سيكون لذلك من دور كبير في سهولة الاتصالات والتعاون البناء الممتد مما سيؤثر ايجابياً على الجانب الاقتصادي للطرفين.

الأخبار باختصار

قام اعضاء تعاونية سكان الحدود لميناء خرمشهر بتبادل تجاري للبضائع غير النفطية مقداره عشرة ملايين دولار منذ بداية السنة الايرانية الراهنة. أعلن هذا الخبر المدير التنفيذي لهذه التعاونية التي كسبت عنوان المؤسسة البارزة في التصدير في السنة الماضية وقال: بلغ تصديرنا مبلغ الـ ٥/٥ مليون دولار واستوردنا بضائع قيمتها ٤/٥ مليون دولار.

نفذت تعاونية سكان الحدود في الناحية المركزية لمدينة آبادان حصتها في التصدير لعام ١٣٧٩ هـ.ش. قال المدير التنفيذي لهذه التعاونية السيد داود احمدزاده: اننا مع حسن الخط نفذنا حصتنا والتي كان مبلغها مليون و ٢٠٠ ألف دولار فأضافت اتحادية تعاونيات الحدود في المحافظة مبلغ ٦٠٠ ألف دولار لتصديرنا في العام الايراني الراهن.

فيضان المجاري قد يستبب مشكلة في آبادان: أذّن أحد أعضاء لجنة الاعمار في مجلس البلدية الاسلامي لمدينة آبادان المسؤولين المعنيين أنّ مجارى المياه القدرة قد تفيض اثر الرسوبات والانسدادات خاصة في امطار الشتاء فتخلق مشكلة للسكان كمشكلة مياه الشفة (مياه الشرب). هذا وانتقد السيد كعابي البطي والتأخير في إعمار المدينة ومرافقها العامة بعد مضي أكثر من عشر سنوات من بداية الإعمار كما انتقد شركة النفط لعدم القيام بمسؤوليتها تجاه بيئة آبادان وبُناها.

معارضة بعض سكان ميناء الامام الخميني لحركة الشاحنات داخل المدينة: أبدت جماعات من سكان ميناء الامام الخميني معارضتها لتحرك الشاحنات والعربات المقطورة (Trucks & Trailers) في شوارع المدينة نظراً لأخطارها التي تهدد حياة الأهالي. وقالت هذه الجماعات في مراجعاتها الى ممثلية «صوت الشعب» في الميناء واتصالاتها الهاتفية معها أنّ قبل عدة أشهر حزنت المدينة لفقد طفلها ويا فاعاً دحسهما عربة مقطورة محملة والقلى والخوف مازالا في النفوس حول احتمال تكرار الحدث.

أفتتحت المكتبة الجديدة الأخصائية في مستشفى رازي التابع لجامعة العلوم الطبية والخدمات الصحية والعلاجية لمدينة الأهواز بحضور مسؤولي الجامعة وممثل الولي الفقيه في الجامعة. فقد كلف بناء هذه المكتبة التي تحتوي الآن على حوالي ٥٠٠٠ كتاب في الطب، كلف ٣٠٠ مليون ريال ليضبح بناءً مجهزاً صالحاً لأنواع الخدمات المكتبية. توفي حاج حميد معرفي نجل المرحوم حاج حسين معرفي عن عمر يناهز الثمانون في شلهه الحاج حسين في آبادان وذلك في الرابع من شعبان (الحادي عشر من إبان) وقيم احتفال تأييني كبير في الشلهه حضره جمع غفير من اهالي خوزستان. وانا لله وانا اليه راجعون.

أكد رئيس بلدية خرمشهر على وجوب الاهتمام بالاستثمار والازدهار الاقتصادي في هذه المدينة. وطالب السيدنظارت - وهو ينقل وجهات نظر مجلس البلدية - طالب بمنح التسهيلات الخاصة كتخصيص الأرض اللازمة وتخفيض الرسوم الجمركية للراغبين بتدشين المشاريع الاقتصادية في الميناء كما طلب من الحكومة إعادة النشاط الى الميناء وإنعاش المراسي عبر إزالة الرسوبات وتعميق المياه وتطبيع الأجواء بغية توفير فرص العمل وتحسين الأوضاع المعيشية.

اعتبرت لجنة إنعاش تصدير البضائع غير النفطية في محافظة خوزستان تعاونية سكان حدود اروندكنار اعتبارتها المصدرة البارزة في المحافظة. أعلن هذا الخبر المدير التنفيذي لهذه التعاونية السيدكاظم حلفي مضيفاً أنّ أعضاء هذه التعاونية البالغين ١٨ ألف عضو اصدروا بضائع تجاوزت قيمتها المليونين دولار خلال الأشهر الستة الاولى للعام الايراني الحالي. هذا وطلب السيد حلفي من الحكومة تعزيز مكانة التعاونيات الصغيرة وامكانياتها بغية اجتثاث الفقر في المناطق المحرومة.

تصدير ١٢٠ طنّامن الجمبري البحري من جوبيدة آبادان الى الدول الأوروبية تمّ خلال النصف الأول للسنة الحالية بفعل تعاونية الصيد في بهمن شير آبادان وكانت قيمة الجمبري البحري المصدّر نصف مليون دولار. أعلن هذا الخبر المدير التنفيذي لهذه التعاونية السيد حسين تميّر مضيفاً أنّ اجمالي صيد الاسماك والمائيات الذي قام به أعضاء تعاونيته وهم ٤٠٠٠ صياد بلغ الـ ٥٤٠ طنّاً حتى ٧٩/١٥ هـ.ش.

يعاني أطفال مدينتي آبادان وخرمشهر من عدم الحصول على وسائل اللعب والمرح في الحدائق العامة. ويقول الأهالي أنّ الحدائق قليلة وضيئلة في حد ذاتها ووسائل لعب الأطفال فيها قديمة ومخرّبة. هذا وأشار أحد الخبراء في تربية الأطفال الى المشاكل النفسية والجسدية التي قد يتعرض لها الأطفال من جزاء فقد الأجواء اللازمة والوسائل المسلية لهم.

قال رئيس مركز انعاش التصدير الوطني السيد خسرو تاج في مراسم افتتاح معرض قدرات محافظة خوزستان أنّ هذه المحافظة مؤهلة ومستعدة لأن يكون لها معرض دائم. شارك مراسم افتتاح معرض قدرات المحافظة في مدينة الأهواز عدد من المسؤولين ورجال الأعمال التجارية والإنتاجية. هذا وقال متصرف المحافظة في هذه المراسم: نحن نبذل جُلّ جهدنا لتوسيع نطاق التصدير للبضائع غير النفطية مشيراً الى عقد الاتفاق مع المنطقة التجارية الحرّة في الكويت.

وزير النفط:

٦٠ بالمائة من مشروع

تخصيص عوائد النفط

للمناطق النفطية

تخصص لخوزستان

قال وزير النفط بيجن نامدار زنگنه يوم ٧٩/١١ هـ ش ان ٦٠ بالمائة من مشروع تخصيص العوائد النفطية للمناطق الغنية بالنفط في البلاد تخصص لمحافظة خوزستان.

وقال زنگنه الذي يزور مدينة اغاجارى بمحافظة خوزستان ان منطقة خوزستان الغنية بالنفط ستجذب الـ ٦٠ بالمائة من مشروع تخصيص عوائد النفط للمناطق النفطية في البلاد.

وكان مجلس الشورى الاسلامي قد صادق في وقت سابق على المشروع. وأوضح انه يمكن في ضوء زيادة الانتاج والاستثمار ايجاد امكانيات خاصة للمناطق الغنية بالنفط في البلاد.

ووصف وزير النفط حقلاً «آرادگان» النفطي في خوزستان بأنه اكبر حقلى نفطي يتم اكتشافه في العالم خلال الاعوام العشرة الماضية واكبر حقلى نفطي ايراني خلال الاعوام الثلاثة الاخيره. وقال ان احتياطي هذا الحقلى من النفط قدر بـ ٢٦ مليار برميل.

صحيفة «صوت الشعب»

تطلب يد العون

نظراً لحجم المسؤولية الثقافية التي تقع على عاتق صحيفتكم هذه و أملاً بديمومة هذا النشاط الحديث وإجابة لطلبات عدد كبير من قرائنا الأعزاء في تقليل فاصلة الإصدار الى عدد في الاسبوع، نرجو من جميع المستطيعين المتطوعين مدّ الصحيفة بمساعداتهم المالية مشكورين. وتأمل الصحيفة بأن تعاطف الاخوة والأخوات سيقفل من الضغوط المالية وسيقلص المشاكل الأخرى ويزيل قلق جميع المشفقين على ثقافة المجتمع ونشاطاته الاقتصادية والسياسية. ان صحيفتكم هذه بادرة من بوادر نشاطكم وتأمل أن تكون لساناً لكم و عند حسن ظنكم. رقم الحساب الجاري ١١٧٢ (بنك صادرات رودهن طهران) باسم «حسن هاشميان» مخصص لتقبل مساعداتكم المالية وشكراً.

افتتاح مؤتمر أكاديمية العلوم في العالم الثالث في طهران

افتتحت الدورة الـ ١٢ لأكاديمية العلوم في العالم الثالث والدوره الـ ١٤ ورئيس اللجنة التنفيذية للمؤتمر للصحفيين ان حوالي ١٥٠ شخصاً من اللجنة التنفيذية للمنظمات العلمية في العالم الثالث يوم ٧٩/٧/٣٠ هـ ش في العلماء والباحثين من ٨٠ دولة شاركوا في المؤتمر. و اضاف ان البرامج المستقبلية للجنة التنفيذية للمنظمات العلمية في العالم الثالث نوقشت بحضور بعض وزراء العلوم في الدول الاعضاء للمصادقة وقال عبدالمهدي بخشنده رئيس جامعة الشهيد جمران، في اهواز عليها.

الاعلان لقائنا من أربعة نواب خوزستان مع الشعب الفلسطيني

ارسل أربعة نواب عرب ايرانيين نداء الى الشعب الفلسطيني جاء فيه: بقلوبنا ومشاعرنا وافكارنا وبكل قوانا نؤيد الثورة الفلسطينية في الارض المحتلة ضد الصهاينة الظلمة. وندعو الله العلي القدير أن يمن على الأمة الاسلامية الكريمة وعلى الشعب الفلسطيني الباسل بالنصر والفتح المبين. وقع على هذا النداء النواب سمير بورجزيري (مندوب خرمشهر) وسيدجاسم ساعدي (مندوب شوش الدانيل) وعبدالله كعبي (مندوب آبادان) وعيسى مقدمي زاد (مندوب شادگان).

الى الراغبين بطبع انجازاتهم في الصحافة

نرجو من جميع الاعزاء أن يكتبوا لنا بالخط الجيد الواضح أو المطبوع بالطابعة كما نرجو مراعاة و ملاحظة الامور التالية:

- ١- وضع النقاط في مكانها فوق أو تحت الحروف المنقوطة مانكتبه. على أن لا تكون منحرفة عن مكانها الصحيح الى اليمين أو الى اليسار، أي لا تكون فوق أو تحت حرف آخر.
 - ٢- التدقيق في كتابة الحروف المشابهة. فمثلاً بعض الأبناء يكتبون «الحاء» كالميم و «الميم» كالصاد و «الدال» كالراء و «الراء» كالواو و الخ. هذا طبعاً يصعب صف حروف المقالة أو الشعر والخبر كما يعرقل عمليتي التنقيح والتطبيق.
 - ٣- يجب التدقيق في كتابة التاء المدورة والهاء وتجنب اختلاطهما.
 - ٤- يجب مراعاة فواصل الكلمات عن بعضها لكي لا يتصل حرف من كلمة بأول الكلمة التالية لها، كما يجب تجنب الكتابة «الدقيقة الناعمة» المقتربة الحروف والكلمات.
 - ٥- من الواجب أحياناً مراجعة القواميس ومختلف كتب اللغة للحصول على الشكل الصحيح للمفردات خاصة عند تبييض
 - ٦- يجب ان لا تقرب الاسطر الى بعضها. والفاصلة بين السطرين يجب أن لا تقل عن سائتين.
 - ٧- لا بأس في دراسة شيئاً من «الصرف والنحو» من أجل تقليل مشاكلنا في اللغة.
 - ٨- في كتابة الرسائل «الفكسية» يجب ان نستخدم قلماً جافاً أسود وورقاً غير مسطر (بدون خطوط).
- هذا ونقدم جزيل شكرنا الى جميع اخوتنا واخواتنا ونقدر عالياً جهود كافة الاعزاء ونقول بالامجالة: لم تكن نتوقع كل هذه الطاقات والمواهب الشابة الصاعدة والتي كانت مع الأسف مبعدة عن سوح الأعمال الثقافية في الصحافة واجهزة الاعلام الاخرى ونأمل في أن نعلم بعضنا البعض كل ما نستطيع تعليمه ونرجو من الله لجميعنا التوفيق.

اتصال هاتفي مباشر مع مدير الصحيفة

للاتصال المباشر عبر الهاتف مع المدير المسؤول و صاحب امتياز

صحيفة صوت الشعب (رأى ملت) خصصنا

من التاسعة صباحاً الى اذان الظهر

ليوم الجمعة ٧٩/٩/١٤ (الموافق لـ ٢٤ نوفمبر ٢٠٠٠)

رقم الهاتف ٤٠٧٧٢٤-٢١

نرجو الاتصال بالطرح آرائكم وانتقاداتكم واقتراحاتكم القيمة وشكراً

ستون طنز

البيطران خلق عرب

○ صابر ناظري

در راستای اینکه اصطلاح «خلق عرب» توسط تعدادی کمونیست خاک بر سر، احساناتی، شعاری و عقده‌ای به وجود آمد و ما نیز تشکرات چاکرانه و رفیقانه خود را نثار آنها می‌کنیم، زیرا که اگر آنان نبودند و چنین ابزاری را برای ما نمی‌ساختند چه بسا که امروز برای تهمت‌سازی علیه مردم عرب خوزستان دچار مشکل بودیم، از همه رفیقان، باطل پرستان، بی‌دینان، شایعه‌سازان، خلاف و اهل برنامه می‌خواهیم که چسب‌های خود را آماده کرده تا بر چسب‌های لازم را در موارد زیر به کار بندیم.

توضیح: نوارچسب نیز پذیرفته می‌شود

١- هرکسی که بخواهد علوم ضاله مانند ریاضیات، جغرافیا، تاریخ و از این قبیل چیزهای انحرافی درس بدهد یا ثابت کند که دو به علاوه دو، چهار می‌شود و یا عبارت‌های معمول مانند «آسمان آبی است»، «خیار سبز است» و «چهره کرکس کریمه است» را به خورد فرزندان خود بدهد، باید بلافاصله او را قیچی کرده و برچسب خلق عرب به وی زد.

٢- آنهایی که به نظام ارباب - رعیتی اعتراض می‌کنند و از اینکه تمام پست‌ها و مقام‌ها در اختیار ما هست، ناراحت هستند و نظریه برتری نژادی ما را نمی‌پذیرند و قبول ندارند که شب و روز در گرمای شدید کار کنند یا بیکار بمانند و ما و خانواده‌های خود در مناطق خوش آب و هوایی باشیم، به راستی که اشد من الخلق عرب هستند.

٣- کسانی که نمی‌خواهند آب شور بیاشامند و تلاش نمی‌کنند فرزندان خود را به آشامیدن آب شور عادت دهند و دائماً شکر نمی‌خورند یا مزه تلخ آنرا مطرح می‌کنند، آدم‌های بی‌تربیتی هستند که کلمات رکیک مانند: آب... شور... نی... کارون... دوست... داریم... و امثال این‌ها به کار می‌برند که الکذب والافترا برچسب خلق عرب واقعاً بر آنها می‌چسبد.

٤- افرادی که جملاتی از قبیل: «بالای چشم‌ها ابروست»، «اختلاس نکن»، «عشایر ذخایر انقلاب هستند»، «عدالت خوب چیزی است»، «حقوق خود را مطالبه می‌کنیم»، «آزادی نعمت خداوندی است» و «ایران با تمام اقوامش بزرگ و قدرتمند است» یا اعدادی مانند ١٥، ١٩ و ٢٠ به کار می‌برند و اصول ریاضی و محاسباتی جیب ما و دار و دسته را به هم می‌ریزند، شرکه خلق عرب هستند.

نتیجه‌گیری: خلق عرب‌ها یک میلیونم قوم عرب خوزستان نیستند، اما چماق آنها بر سر همه مردم ما فرود می‌آید.



□ محمد مشکور مدحجی از آبادان: در نشریه شما خواندم که قرار است منطقه کشتارگاه آبادان را تخریب نمایند. به نظر من نه فقط این منطقه را باید تخریب کرد، بلکه می‌بایست آنرا آتش زد. این منطقه اکنون به بزرگترین مرکز فساد و توزیع مواد مخدر شهر آبادان تبدیل شده است. اما بنده می‌خواستم سه نکته را جهت یادآوری مطرح نمایم. نخست اینکه از نیروهای شریف و متعهد انتظامی تقاضا دارم به مردمی که از فقر و نداری در آن منطقه ساکن شده‌اند و ارتباطی با عوامل فساد ندارند، خسارتی وارد نشود. دوم از همه مردم شریف آبادان می‌خواهم که در شناسایی شبکه‌های فساد و توزیع مواد مخدر در این منطقه نهایت همکاری را با مسئولین داشته باشند تا از این طریق ضربه قاطعی بر تبهکاران به‌طور جامع و مانع وارد گردد. سوم همانطور که می‌دانید چنین روش‌هایی اگرچه به‌نوبه خود قابل تقدیر است، اما نتایج کوتاه‌مدتی دارند و برای اینکه زحمات برادران مسئول به‌هدر نرود بایستی برای امور فرهنگی و تفریحی جوانان در یک برنامه درازمدت چاره‌ای اندیشید. بنابراین چنین مبارزه‌ای با سوداگران مواد افیونی، زمانی به نتیجه می‌رسد که بعد از ریشه‌کن کردن عوامل توزیع آن، برنامه‌های فرهنگی و تفریحی برای جوانان جایگزین آن شود، نمایندگان محترم آبادان باید برای تخصیص بودجه‌ای به این مسئله تلاش نمایند. یادمان باشد که در جنوب تهران تعداد زیادی از محله‌های بدنام را به پارک‌های بسیار زیبایی تبدیل کردند. ما در شهر خود، حداقل یک‌بار این کار را انجام دهیم.

□ من مدینه الاهواز بدون ذکر الاسم:

«انته التفاتکم بان هناك من العرب وماهم ليس بعرب، يهنون و يمنعون الشباب من المساهمة والمشاركة في صحيفتكم ويقول هؤلاء الاشخاص بأن مصاريف ومبالغ هذه الصحيفة تأتي من الوهابيين فما هور دكم عليهم؟» نحن نقول لهذا الأخ وسائر اخوتنا واخواننا: لقد جاء ١٤ موضوعاً عن الأئمة فقط في العدد الثالث كما جاء في العديدين الأولين مواضيع مشابهة. اننا وانتم يجب أن لاندهش من اشاعات المعادين لثقافة الشعب وتقدم معنوياته وتجاريه ومعلوماته. فحتى لو قالوا ان بيل كلينتون هو الذي يمّول هذه الصحيفة ويشرف على ادارتها مباشرة فلا تستغربوا يا أهلنا الأعز! المهم هو الجواب على هذا السؤال: هل تقدم الصحيفة الى قرائها ما يطلبونه وما يحتاجون له وما يشعرون بأنه منهم ولهم أم لا؟ و الى جانب الاجابة عن هذا السؤال، يجب أن نتذكر ونقول للأخريين اننا أحراراً اذ كيا نقرأ الصحف والكتب ونستمع الاذاعات ونشاهد القنوات ونتبع أحسن القول كما تأمرنا الآية ١٧ من سورة الزمر المباركة.

«سیدعدنان الموسوی - جامعة دزفول»

الج يل حبتج روجي الج يل بلسم جزوحي
تحية ال طهرت روجی من اهل شوگ الفلاحية

ابودية - عدنان من سربندر

جرح الجان المخزن ليمته
ابوصلکم وشایتی کثر ليمته
شعبنه الياوکت ييقاليمته
ذليل ولايحس حگه ابثنيه

شلت عزت بلادی علمتني
وارد ابکل شراسه علمتني
هاي الکاع أمی علمتني
اموت ابشوگهه وتفتخر ليه

□ قاسم البدوي من الشوش:

صوت الشعب يا ناس شمعة ليالي
تشرح هموم الناس و تشرح احوالی
صوت الشعب ميزان فن وثقافة
علم و کلام فليج، شعر و ظرافة

□ فاطمة التيمي من الاهواز:

تحية لكل الاخوة الناشطين في صحيفة صوت الشعب. ان صحيفتكم رائعة ذات مواضيع جذابة. فنتمنى لكم كل الموفقية والنجاح وشكراً.

□ حداد حدادي طالب كلية الحقوق في الاهواز:

جريدة الشعب، نحن بانتظار
ونقرأ العدد حتى صدور العدد
نعشك الجميع من دون اختيار
جريدة الشعب نحن بانتظار

□ السيدحسن الشبّري من الاهواز:

الى الصامتين من ابناء الامة الاسلامية، الى الصامتين عن
قضية فلسطين:

صَمَتْنَا وَصَمَتْنَا

يا تَرُؤي، لَمَتَي هَذَا الصموت

أمن العقل أن نكون حجراً حتى نموت

فإذن هَيَابُنَا

فلنصرخ قبلما العمر يفوت

□ ياسلام، «نوفل نيسي» هستم عضو شورای مرکزی و سخنگوی جمعیت فرهنگی اسلامی دشت آزادگان، آمادگی خود را برای همکاری با نشریه وزین رأی ملت اعلام می‌دارم.

□ اتي سكرتيرة التحرير في صحيفة المناهل، اتحدت معكم من مدينة (شادكان). نشكر صحيفتكم على ما نشرته عن دوريتنا ونأمل أن نرسل لكم مساهماتنا. ونرجو الاهتمام بايصال صحيفتكم الى مدينتنا لأنها لم تصل أولم توّزع جيداً.

صوت الشعب: لقد أرسلنا الى عنوانكم نسخة ونتوقع من جميع
الراغبين في الحصول المنتظم على صحيفتهم هذه أن يملأوا قسيمة
الاشتراك ويرسلوها لنا.

□ الى الاخوة ناصر تابع جابري (من الأهواز) و عبدالباري الجبوري (من المحمرة) و ابراهيم تاجران (من طهران): نشكركم على رسائلکم الغراء واقتراحاتكم وأرائكم القيمة ونرجو منكم ارفادنا بانجازاتكم في مجالات اهتمام الصحيفة كما نأمل في أن نستفيد من افكاركم النبيلة.

□ نقدّم تحياتنا ونعبر عن شكرنا الخاص الى أخينا العزيز السيدعباس عسكرة المقيم في تونس على ما أرسله لنا من اقتراحات وآراء في العمل الصحافي والثقافي نأمل الاستفادة منها في صحيفتنا خدمة للشعب.

○ من جميل ثامريون من مدينة ماهشهر

«لَمْ يَدُلْ عَلَى الْجَفَاءِ إِذْ كُنْتُ بِعِيدِ أَمْنِكَ مَقَامَ
بَلِّ الْوَفَاءِ إِذَا اسْمُكَ وَرَدَ اللِّسَانَ مَدَامَ
الأول:

يگلبي گلي بعد تعتب عليمن

او کل يوم القهر زايد على من

جان اليستم منى هسه عليمن

فضل ما شوفاله ثابت عليه

الثانى: في حق الأخو

لجل فرگاك عيني مديم إتسيل وُدُر

يل مثلك أبدأ بالذهب ماشفت وُدُر

وحق لبن إلي رضعته اويالك وُدُر

جنسر أصيلون لك وعبرُ عليه

برادر گرامی جناب

آقای حسین معرفی

ارتحال والد گرامی حضر تعالی را تسلیت
عرض نموده برای بازماندگان صبر جمیل و
برای آن مرحوم مغفور طلب رحمت
مسألت می نماییم.

دکتر حسین خاتمی - مهندس نیکخواه

دکتر جواد سالاری

طرائف و ابتهامات

لغة الأم

الطفل - بابا، لماذا يسمّون اللغة التي نتكلّم بها
«لغة الأم» ولا يسمونها «لغة الأب»؟
الأب - لأنّ الآباء ليس لهم الوقت الكافي
والرغبة الشديدة للكلام.

منتظم وغير منتظم

الطبيب - لا أعرف لماذا نبضك «غير منتظم».
هل تدخّن سجائر؟

المريض - نعم سيدي تدخيني مستمر
و«منتظم». فمن أين جاءني عدم الانتظام؟!

الابتهام عندالمصور (امام الكاميرا)

المصوّر - ابتهسم رجاء لتظهر صورتك أجمل.
الزبون - غير ممكن، لأنني أريد هذه الصورة
لتكميل ملف استلام القرض.

عنوان الوجد

الطبيب - أين تشعر بالألم؟

مُدّرس الجغرافيا - في الناحية الشمالية من
رأسي بالقرب من القطب.

اللسان القصير

الأم - لماذا تمدّ يدك الى الجانب الآخر من
المائدة، أليس لك لسان؟
الطفل - ولكن يا ماما لساني قصير لا يصل الى
الجانب الآخر.

انالله وانا اليه راجعون

سرکار خانم عليه حسینی

درگذشت ناگهانی عموزاده گرامیتان
مرحوم سیدکاظم قرابی هاشمی را به شما و
خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده،
برای آن فقید سعید علو رحمت و برای
بازماندگان صبر جزیل خواستارم.

دکتر ناصر اقبالی

حَقِيقَةُ الْمُشْعَشَعِينَ

بقلم: السيد محمد حسن الشبيري

(ص ١٣٠) قال: «هو محمد بن فلاح الواسطي المشعشي الموسوي المتوفى سنة ٨٧٠ كان من تلاميذ أبي العباس أحمد بن فهد الحلبي، ثم قام عام ٨٢٠ ضد طغاة بني تيمور وحكامهم دفاعاً عن المضطهدين، ولقب نفسه المهدي بمعنى المنجي وليس المهدي الموعود والحجة المنتظر (عج)، (تابع النقطة الثانية تجد شرحاً وافياً لهذا الموضوع)، فحارب أسبند ميرزا والشيخ أبي الخير حاكم تستر بن محمد الشافعي الجزري، حتى فر أبو الخير إلى والده الذي كان حاكم شيراز من قبل السلطان عبدالله بن إبراهيم بن شاهرخ بن تيمور».

ومن خلال الدراسات المختلفة لما كتبه المؤلفون والمؤرخون في عصر السيد المشعشع وبعده يظهر جلياً أن نهضته كانت ثورة ضد الظلم والحكام الطغاة ولا بد لكل ثورة أن تعتمد على ركائز أساسية تشكل دعامة تلك الثورة فكانت العقيدة وربط الثورة بمبدأ المذهب، خير ركيزة ودعامة لثورته إذ أن التضحية وبذل النفس والنفيسة والدماء لا يهون إلا إذا كان ثمنه فوق الماديات وهذا لا يحصل إلا إذا كان الأمر مرتبطاً بالدين والثواب الآخروي ومن هذا المنطق بنى السيد المشعشع أمارته وقواها.

إلى أن يقول: مشعشع الخد كم دبت عقاربته في وجنتيه وكم سابت أفاعيه وسجر النار في قلبي و حل بها أن المشعشع نبار ليس تاذيه ومن هنا يظهر أن هذه الشائعة كانت مهمة على الناس في تلك المنطقة راسخة في أذهانهم لكن الواقع أن هذه الأساطير قد نمقت و سطوت حول هذا السيد إلى حد أصبحت شبه حقيقة عند العوام آنذاك مما سببت حصول فكرة الفلو والحلولية في عقيدة المشعشعين عند بعض الكتاب وقد اطلعت الأعلام وكثر التشيع من المفرضين واتخذوا من ذلك وليجة للنيل من الشيعة ومذهبهم ولكن الذي يظهر من خلال مطالعة الآثار أن المشعشعين القدامى زرعوا تلك العقيدة في قلوب أتباعهم لتحكيم السيطرة عليهم وتأليف قوة دفاعية مستتمة من أجل الوقوف بوجه الطغاة من

غاب استاذ، وكيف كان فإن تلمذه على الشيخ المذكور أمر مقطوع فيه واستاذ هذا كان على درجة كبيرة في الزهد والتقوى والعرفان مما ينقل له كرامات وخوارق للعادات تفرد بها من علماء عصره من الشيعة.

فيقال أنه كان للشيخ كتاب فيه أسرار في العلوم الغريبة وقد أمر الشيخ في مرضه أن يلقى ذلك الكتاب في الفرات لكي لا يقع بيد من لا يحسن الاستفادة منه فتوصل السيد المذكور إلى أخذ ذلك الكتاب من غير علم الشيخ فاستعمل ما فيه وقد ظهرت على أثر استعمال ما فيه خوارق كانت سبباً لاعتقاد الناس بمنزلته القدسية، مما جعلتهم ينفذون أوامره حرفاً بحرف. هذا ما شاع وذاع عن بداية أمره وهو لا يخلو من غلو وزيادات تكاد تكون كالخرافة، قال صاحب أعيان الشيعة: «وطائفة المشعشعين طائفة شريفة موسوية حسينية

الشريف العام النسابة الجليل السيد معد بن الشريف النسابة الجليل السيد فخار الأول بن السيد أبي البركات أحمد بن السيد أبي القاسم محمد بن الشريف أبي الفنائم محمد بن السيد الحسين الشيتي بن السيد محمد الحائري بن السيد إبراهيم المجاب بن السيد محمد العابد المدفون في شيراز، بالقرب من أخيه السيد أحمد المعروف بشاه چراغ بن

أن الأمانة المشعشعية التي نشأت في أواسط القرن التاسع الهجري في خوزستان وشمل حكمها المناطق المجاورة لاتليم خوزستان كجنوب العراق والموانئ وبعض مدن لرستان جديرة بالبحث والدراسة من ثلاث نقاط:

الأولى: الدراسة التاريخية لمؤسس هذه الأمانة وخلفائه من بعده وعقيدة المؤسس لها والركائز العقائدية له التي بنا

يظهر من سلسلة نسب المؤسس للأمانة أن جل آبائه واجداده من كبار رجال الشيعة علماً ومحلاً وشهرة

الإمام موسى الكاظم عليه و على آبائه وإبنائه، آلاف التحيات والسلام. (١) وكما يظهر من سلسلة نسب المؤسس للأمانة أن جل آبائه واجداده كانوا من كبار رجال الشيعة علماً ومحلاً وشهرة في الأوساط العلمية والاجتماعية على مر العصور ابتداءً من عصر الأئمة الأطهار عليهم السلام واستمراراً إليه وإلى خلفائه من بعده والمشهور أنه ولد في مدينة واسط من المدن العراقية حيث ينسب إليه قوله:

أقامتنا أرض العراق بواسط مدينة أهل العلم والزهد والعلم وقد اختلف المؤرخون في بداية نشأته وتلمذه فمن قائل أنه كان يتيماً حيث توفي أبوه في سن طفولته وتزوج العالم العارف الكبير - الشيخ أحمد بن فهد الحلبي - (المتوفى سنة ٨٤١) بأمه فنشأ السيد محمد المشعشع في بيت استاذته الشيخ المذكور ومن قائل أنه قرأ المقدمات العلمية في حياة والده في واسط ولما بلغ من العمر ١٢ سنة طلب من والده أن يقرأ على الشيخ المذكور في مدرسته في الحلة وكان والده ضنك المعيشة، فاذن له فذهب إلى الحلة وقرأ على الشيخ وصرف ليله ونهاره في المطالعة والدرس فبلغ المراقي الجليّة في المدة القليلة حتى رضي عنه استاذته وصار يُدرّس مكانه إذا

أمارته عليها. الثانية: دراسة شاملة لزمان ظهوره والظروف التي كانت تكتنف المنطقة من الحكومات المحيطة والحالة الاجتماعية والعقائدية السائدة في المجتمع آنذاك. الثالثة: السياسة العامة للحكام والملوك التي كانت تقتضى ظهور الحركات اصلاحية كانت أم انتهازية. فلنبداً أولاً بدراسة أحوال مؤسس هذه الأمانة بصورة موجزة تسلط الضوء على الطريق للاستمرار على دراسة النقاط الأخرى.

(مؤسس الأمانة المشعشعية)

أن المؤسس لهذه الأمانة هو السيد محمد المتهمدي الملقب بالمشعشع وهو أول سلاطين المشعشعين في خوزستان وضواحيها بن السيد فلاح بن السيد هبة الله بن السيد حسن بن السيد الجليل أبي الحسن علم الدين علي المرتضى النسابة (المتوفى سنة ٧١٩) بن السيد العالم الجليل نقيب المشهد الفروي والكوفة، السيد عبد الحميد الموسوي الحلبي (المتوفى سنة ٦٨٨ تقريباً) بن العالم الكبير امام الأدباء والفقهاء والنساب، شيخ الشرف شمس الدين أبي علي فخار الموسوي الحلبي الحائري (المتوفى سنة ٦٣٠) بن

كانت ظروف خاصة حصلت للمجتمعات البشرية وخاصة للمسلمين نتيجة تحكم الحكام المغول والتتار

علوية تملك تلك الاصقاع مدة طويلة وملكهم سابق على الأول ملك الصفويين الشاه اسماعيل الصفوي وبهذه المناسبة يطلق على اسم الحاكم منهم «الخان» ويسمون بالموالي «أيضاً».

ويقول بعض الكتاب أن سبب تسميتهم بالمشعشعين أن السيد علم أتباعه بعض الأوراد والأذكار كانوا يتلونهم فيحصل في أبدانهم نوع من التشعشع والتحجر فلا يعمل بهم السلاح ويخترقون شغل النيران فلا تحرقهم ولا تآثر فيهم، وإلى هذا أشار الشاعر الشهير السيد جعفر الحلبي في قصيدته التي مدح بها السيد إبراهيم بحر العلوم في حفل زواج ابنه السيد حسين و مطلع القصيدة:

عهد الفوادي قريب في بواديه وقد روين حديث البرق عن فيه

الحكام الذين كانوا يعيشون في البلاد ويتلاعبون في مقدرات العباد، فواجهت تلك الدعوة مناخاً ملائماً وظروفاً مناسبة، فنمت في قلوب البسطاء والسذج من أهل تلك الانحاء، الذين كانوا يعيشون في حالة من الجهل ليست باقل من الفترات الجاهلية التي مرت على بعض الأمم مدى القرون والاحقاب ولكن سرعان ماتته أهل الخير والمصلحون لذلك الانحراف، فسموا وبجهد من المشعشعين أنفسهم في تنفيذ تلك العقيدة وتزييفها وتطهير الناس منها والعودة إلى منهج الحق القويم والصراط المستقيم.

السيد محمد المشعشع ليس المهدي الموعود وذكره المحقق الهطراي في (الضياء اللامع في القرن التاسع

ان نهضة السيد المشعشع كانت ثورة ضد الظلم والحكام الطغاة

المسلمين حيث فقدوا إراداتهم في الأرض. وتوجد في هذا المجال رسائل ومكتاتبات تنسب إليه، بعضها يخالف العقيدة الفلو والحلولية ولا يدري بالضبط أن هذه الرسائل هي في الواقع من انشائاته هو أم انها زيفت ونسبت إليه كمحاربة من أعدائه ومخالفه للتشيع

***(النقطة الثانية)* الظروف الزمنية التي كانت سائدة أبان ظهوره** وهي ظروف خاصة حصلت للمجتمعات البشرية وخاصة المسلمين نتيجة تحكم الحكام المغول والتتار في البلاد الإسلامية وتعسفهم وظلمهم اللامستأثر الذي زرع روح اليأس والاستسلام في قلوب

الامثال الشعبية

○ حاج عمران العبادي

١- النار ما تاكل إلا رجل واطيها

يعبر هذا المثل لمن لم يتأمل في الشيء ويلقى نفسه عاجلاً وتؤدي النتيجة إلى اصطدامه وضرره والخاسر هو بنفسه لا غير

٢- اعد بالشمس لمن يجيك ألفي

والمثل هذا يُراد به موضوعين الأول الصبر الحقيقي والذي يقال من صبر ظفر والثاني إساءة الإنسان عليه أن يتحمل المشاق خير من أن يكون ذليلاً حتى يفرج الله سبحانه عنه فينتقل من دور إلى دور أفضل

٣- البعير حمله ذهب أو اكله شوك

ما أروع هذا المثل ولواقع يعبر بهذا المثل لمن يملك الشيء ولا يمكنه الاستفادة منه علماً من أن الجمل يحمل السمن الكبير والبضاعة الغالية واكله العاقول وهو الشوك وما أحسن ما قاله الشاعر

كالعيس في البيداء يقتلها الضما والماء فوق ظهورها محمول

٤- اتغذّ به قبل لا ينغسه بيك

يعبر هذا المثل عن الشخص الذي يحتال ما كراً بصاحب ولا يهتمه إلا الغدر ولمكر فيقال هذا من باب الحذر يعني احذر الغدار قبل أن يغدر بك

٥- امش شهرو لا تطفر نهر

مثل رائع جداً وموضوعه التناهي في الأمور فمن تعجل ندم وربما يقال الشيء الذي لا يمكنك اقتحامه تراجع عنه أولاً لك

٦- السفينة إذا كثرت ملايحها تفرق

يعبر بهذا المثل إذا لم تراعى الأمور حسب النظام ولم يكن هناك مديراً مديراً فلذا لك الأمور التي تتمتع حسب أنظمتها المرسومة لها لا يتبدلها من انهيار

٧- اتعب تلعب

مثل هذا المعنى جاء في أقوال الرسول (ص) «من سار على الدرب وصل ومن جد وجد» المثل في الشعر كما عودناكم في الزاوية أو يا روي اشكر ونج شديد

والتي ما يتعب على الشيء ما يفيد

اشكر امثال العرب كالوها السنه

والتي ما يعبد الرب اشلون ايدور على الجنة

هست من يمدح ابنفسه اهوايه موجود ابرمنه

ايكون لوردت المعالي جان متناز عنه

لاجن ما يكد على الشيء يريد لو تمنه

صدك حقيه الما يناش العنب بيده

حيث ما توصل ايده ايكول حامض ماريد

والعقيدة فان الانظمة السياسية التي كانت سائدة آنذاك كان اكثرها يستند ترهات مثل ذلك فقد جاء في التاريخ عن ملوك الصفويين مثل ماجاء

للمشعشين وليس بعيدا ان يكون الصفويون ايضا قد وجدوا في تلك عقائد دعامة لحكمهم ولكن لما كانت مناطق حكم الصفويين اوسع واشمل وكانت تقسيماتهم الادارية والعسكرية لحكومتهم واسعة كدولة تناهز الدولة العثمانية اكتفاً بحكامها بقوة السيف عن الاستمرار في سقى بذرة عقيدتهم التي بناها عليها كيانهم، فكتب المؤرخون عنهم ما يتلائم والعقيدة السليمة الخاصة من شوائب الاوهام ورغم هذا كله فانا نجد من قوامي الكتاب من رماهم بالفلو والانحراف والظلاله ومن اجل ان نستعرض تاريخ المشعشين ورجالاتهم من بداية ظهور مؤسس امارتهم السيد محمد المشعشع الي بداية القرن الحادي عشر حيث كانت هي الفترة التي استقرت ما يقارب ثلاثة قرون وكانت هي الفترة التي علا فيها نجمه لا بد ان نسعود الى كتب التاريخ المؤلفة في هذا الباب ومنها كتاب (مسيرة الى قبائل الاهواز) لمؤلفه جابر جليل المانع وكتاب (تاريخ المشعشين) تأليف جاسم حسن شير وكتاب (الرحلة المكية) تأليف المولى علي بن عبدالله بن علي خان المشعشي...

20 ايضاح:

(١) هذا نسب السادة المشعشين المعروفين بالموالي المتفق عليه في كل من كتاب: (تاريخ الفاي) تأليف عبدالله المشعشي حفيد الشافعي، (ورسائل نسب: السيد محمد بن فلاح المشعشي والسيد علي خان بن خلف للمولى السيد شير بن محمد الحويزي من اعلام القرن الثاني عشر وهو من المشعشين أنفسهم، وكتاب (جهان آراء) فارسي للمؤلف احمد القزويني المتوفى عام ٩٧٥ هجري، الله للشاه طهماسب الصفوي (كتاب سراج الانساب) للشاه احمد بن محمد الجيالي النجفي الله سنة ٩٨٩، وكتاب (تذكرة شوشن) للسيد عبدالله حفيد السيد نعمته الجزائري من اعلام القرن الثاني عشر، وكتاب (مجالس المؤمنين) للسيد نورثة المرحشي النجفي وكتاب (الظلية في المشجرات الجلييلة) للشيخ المحقق آقابزرگ الطهراني، وكتاب (طبقات النساين) للسيد عبدالرزاق كسوة (نقلا عن مقدمة الديوان الموسوم بخير جليس ونم انيس، للمولى السيد علي خان المشعشي، بقلم المحقق والمؤلف السيد هادي باليل الموسوي (الشري).

علماء الشيعة في خوزستان يظاهون علماء اصفهان آنذاك ورغم عودة المشعشين الى النهج القويم وتخليصهم العقائد

لقد كانت الحالة السياسية تقتضي وجود عقيدة كتلك التي كان يعتقدونها اتباع المشعشين

الخرافية التي تناقلتها كتب المؤرخين فانهم لم يسلموا بعد من محاربة الحكام واضطهادهم لاسباب سياسية اخرى كما تقدم.

(النقطة الثالثة) السياسة العامة للحكام والملوك

وهي السياسة التي كانت تقتضي حكومة المشعشين

فلو نظرنا الى ايام بني العباس لرأينا انهم حاربوا الفاطميين في مصر بالدعاية ضدهم وتشويه سمعتهم

للفوضه السائدة لمجتمعات البشرية آنذاك والمحاربة صنفان بان يقوم جيش على منطقة فيختلها ويحكم بها وصنف ان يحارب نظام، محاربة دعائية تسقط قيادة ذلك النظام من عيون شعوبهم وهذا الصنف قد استعمل في محاربة المشعشين اكثر من الصنف الاول وان كانوا لم يسلموا من كتابي المحاربتين فلو رجعنا الى الوراء ونظرنا الى ايام بني العباس لرأينا انهم حاربوا الفاطميين في مصر بالدعاية ضدهم وتشويه سمعتهم وقالوا

انهم مستحلون ونسبهم باطل ولا توجد صلة لهم بابناء قاطمه الزهراء سلام الله عليها وانما فعل العباسيون هذا لمجزهم عن شن حرب بواسطة الجيوش ضد الفاطميين، فكان المشعشيون هدفا لاعدائهم في تشويه سمعتهم ورميهم بالفور والكفر وماشابه ذلك وان هذه المحاربة قد لاقت مناخا ملائما لما كان مغروسا في نفوس المشعشين من بعض الاوهام والخرافات ولكن الواقع ان المشعشين ماكانوا بدعا في ما نسب اليهم في الانحراف

الصفويين حتى مرّت على ذلك اعوام متوالية ودب الضعف في كيانهم واصبحوا محدودين في حكمهم وذلك في بداية القرن

الحادي عشر في عصر حاكمهم الامير المبارك بن عبدالمطلب المشعشي (المتوفى سنة ١٢٦) وهذا الامير بذل جهدا واسعا في احقاق كلمة الحق وتخليص العقيدة من الشبهات والخرافات التي سبق وان امتزجت بعقائد المشعشين، فبنا المدارس والمساجد وبذل العطاء ومهد العلماء ورجال الدين من اجل اقامتهم في

عاصمة المشعشين وتعليم الناس وتثقيفهم، فتجمعت نخبة من كبار علماء الشيعة في مناطق خوزستان سيما عاصمتهم الهويزه وشادگان وشوشر فالقوا وصنفوا واقاموا الجمعيات الدينية والاجتماعات واسوا المدارس والحوارات العلمية وتنتج من ذلك جيل من كبار

الدين والاساس لها في الدين والعقيدة فكانوا بين مطرقتين، مطرقة المشعشين ومطرقة

اليه وليس بعيدا ان تحاك بعض الافتراءات والمخططات ضده لإظهار شخصيته مارقا عن الدين الحنيف ولاتلائم عقائده مع الشيعة والسنة ولعل بعضها سطرت بعد وفاته والله اعلم. ثم ان روح القدسية والشخصية المرموزة المحاطة بحالة من توهيمات العوام بالنسبة الى القائد المشعشي انتقلت وراثه الى خلفائه فكان البعض منهم يقويها وينميها اكثر مما هي عليه لانه يرى بقاء حكمه ودوام سلطانه مرتبطا بها وبعضهم يستاهل معها ولا يعيرها اهتماما. بالاضافة الى ذلك انها ثبتت ورسخت في اتباعهم حتى كادت تكون جزء من حياتهم كما هو موجود في عصرنا هذا بالنسبة الى بعض الجيوش او بعض الحرس الخاص لبعض الحكام.

لقد كانت الحالة السياسية تقتضي وجود عقيدة كتلك التي كان يعتقدونها اتباع المشعشين فهم محاطون باعداء يترصدون تفورهم ليشوا عليهم على مر الاحوام والسنين فعند ظهور السيد المشعشع كان الحكام المغول والتار يترصدونهم وفي العصر العثماني كان العثمانيون يحاربونهم ويريدون الوقية بهم مستخدمين الدعاية الدينية عنهم بانهم ولاه كفار مارقون عن الدين الحنيف وعندما ظهرت الحكومة الصفوية في ايران كان الحكام الصفويون يوتقون بهم بين حين واخرى مدعين مخالفتهم لمذهب اهل البيت وان كانت اسباب عدائهم لهم ناجمة عن امور سياسية بحيث لا اساس لها في الدين والعقيدة فكانوا بين مطرقتين، مطرقة المشعشين ومطرقة

أسماء المدن

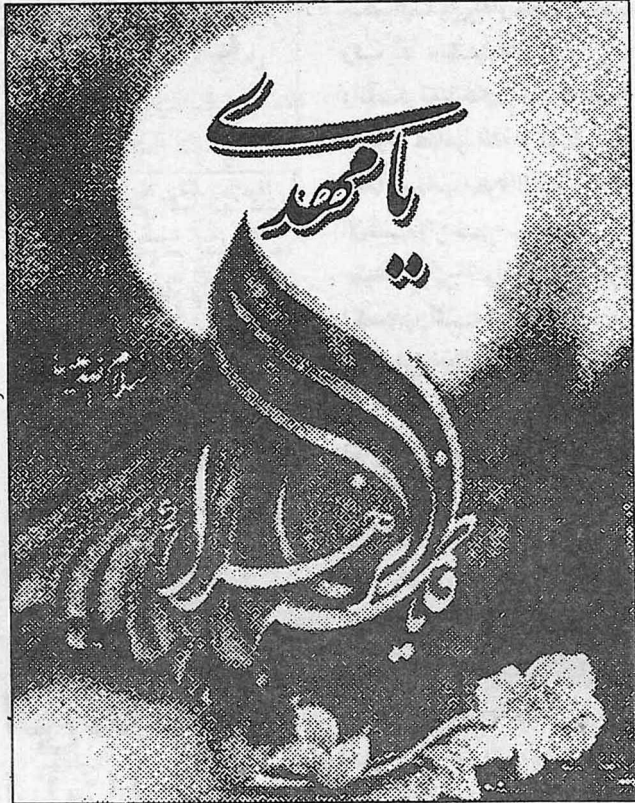
لم يخف على قرائنا الاعزاء ان المدن الخوزستانية الجنوبية والغربية ذكرت اسماءها الرسمية في العدد الثاني لصحيفتنا والأعداد التالية له في النصوص العربية أيضاً، الأمر الذي أثار التساؤلات في بعض الأوساط الشعبية والمثقفية. فلذا نلفت انتباه القراء الكرام الى أن الأسماء لاتهم بقدر ما تهتم الثقافة واللغة والتنمية والطموحات السليمة الراقية الأخرى. لقد غير الأسماء مجلس الوزراء عام ١٣١٤ هـ ش (١٩٣٥) على اساس اقتراح بعض الاساتذة وقد يغيرها أو يثبتها يوماً ما مجلس الوزراء أو مجلس الشورى الاسلامي أو مجلس المحافظات (الذي لمّا يشكّل) على اساس اقتراح قد تقدمه احدى المؤسسات الحكومية أو المدنية. اما الصحيفة فمن حقها الاقتراح والايضاح وهي تخضع طبعاً للقوانين والظروف. ولكن لايفوتنا القول هنا ان حب الوطن وحب اللغة المشتركة (الى جانب لغة الام) لايتنافان مع الواقعية التاريخية.

طيف الظهور

○ السيد محمد
حسن الشبري

بمناسبة عيد ميلاد امام العصر و الزمان «عج»

السيد الحميري حيث يقول:
وزارني طيف من اهوى على حذر
من الوشاة وداعي الصبح قد هتفا
فكدت اوقظ من حولي به فرحا
وكاد يهتك سر الحب بى شغفا
ثم انتبعت وأمالى تخيل لي
نيل المنى فاستحالت غبطتي اسفا



نعم انتبعت من نومى
وتاسفت على حال الفقراء
والمساكين والمضطهدين
الذين ما زالوا ينتظرون ظهور
امامهم ليفنوا ويهتفوا.
تاسفت على الدين الذى كان
ينتظر الظهور ليكمل.
تاسفت على الشمس
المتلعة تحت اودية السحب
التي تنتظر الظهور لينزاح
عنها السحاب. تاسفت على

يا له من عيد سعيد ولكن
سرعان ماتت تلك
اللحظات وسرعان ماتت
ذلك العيد السعيد بعد ما

● ذات مساء وعندما
استسلمت لخدر الرقاد...
حلقت في عالم الرؤيا.
فلقيتك يا سيدي تمتطي
فرسا بيضاء مطهمة ونور
وجهك الشريف قد اضاء
الارض والسماء رايتك
وحولك الانصار ملين
طائعين. وكان الصيحة قد
وقعت ونودى بصوت عال
من السماء:
انتبهوا يا شيعة! انتبهوا يا
شيعة! فلقد ظهر امامكم ظهر
غائبكم المنتظر ذهبت
واقشمر بدنى. يا اللهى ما
الذى اسمع؟ واقع هذا الذى
اراه؟ وثبتت دون ارادة
جدلامسورا فتحت الباب
على مصراعيه... رايت الدنيا
قد تغيرت. الخريف اصبح

كلمة في سبيل الإصلاح

○ على ابوطارق - مدينة ماهشهر

لربما تكفيه لكي يفق ويصحى من
نومه الطويل حتى لايتوهم البعض
إنه ميت وأن الإصلاح يجب أن
ينبعث من داخل المجتمع وليس
من خارجه لكي يدحض التخلف
والانحطاط شيئا فشيئا والذين
يريدون تغيير مجرى المجتمع
العربي الايراني واستثمار طاقاته
والخروج به من طوق العزلة الخانق
يجب أولاً أن يركزوا على حقوق
المرأة والمطالبة بها فى شتى
المجالات ومن ثم التركيز على
الإصلاح الفكري والثقافي للمجتمع
وعقد ندوات خاصة لهذا الغرض في
اذاعة وتلفزيون الجمهورية
الاسلامية وخاصة تلفزيون المحافظة
«القسم العربي» ولأننا نجاح هذا
الأمر يتطلب مساعدة الجميع
وبالاخص الباحثين واصحاب الراي
والمتفنيين والحكومة معاً. واننا على
يقين شبه تام أن المسؤولين في
جمهوريةنا الاسلامية سيتعاونون مع
من يريد تحقيق هذا الهدف تعاوناً

شعبنا بقدر مانلوم الظروف السيئة
التي أوجدت وأوجبت استمرار هذه
العادات والاعراف الباطلة البعيدة عن
روح الاسلام وتعاليمه الحنيئة
والموعظة بهذا الشأن لاتجدي شيئاً
بل يجب أن تدرس هذه القضية (اي
قضية حقوق المرأة العربية الايرانية)
دراسة موضوعية من قبل الخبراء
والاخصائيين في هذا المجال من
ابناء شعبنا وتُعقد المؤتمرات من
اجل مناقشة هذا الموضوع الانساني
الهام وإن التجارب القاسية التي
مر بها شعبنا علمتة دروساً بليغة

محمدرضا ضد شعبنا العربي قد
دفعت بالكثير من الناس نحو الشعور
بالاحباط والاهانة وعدم الثقة ومن
ثم تفشي الأمية والجهل واستفحال
القيم والعادات القبلية بين اوساط
الشعب الامر الذي دفع الكثير من
الناس نحو الغلو والمبالغة في بعض
العادات والاعراف الاجتماعية، وقد
يتحدون احياناً الدين الاسلامي
والشرع الالهي في سبيل ذلك ومن
هذه الامور استغلال المرأة وحبسها
بين جدران البيت وغسل العار بدمها
دون الرجوع الى حكم الله، ولانلوم

إن الإصلاح يجب أن
ينبعث من داخل المجتمع
وليس من خارجه لكي
يدحض التخلف والانحطاط

شيئاً فشيئاً

إن سياسة التمييز العنصري التي
مارسها رضا خان وابنه محمدرضا
ضد شعبنا العربي قد دفعت بالكثير من
الناس نحو الشعور بالاحباط والاهانة
وعدم الثقة ومن ثم تفشي الأمية
والجهل واستفحال القيم والعادات
القبلية بين اوساط الشعب

هذه الأساليب البهلوية التي
استمرت الى نصف قرن فاصبح الفرد
العربي الايراني عنواناً ومثلاً يضرب به
للاستهزاء والسخرية عند بعض
الناس الذين انجرفوا مع هذا التيار
الظالم والخبث. إن هذه العوامل
وغيرها هي التي حالت بين مجتمعنا
العربي وبين التطور والرفق والحقوق
المشروعة التي تضمن له العيش
الكريم بصفته شريحة مهمة من
الشعب الايراني العظيم وعلى ضوء
هذا فإن سياسة التمييز العنصري
التي مارسها رضاخان وبنوه

التي هي لغة القرآن والحديث، بشتى
الوسائل والسبل الخبيثة فبانت كل
هذه المحاولات بالفشل الضريع
وصمد شعبنا العربي بوجه اعداء الله
والانسانية ألا أننا قد لايمكن أن
نقض النظر عن بعض التأثيرات
السلبية التي افرزتها هذه
الممارسات العنصرية البهلوية على
مستوى الفرد والمجتمع، فقد تجرد
المجتمع العربي الايراني بشكل شبه
كامل من مقومات العيش الكريم
ووسائل وعوامل التهور والازدهار اثر

● إن القيم والعادات التي تسود
الآن في مجتمعنا ورثناها نحن أبناء
المجتمع العربي الايراني من اباؤنا
واجدادنا، وعاداتاً ماتنتقل هذه القيم
والعادات من جيل الى جيل آخر وإن
مكانة ودرجة تأثير هذه القيم
والتقاليد والعادات تتفاوت ارتفاعاً
وانخفاضاً على كل جيل حسب
مقضييات المجتمع وظروفه وتطورات
المختلفة بمرور الزمن وقد حدثنا
التاريخ عن الكثير من العقائد
والعادات والاعراف إنها انتشرت بين
الناس من اثر ماوقع عليهم من
اضطهاد وقسوة من قبل المستلطين
والحقيقة إن مجتمعنا العربي
الايراني قدعاناً الكثير من قسوة
الحياة وشظف العيش بسبب ظلم
واضطهاد بعض الحكام والشيوخ
المحلين قبل مجيء رضاخان عام
١٩٢٥ لمدة ليست بقصيرة وبعد
مجيء رضاخان تعرض هذا الشعب
الى هجمة عنصرية بهلوية ارادت
النيل من قيمه الاسلامية وضرب
معانيه وتقليده الاصيله وضرب لفته

هل الانترنت تزيد الايمان بالله ام تقلل منه؟

○ جبار نجاد ساري (خريج الجامعة) - الاهواز



حدث هو ان الناس، مع بداية القرن ٢١، أصبحوا أكثر ايماناً بالله. وتستطيع مجلة «تايم» ان تسأل السؤال نفسه. ولكن ليست هناك صلة بين اكتشافات والاختراعات الانسان وبين وجود الله في اي زمان، وفي اي مكان.

*** وماذا عن «الانترنت»؟ هل تزيد ام تقلل الايمان بالله؟**
- «الانترنت» ليست اكتشافاً، انما اختراع. هل السيادة تزيد ايمان صاحبها بالله؟ الانسان دائماً ينظر الى الاشياء التي اخترعها وكأنها طوع بنائه. وهذه حقيقة. لكن الانسان ينظر الى الاشياء التي اكتشفها كجزء من عالم بلا حدود او فضاء بلا حدود. اكتشافات الفضاء التي تحدثت عنها، تزيد ايمان العلماء الذين اكتشفوها. ولا اعتقد ان هذا هو الحال بالنسبة الى العلماء الذين اخترعوا «الانترنت».

*** لماذا يؤمن الناس بالله؟**
- اولاً: لانهم ينظرون الى السماوات والى الارض، يرونها منسقة وجميلة ومعقدة مثالية. ثانياً: لانهم يرون الله في حياتهم اليومية وهم يأكلون ويشربون وينامون ويصحون. ثالثاً: لانهم يجدون في الايمان راحة نفسية وطمأنينة وعطفاً ولطفاً. رابعاً: لان الكتب السماوية التي يقرأونها تقول ذلك. خامساً: لانهم ولدوا وتربوا على ذلك. سادساً: لان بعضهم وجد، حقيقة، ان الله يجيب دعواته وصلواته.

المصدر: «المجلة» (العدد ١٠٥٢)

مكتبة العبادي
ترحب بأهل العلم
و الثقافة في كل
أوقاتها

آبادان - رقم الهاتف
٠٦٣١-٢٥٣٦٤

مع بداية القرن ٢٠، أي قبل مائة سنة، كان هناك جدل حول مصير العالم. واعتقد بعض الناس ان القيامة ستقوم مع بداية القرن ٢٠. وهذا، طبعاً، لم يحدث. واعتقد بعض الناس ان التطورات العلمية مثل (صناعات السيارات والقاطرات) ستبعد الناس عن الله. لكن الذي

مجرد سؤال

لاشك في أن تعلم المهن والأعمال الصناعية والتقنية يساعد شبابنا على الابتعاد من البطالة والادمان بالمخدرات وغيرها ويفتح أمامهم آفاق الأمل والكسب والتقدم. فهل يمكننا السؤال من ادارة العمل والشؤون الاجتماعية العامة (دائرة التعليم المهني والتقني) في محافظة خوزستان أليها مشاريع لفتح وتدشين مراكز تعليمية في أحيائها الشعبية الحرومة أم لا؟

هناك فرق!

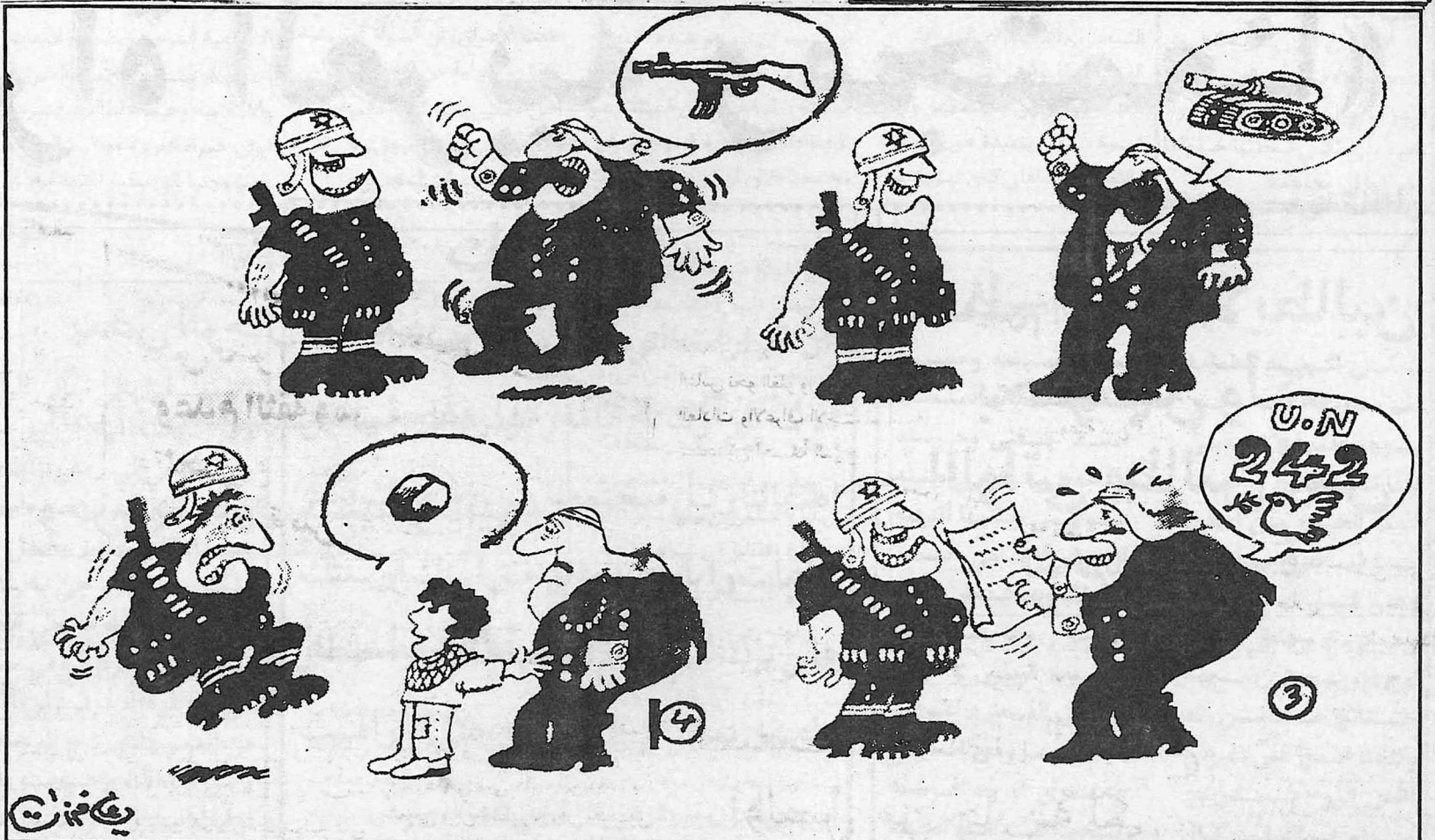
هناك فرق كبير بين «الجمود» و «الصمود». ان الجمود هو التخوف من الدراسات والمعاشرات والتغيرات تحفظاً على ما نحن فيه أو مالدينا من فكر ولغة وعقيدة واخلاق. ولكن «الصمود» هو أن تدرس وتطالع، تسافر وتعاشر، تغير وتصحح دون أن تمس بمبادئك وتشوه هويتك.

عزيزتي اختي المحترمة

○ سهيل الاهوازي

يا بانية المستقبل بتربية الاولاد، نخضع لعظمة جهودك وكثرة متاعبك. ونقدم لك هدية ضئيلة جداً واثقين بأنك ستصنعين منها مادة مفيدة لأطفالنا تساعدكم في تعلم كتابة لغتهم الأم وأملين أنك ستضيفين الكثير على هذه الكلمات العربية البسيطة المقدمة المناسبة لتلاميذ الصفين الأولين:

أب، بابا، باب، باد، ادب، آداب، بدا، دار، راد، نار، نام، رب، ماما، مر، مرمو، بان، بادر، من، اسد، داس، ارنب، تاب، تمر، سب، ست، سبت، توت، سار، ستر، ستار، دام، رز، زر، زرزور، زور، زار، ايران، ناس، سامي، أبار، ماس، نيوان، مارد، دين، دارس، درس، كبير، كرم، مكر، هـ، اكر، ناكر، كريم، سلام، كنز، زرد، زند، زين، درب، برد، ورد، ورم، ولد، اسم، شمس، شوك، كلب، شم، شمال، شريك، دفتر، دافي، فرار، مفر، فار، قابل، قاسم، قادر، قلم، قبل، مفر، مستقر، قرار، جسر، جسور، جاسم، جميل، جابر، مجبور، جسم، جبل، امجد، جلد، مجد، جد، جواد، جمل، جلب، مجيد، هل، أهل، سهل، زمن، زهر، سهر، سمن، سر، علم، على، عامر، علم، معا، شمع، ساعة، شمعة، سمكة، شجرة، رجل، زرع، عيد، شهر، مدرسة، بقرة، دجاجة، حبل، حمامة، حليب، حمار، احمر، بلح، تعب، ترك، خلو، اخذ، ثمر، ثلاث، مثلث، ثلث، ثالث، ثابت، ثعلب، ثور، جاموسة، خس، خمسة، خروف، خاسر، خراب، اخ، اخت، مخ، ذيل، لذيد، ذليل، رف، فجر، جعفر، فطر، فريد، اصغر، صغير، صقر، صف، صامد، صمد، ضبع، مرض، مريض، بعض، حضور، خاص، طار، طائر، سائل، وسط، طيب، طيلة، جانر، سائر، ماهر، آباء، املاء، انشاء، ظرف، نظم، ظهر، ظبي، حفظ، ضبط، واظب، غسل، غزال، غنم، غانم، غالب، مغلوب، غريب، قريب، لحم، حلم، حليم، مركب، موز، ليمون، قمر، عبر، فرس، عنب، عثر، غفر، ذنب، فرش، فرح، كسر، منع، مزح، قرص، غرف، عرف، عطر، لزم، لسع، عسل، قرأ، سأل، نخلة، هاون، يد، لمع، سيف، في امان الله، مع السلامة.



وأد النساء

..... فاطمه تيممي مدينة الأهواز

هذه العادات الوحشية كانت موجودة في الصين وخاصة في القرن الخامس قبل الميلاد حيث كان الشخص المتوفي يوصي ويذكر اسماء الذين

ان العرب كانوا في قمة الحضارة والرقى بالنسبة للحضارات القديمة

يجب ان يدفنوا معه احياء وطبعاً تكون في مقدمتهم زوجته ثم بناته وجواريه ويقول المؤلف ان هذه العادات تشابه من الناحية التاريخية العادات الموجودة في مصر وأمم افريقيا واليابان.

فلنلق نظرة على تاريخ الأديان القديمة لنرى بشاعة تلك العادات حيث يدفن قهراً عشرات الاحياء مع الشخص المتوفي في قبره وخاصة تلك المظلومة زوجته يجب ان ترافقه في هذا السير نحو الآخرة... وهناك الكثير من العادات والتقاليد البشعة والمتطوع على تاريخ تلك الحضارات القديمة يجد الخرافات الكثيرة السائدة... ونجد ان العرب في قمة الحضارة والرقى بالنسبة لهؤلاء...
لابد ان تكون رسالة محمد صلى الله عليه وعلى آله شمساً متوهجة تشرق على تاريخ البشرية وتصفع الظلم والجهل وتقضى عليهما لتحل الكرامة وعزة النفس الانسانية محلها وتدعو المرأة لتكسر قيود الجهل والمظلومية وتعلن عن حقها كإنسانة مسلمة عندها رسالة خالدة تنادي بها على طول الزمان... ولها شخصيه محمديه وفي صدرها قرآن كريم يحطم قيود الجهل والظلام.

والتي ذكرها القرآن الكريم هي وأدالينات.

فان هذه المسأله لم تكن محصورة في العرب وحدهم في ذلك الوقت بل هناك عادات وتقاليد موجودة في بعض الامم تسيء الى المرأة ومكانتها كأنسانه او مخلوقه الى جانب الرجل قد تفوق مسألة وأدالينات شراً...

نذكر نموذجاً واحداً لتلك العادات والتقاليد الموجودة في الديانات القديمة في الصين بالذات... تفوق وأدالينات الطفلة الصغيرة وذلك وذلك ان الشخص المتوفي يجب ان تدفن معه زوجته وهي حية واذا كان لديه جوارى او خادما فلهؤلاء كلهن يدفن احياء مع الشخص المتوفي ويذكرنا التاريخ عن تلك العادات فيقول في بعض المواقع

ان المستشرقين يريدون أن يزعموا بأن الاسلام جاء فقط لعرب الجزيرة العربية

المهمة يمكن ان تدفن مع الشخص مئات النفوس الحية وخاصة اذا كان المتوفي رئيس قبيلة او رئيس مملكة ويقول الكاتب (جان بي ناس) في كتابه التاريخ الجامع للأديان: ان

ولدا كالنصارى واليهود وبعضهم جعل معه الها آخر كالتنوية.

اذ لم يكن العرب وحدهم على جهل وانحطاط في العبادة بل كان العالم كله منغمساً في الجهالة والانحطاط والضلال... لذلك فان الله تبارك وتعالى قدم على العرب حين انتخب منهم رسولاً كريماً عظيماً ليخلصهم من حالة التيه والضلال وينشر نوراً شامخاً على مدن التاريخ...

ليهدتوا بهذا الرسول العظيم ويكونوا حملة هذا الدين... وهذا النور الالهى المشرق ونشره في بقاع المعمورة ليخلص الناس من الجاهلية العالمية وتعم الهداية على ربوع العالم وتشرق بنور الاسلام المحمدي الجديد.

لذلك يقول الامام علي(ع): كنتم

يردها المستشرقون حول العرب قبل الاسلام واحياناً قد يستندون بذلك الى وصف القرآن للعرب بالجاهلية او لبعض الاحاديث

لم تكن المسألة محصورة في العرب بل كانت هناك عادات وتقاليد لدى بعض الامم تسيء الى المرأة ومكانتها

المروية بدون ان يدركوا بان المخاطب بالجمال قبل الاسلام ليس العرب وحدهم بل ان العالم قبل الاسلام كان يخوض بالجهل والشرك والأوثان والعادات السيئة وحين يذكر القرآن الكريم الجاهلية الاولى لم يقصد جاهلية العرب وانما مطلق الجاهلية:

بسم الله الرحمن الرحيم أفحكم الجاهلية يبغون، المائدة ٥٠ ولا تبرجن تبرج الجاهلية الاولى، الاحزاب ٣٣ اذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية الفتح ٢٦ فيقصد القرآن بتلك الآيات الكريمة الجاهلية بصورة عامة التي كانت تسود العالم انذاك وحتى أتباع الأديان فانهم كانوا على شرك من عباداتهم للخالق فبعضهم جعل له

غالباً مايتحين المستشرقون الفرض لتشويه سمعة العرب والمسلمين والطعن في عاداتهم وتقاليدهم دون الاخيرين من الامم

المجاورة. فالنغمه التي يرددها المستشرقون حول العرب قبل الاسلام من أنهم اكثر الشعوب جهلاً وتعصباً في ذلك الحين، انما يريدون ان يزعموا بان الاسلام جاء فقط لعرب الجزيرة العربية لأنهم كانوا يعيشون في ذلك الجهل المطبق وجاء الرسول محمد(ص) لينقذهم من ذلك الجهل ويخلصهم من تلك العادات التي بقوامتسكين بها طويلاً حتى يلحقوا بركب الامم المجاورة وللأسف الشديد فان هناك بعض الاقلام التي تجهل حقيقة الامور لكونها قليلة الاطلاع على اوضاع الامم المجاورة للعرب او بعيدة كل البعد عنها. والتي كانت تعيش في جهل قديفوق الجهل الموجود لدى بعض القبائل العربية، لذلك فهم يرددون نفس النغمة التي

«المرأة العربية ومجتمعنا»

..... كريم خفري - مدينة شادگان

معظم النساء لا يطالبن بحقوقهن وأكثر اللواتي يطالبن ليس لديهن خبرة

(ب) المرأة ذاتها: معظم النساء لا يطالبن بحقوقهن وأكثر اللواتي يطالبن ليس لديهن خبرة أو معلومات واسعة في هذا المجال الآ القليل منهن، لأن مصطلح حرية المرأة وحقوقها بمعنيهما الحضاري في مجتمعنا شيان جديدان

ويعتقدون بالحمية الجاهلية (أي الوقوف ومساندة أبناء القبيلة في حين بروز اختلاف مع قبيلة أخرى دون الالتفات إلى الحق) وغير ذلك. ٢- الأمية: لو نظرنا إلى الجو الحاكم على معظم الأسر في مجتمعنا لوجدنا معظم الآباء والأمهات أميين وبعض لا يدركون عصرهم بصورة كاملة، فلو أردنا تطبيق حرية المرأة وحقوقها سنواجه مشاكل أخرى منها:

(الف) الرجل: بعض الرجال ينظرون إلى المرأة بحقد وكراهية وحفاة ويعتقدون أنها لو حصلت على حقوقها وحريتها سوف تشطر عليهم حينها لن يستطيعوا أن يخضعوها تحت سيطرتهم.

بعض الرجال يعتقدون ان المرأة لو حصلت على حقوقها وحريتها سوف تسيطر عليهم

٢- التعصب القبلي: مازالت جذورها باقية من العصر الجاهلي حتى الآن في عروق أبناء مجتمعنا، فهم يؤمنون بأن المرأة خلقت زوجة لأبن عمها أو أقاربها الذين يحل لهم أن يتزوجوها

فيعتن ابناءهم ليعملوا أي عمل كان من أجل أن يتخلصوا منه (من الفقر)، لذلك نرى أن أكثر أبناء تلك الأسر أميين ومعظمهم غير مثقفين، فلو توفرت المادة لأرسلوا أبناءهم إلى الجامعة لكسب العلم وما إلى ذلك.

المطالبة بحرية المرأة وحقوقها دون الالتفات إلى نوعية المجتمع والمشاكل الموجودة فيه قد لا يوصل المرأة إلى مقامها ومنزلتها؛ وكونها مخلوقة سامية لها طموحاتها وتمتلك شخصية قوية وبارزة في التاريخ البشري؛ فعلى أهل القلم والمثقفين أن يفقوا بجانبها ليطالبوا باعطاء حقوقها وحريتها في إطار الإسلام والضرورة العصرية والقيم والمبادئ الانسانية. أما مجتمعنا فهو يعاني من مشاكل عديدة منها:

١- الفقر: بكل ما يحمله من معاني (الفقر المادي، الفقر الثقافي وغير ذلك) لوسطنا الضوء على مشاكل مجتمعنا لوجدنا أن الفقر المادي - يشكّل العمود الفقري لتلك المشاكل، معظم الأسر تعاني منه

«المرأة العربية ودورها العام في المجتمع»

○ فيصل زرگاني - طالب الادب الفارسي

المسلم تساعده وتشجعه وتخوض معه الصراع في ساحات المعارك والمشاركات السياسية الاجتماعية.

لقد مضى عهد استعباد وتجميد دور المرأة العربية بأسم الاسلام أو التقاليد العشائرية ولقد انتهى حبس المرأة في البيت لتكون فقط ربة بيت.

أن لها الاوان ان تكسر قيود هذا الرق الجديد وتأخذ دورها الهام من

المرأة هي التي تصنع الرجل وهي التي تربيته وتخرجه الى المجتمع

تستطيع المرأة المشاركة الفعلية والعقلية في الميزان ان تقوم بدورها تجاه دينها وبيتها ومجتمعها

مجتمعنا الحالي اليوم بحاجة الى المرأة المثقفة أكثر من أي وقت آخر

ولابد أن لاكتفي بالانتظار السلبي مركز المجتمع الجديد. ان لها ان



الجامد في البيت حتى يأتي النصر على اكتاف الرجل. مجتمعنا الحالي اليوم بحاجة الى المرأة المثقفة أكثر من أي وقت آخر لأن المطلوب من الطليعة الاسلامية اليوم هو عملية انبعاث ونشئة جديدة للأمة العربية والاسلاميه وخاصة لنا نحن عرب ايران. المرأة العربية مطالبة بالوقوف قدما وجنبا الى جنب اخيها الرجل

الأمور فمن الأهم ان نهتم بشؤون بناتنا ونهني الاجواء لهن لأن البنت هي الام في المستقبل والام كمالا شاعر النيل حافظ ابراهيم (الأم مدرسة اذا اعددتها - اعددت شعباً طيب الأعراق) ان المرأة المسلمة لاتقل مسئولية عن اخيها الرجل من اجل تحقيق هذه الغاية فالمرأة كما قلنا هي التي تصنع الرجل وهي التي تربيته وتخرجه الى المجتمع.

كبير في التعليم واحرز مناصب عليا في المجتمع. فمن الخطأ ان نحمل المرأة مسئولية التحجر انما اسباب تجميد طاقاتها هي في المجتمع. اننا قد ارتكبنا جريمة بحق المرأة العربية وبالأخص القروية عبر بعض تقاليدنا وعاداتنا المذمومة. ان

ان المرأة ليست مخلوقة قاصرة بل هي مسئولة كما الرجل للنهوض من اجل التربة الصالحة لزراعة بذرة الخير

الفتاة لها حقوق متساوية مع الرجل ولابد ان تعطى حقوقها وتمنحها فرصة لكي تظهر طاقاتها الفكرية في المجتمع وتشترك في المجالس والأمسيات وتدخل الجامعات وتأخذ الشهادات العليا. مع الأسف الشديد ترى ان المرأة في بعض مدن

الذين امنوا، يا ايها الناس و هما تعبيران يشملان الرجل والمرأة كليهما. ان المرأة المسلمة لاتقل مسئولية عن اخيها الرجل من اجل تحقيق هذه الغاية. ان الله سبحانه وتعالى خلق الرجل والمرأة واوكل اليهما الخلافة في الارض وهما

متساويان في المسئوليات والواجبات سواء. ان المرأة والمرأة العربية خاصة ليست مخلوقة قاصرة بل هي مسئولة كما الرجل للنهوض من اجل ايجاد هذه التربة الصالحة لكي تزرع فيها بذرة الخير وتسقيها بعرقها ودمها.

ان مسئولية المرأة هي اخطروا ثقل بكثير من مسئولية الرجل. فالمرأة التي تصنع الرجل وهي التي تربيته وتهينه ليكون جندياً مؤهلاً لخوض الصراع الحضاري والثقافي مع الاعداء.

فبعد ما عرفنا مكان المرأة ودورها الأساس ومسئوليتها الهامة نرجع الى مجتمعنا ومكان المرأة في مجتمعنا الحالي. نرى ومع الأسف الشديد ان المرأة العربية في مجتمعنا لم تتطور وتشارك في المجتمع كما تطوّر وتعلم الرجل.

لماذا؟ هل السبب هي الفتاة أو المرأة وهل هي تفتقد الموهبة والاستعداد في العلم والادب والمشاركة السياسية. طبعاً لا. لأن التجارب اثبتت خلاف ذلك. ان الفتيات اللواتي لهن حرية في عائلتهن واسرتهن ومجتمعهن ولهن اسرة مثقفة بعيدة عن التقاليد والتعصب الجاهلي كان لهن تطور

القرآن الكريم حينما يخاطب الإنسان المسلم لاستعمل مفردة «الرجل» بل يستعمل لفظ يا ايها

(ج) الأسرة: وكما تحدثت سابقاً... في عصرنا حتى الآن لم نزل الأب والأم يلعبان دورهما الرئيسي في الأسرة، لم نراهما يشرجان لابنائهم ما هي الحرية؟... ما يعني مصطلح حقوق المرأة في المجتمع؟... وما هو دور المرأة في المجتمع؟ والخ.

(د) مجتمعنا: كما نرى بأم أعيننا فهو متأخر جداً جداً، على سبيل المثال إن كان شاب وشابة يتكلمان معاً ينظر المجتمع إليهما كأنهما مجرمان... أو فاسقان... أو منحرفان، منع الأسف الشديد حتى الذين يدعون الثقافة معظمهم غير مثقفين بما أنهم يملكون العلم، ولكن العلم بحد ذاته لايشكل الثقافة نفسها.

نحن في بداية الطريق ونحتاج لآلاف التأليفات ومئات الندوات حول قضية حقوق المرأة

لذا على مطالبى حقوق المرأة وحريتها، أن يكونوا أكثر واقعية ويسعوا جاهدين لحل مشاكل مجتمعنا ليكتشفوا الأرضية المناسبة ويهيئونها لزراعة بعض البذور التي تسمى بالحريّة وحقوق المرأة، لأن الأراضي الموجودة في مجتمعنا غير صالحة لزراعة جميع البذور، بل بعضها.

إذا نحن في بداية الطريق ونحتاج لآلاف التأليفات ومئات الندوات حول قضية حقوق المرأة وحريتها، لكي نعطيها حقوقها وحريتها في مجتمعنا.

من فضلك

ان القرارات التي تتخذها اليوم ببساطة قد تترك آثاراً ونتائج هامة وخطرة على مستقبل اطفالنا وبل مجتمعنا. فمن فضلك فكر ساعات وایاماً عندما توافق ابنك أو بنتك على ترك الدراسة وقايس أضرار وأخطار الجهل بمشاكل الدرس، وحتى لو وافقت أرجوك أن تفكر في البديل المناسب.

الأم

○ سعيد خسر ج آل صگور

يدى نبضه وحسنه كل مصباح اسمعته أسد جفنى وحبسته طبعى يرفض المنه عوافى وبهيا أتهنه اعيش أيامى اتمنه يلبثوب عطر جنه اشم ريحة هلى منه وجيب الياس والحنه وعلى الفطره اعرفنه حرز ما ودى اضيعنه وعمرى اورود افرشنه تحت اقدام الجنه

يلمنى اگليج الطيب نغم صوتج محنه وخير يوجر طيفج ابعينى يانبع الكرم والطيب لذيله الخبز من ايدج يا شجره حدر فيج وحب كل ابتساماتج وحتى ابوحشة الغربه اوج ارويح حتى شمعه حنانج هاذ من الله وكتبت اسمج على اعينى اطنش الروح بدروبج مصادام ابوالقاسم گال

مقطوعه بدويه

○ ثامر سعيد احمد الحاج حمدالاسلامي

كوت شنوف المنيوحي

رسمك غزا بالى ابتيالى الليل ساعات وان حاولت انسه يزيده عناده رد الفكر بي لي زمان لنا فات الحب والمحجوب صده ووداده بس ما يگالي صدر يحمل الآهات ولگلب ماعاد يرجى بحبك مراده والى جريالى ابد مايجى ابجسبات ستين من عمرك ليومى سداده من يوم فرگاك مرن على اسنين بسكات من العمر وانه رفيج الوساده ويش البدالك واصبحت ياخلى نكات لوفيك صد وهجر من الزغر عاده

ينبض رأي وراء كل صحيفة

○ محمد حسن فلاحيه

طابور فارغ وكله أشباح يمكننا ونحن نأخذ بنداء الأخذ بلا إعطاء بمعنى مضحك ديناميكة الأخذ بلا إعطاء ومن المفروض العطاء بلا اخذ تصبح لدينا أزمة كازمة المياه في الثقافة والمعاملات والإقتراحات وحتى اختيار الصحف والقراءة. فهذا لايعنى كبت الإرادة الجماهيرية أمام الإرادة الفردية وانفلات الرغبة أمام التهميش بالدخول في المقدم والهبوط الى المؤخر. فلانصبح وحدة بعد خرقه وأحاد بعد اشتات ولا وصول الى قمة الابعاد خروج من مغارة الخفر ومن حالكة الليالي الى نور الشمس وستبقى الإرادة الخلافة وراء كل عمل وقبولية السلبية مع الإيجابية كي تحصل النوعية لا الكمية يمكن أن نحصد وراء كل مازرعناه في كلامنا سنابل صفراء صلبة سقننا مياة العذوبة ونقول نعم لروح النقد والتدشين الصحيح ولا للفرقة و رد الرأي.

تعقيب وكلمة:

في نهاية المطاف أحببت أن أهتئ كادر صحيفة «صوت الشعب» وأن أبارك لهم هذه البادرة القويمة والعظيمة وأقول أول الأمر نبارك لأنفسنا صدور صحيفتنا وبعدها

تحت لواء صنع الثقافة وتسيير الثقافة وإحباط ثقافة الوهم وترك ساحة الجدل الاستقرائي الى اصحابه فنحن يتبادر بأذهاننا أن الصحيفة يجب أن تلعب دور كل هذه الأجهزة المذكورة لايمكن ذلك بالتأكيد ولكن لدى الصحافة والصحافيين قناعة بأن الصحافة تمهد وتسير فكرة التثقيف الى الأمام وذلك من خلال إعطاءها الضوء الأخضر لكي تتقدم. لنلق نظرة الى انتفاضة فلسطين هل هناك داعي الى عقد قمة عربية والقدس تصرخ من خناجر العروبة والاسلام بقرارات لاتخرج بهم حتى الى ساحة قاعة جامعة الدول العربية وهنا لك الفضائية «الجزيرة» والإعلام العربي عرب سات تنادي وتصرخ بأعالي أصواتها وتخصي كل يوم شهداء جدد ومجازر جديدة وسقوط جديد وانتكاسة جديدة هل يعني هذا الأمر بأن الشعب الفلسطيني العربي الاصيل سيفقد ديمومة النضال بعد أن فقد أجهزته الأمنية والثقافية كلها وأنلا أريد من خلال هذه المقايسة أن أذكرم لايجدر بالقياس فالدعاء والتواطيء على الصرخة في كافة مسارات الحياة. لنفرض طلبه جامعة الأهواز إذا لا يقيموا ندوة



وتفسير لكن في آخر المطاف هل صنعنا لأنفسنا آلية نستطيع أن نستمر عليها ومن خلالها نشهر بها سيوفنا كي نقطع رؤوس كل تخلف ومعاندة. أنا بدوري أقول وكوئي مدير صحيفة طلابية حصلت على نقطة هامة وهي الشعور بالذات قبل كل شيء وتأتي المفارقات وتستمر معركة الذات حتى لانهاية. فأنا سأبحث موضوعاً طالما كنت أفكر به ولم أر جواباً مقنعاً له بأن القناعة لا تسيطر على الشخص أفضل من أن ينتابه رغبة الإحباط!! فأقول إن أدوات الثقافة وبالتأكيد أصرح بقولي الى هؤلاء المستائلين في آخر مطاف مستجدات ماوصلنا اليه... إن أدوات التثقيف عديدة وتشمل الإذاعة والتلفاز والأقمار الاصطناعية ومنها القنوات الأرضية والفضائية والحاسوب وشبكته الأخذة بالتطور الهائل والمسرح والأفلام فهذه المذكورة تأتي وبضمنها الصحافة

بشكل حضاري وديمومة عملنا الديمقراطي هو بصمة شهادة على كل أقوالنا لقد رأينا فوق روائع بيع الصحف هاتين الصحفتين. فيأتري بعد أن شاهدنا ما شاهدناه يأتي سؤال من خلف الخواطر ليقول: ماهي الآلية التي حُققَت؟ وأنالِم أطرح هذا السؤال لنفسي بل يطرحه أبناء المجتمع وكثيراً ماسمعت من خلف شباك بيع الصحف وهم يتشاورون أين بهذه الصحف وماهو دورها وماهي آلياتها المعتمدة لديها... وهل نستطع أن نصنع أجيالاً من وراء منابر صحفنا وماهي المنطقة التي حصلنا عليها في هذه المباراة التي تستمر الى الدقيقه التسعين؟ هل سنتمكن من الوصول الى الهدف الذهني بعد التعادل الذي حصلنا عليه خلال الشوط الثاني من هذه المباراة صحيح انها مباراة كانت ذات تشجيع جماهيري و تصفيق وهتافات

المطلوب وهو يضيغ مرجعاً يستحق الوقوف أمامه وفتح عيني الصحفي كي يرى بأتم عينه المجربات والمعطيات التي تترسب وراء كل عدد يصدر من صحيفته. نحن

إن الصحافة والصحفيين طالما تبادر في أذهانهم كثيراً من الأسئلة. هل يصل صوتنا الى الحد المطلوب؟ هل بإمكاننا تثقيف المجتمع؟ هل يمكننا إيصال كلمتنا بلانازع؟ هل

نحن خلافاً لما يدعيه أصحاب الأباطيل المشؤومة نسير بشكل حضاري وديمومة عملنا الديمقراطي هو بصمة شهادة على كل أقوالنا

شاهدنا ولمسنا واقع شعبنا الذي أصابته نكسة غاشمة من وراء عدمية الإمكان بإدلاء الرأي وحق التعبير فقد جرد هذا الشعب من كافة أدوات التعبير لذلك نرى بعد القفزة النوعية التي تشهدها البلاد بعد إفساح السبيل المغلق ببصيص نور الأمل الذي رأيناه والانبعثات أو النهضة الإصلاحية التي أدلت بشعاراتها في صناديق الإعتماد الجماهيري بعد فترة لايجسد عليها وهي تتجاوز مدة من الزمن يمكن لأي فرد يرى ما شهدته الشعوب من لهفة لكي تعبر عن رايها فنحن على هذا الصعيد كذلك أردنا أن نقول ونهتف بأعالي أصواتنا وذلك بأدوات التثقيف وليس العنف والشغب أن نعلن لشعوب إيران كلها بأننا شعب متطلع ويريد اسلم والمعايشة. على كل حال جرت هذه المسيرة وعلى وتيرة جيدة حيث كانت إنطلاقة الصحف ومن أبواب الجامعات في الأهواز ومن بعدها خرجت كي تصل الى العاصمة ورأينا الشورى وصوت الشعب الصحيفتين المرقرتين اللتين نفقتا الغبار عن ملابس السكوت وقالتا بصوت هادر نحن خلافاً لما يدعيه أصحاب الأباطيل المشؤومة نسير

هناك عقبات يجب على الصحفي اجتيازها؟ ماهوالقاري؟ وما هو مستوى الثقافة التي يتمتع بها؟ وآلاف الأسئلة تطرح نفسها على صف الطابور الطويل والأجوبة كلها يرد عليها وببساطة باستفسار أو إجراء مقابلات مع قراء الصحف المتميزين ولكن ما هي المستويات التي تأتي وراء كواليس الصحف والتي متى تؤخذ دور الصحف كأداة تقليدية تقص بها مجريات الأمور. اذا أخذنا بعين الاعتبار القارئ الذي يتمتع بحصانة معلوماتية لا بأس بها وبالطبع أقصد القارئ الذي يتناول قراءة الصحف العربية ومنها الصادرة بالأهواز على وجه الخصوص ماذا يستطيع أن يفعل أو متى يضع اصبع الضعظ على زر السلم الكهربائي كي يصل الى الطابق الأعلى وهو استيعاب ودرك ماتنوي الصحيفة طرحه. هل هناك غالبية فيما يكون تتوصل الى معجمات الدرك أم لا يوجد أي لف ودوران وراء مفردات صحفنا وقضاياها المطروحة على ساحة الأفكار المضطربة إما من الجانب الخلفي وهو السلطات أو من جانب الرأي العام المعاكس وهو الجاليات الخارجة عن مسير الفهم

قد يتبادر الى أذهاننا ان الصحيفة يجب أن تلعب دور كل اجهزة الاعلام وهذا لا يمكن

نبارك لكم ونقول بوركتم بعملكم الرائع وعلى ماكتبته صحيفتكم حول الطلبة وأقلام الطلبة هذه تحياتي وتحيات كل طلبة جامعة الأهواز وشكراً.

تضامنية مع إخوانهم في القدس هل يعني ذلك إنهم تأمروا عليهم ومع أنهم يملكون حق التضامن فالرؤية للأمور تفقد سيطرتها بعد أن راينا في ساحة التثقيف طابوراً بأكملة مع

«عقل جبار وضمير قلق»

○ حسين كعبي فلاحيه - مدينة شادگان

أراهم أكثر انسانية من البشر ووجداني. وأحب إلى نفسي لأنني - ربما - اشعر بمعاناتهم في البحث والكشف عن الحقيقة. واشفق على جحيمهم الداخلي أو ربما لأنني

المفكرين والكتاب اقرب الى قلبي ازدادوا في الذكاء والمعرفة والعقل الناقد ازدادوا قلقاً واضطراباً وازهاقاً لانفسهم ولمن يقرأونهم. هذا النوع من المفكرين، ربما يتركون في حياة العالم أثراً أقل، لانهم لا يتركون وراءهم للناس طرقاً محددة مستقيمة، ممهدة، مثل طرق الاسفلت وهي الطرق التي يفضلها معظم الناس عادة بل يتركون طرقاً متعرجة متشعبة وعرة. ولأنهم يطرحون علينا من الاسئلة أكثر مما يتركون لنا من اجوبة حاسمة قاطعة.

من المعارف والتأملات، بل انهم كلما ازدادوا في الذكاء والمعرفة والعقل الناقد ازدادوا قلقاً واضطراباً وازهاقاً لانفسهم ولمن يقرأونهم. هذا النوع من المفكرين، ربما يتركون في حياة العالم أثراً أقل، لانهم لا يتركون وراءهم للناس طرقاً محددة مستقيمة، ممهدة، مثل طرق الاسفلت وهي الطرق التي يفضلها معظم الناس عادة بل يتركون طرقاً متعرجة متشعبة وعرة. ولأنهم يطرحون علينا من الاسئلة أكثر مما يتركون لنا من اجوبة حاسمة قاطعة. ولكنني اعترف بأن هذا النوع من

هناك نوع من المفكرين يطرحون علينا من الأسئلة أكثر مما يتركون لنا من اجوبة حاسمة

اتخاذ قرارات فيها حياة الملايين وموت الملايين مثل استالين. على ان هناك نسيجاً آخر، يصنع منه فرع آخر من الرجال قد يتمتع احدهم بعقوبة طاغية وقدرة عقلية فائضة. ولكنهم يولدون بأرواح قلقة، وعقول هائمة على وجهها لانهم متقلبون، مترددون، متغيرون. يشقيهم البحث عن الحقيقة وتؤرقهم امواج وشلالات

سعيد هوالمفكر، او الكاتب، الذي يحظى باليقين. ذلك الذي يستقر عقله بسرعة، عند نظرية او عقيدة ما، وتسكن نفسه في تفسير محدد للحياة. التاريخ والمجتمع والانسان، ومنطق متكامل للماضي والحاضر والمستقبل، سعيد هذا الرجل، فيلسوفاً كان أو مفكراً أو كاتباً أوزعيماً أو فرداً عادياً، انه كالفنينة التي تجد المرفأ للهادئ. قد ينال المجد أو يصل إلى اقصى درجات النفوذ، أو يقضي عهده في السجن، أو مشرداً في العراء، ولكن أيا كان موضعه يكون في سلام كامل مع نفسه، فاعتقاده بأنه يمتلك

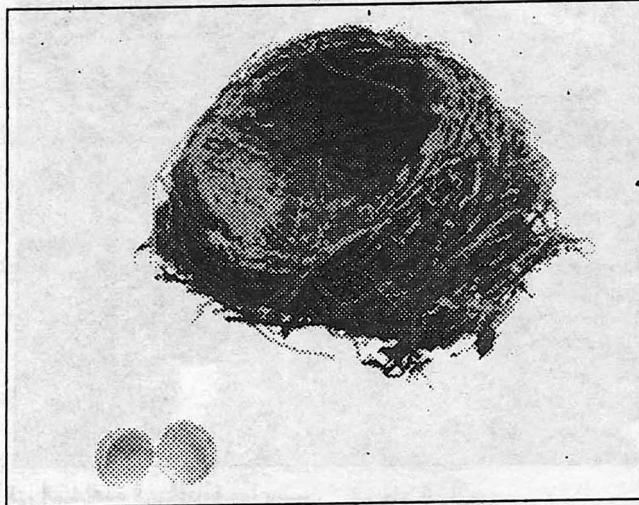
هناك فرق!

هناك فرق بين «المتعلم» و «المثقف». ان المتعلم هو الذي يقرأ الدروس ويجتاز الصفوف والمستويات الدراسية شيئاً فشيئاً الى أن يحصل على شهادة ثانوية أو جامعية. ولكن المثقف هو من يضيف على معلوماته الدراسية وتحصيلاته الرسمية مطالعته وأبحاثه وتجاربه ونقاشاته سعياً لأفاق أوسع وحياة اجتماعية أفضل.

إبداعي من جديد

○ كاتبة القصة: (شهلا الكيالي)

لها اذهبي عن هذه الشجرة... وابحثي لك عن شجرة أخرى... لتبني بين غصونها عشا لك واياك ان تعتدي على حقوق الآخرين. ذهبت العصفورة الكسولة وبنت عشا هزبلا على شجرة أخرى ولكنها وسلوكها الخبيث لم توفق في بناء العش وجاءت رياح الخريف ذات ليلة واقتلعت العش من جذوره فأخذت العصفورة الكسولة تنن وتستغيث فذهبت اليها العصفورة الطيبة وقالت لها: هل رأيت كيف كان جزاء من لا يحسن عمله لقد دمرت رياح الخريف عشك لانك لم تبنيه على اساس مكين ومع هذا فقد عز عليك!! فكيف بالله كنت تنوين الاستيلاء على عشي الغالي الذي ضحيت من اجل بنائه. انهضي فانتي ما زلت صغيرة يا عصفورتي اخلي عنك رداء اللهو وابدأي من جديد في بناء عش آخر ولا تفكري مطلقا فيما يملكه الآخرون وسوف تنعمين بعش ثابت هانيء مثل عشي.



الكسولة: بل سأملكه بالقوة فأنا مازلت فتية وجسمي أقوى من جسمك لم يأخذ التعب مني مأخذاً بعد... سنرى من منا الأقوى... واستطاعت العصفورة الطيبة بصبرها وإيمانها ودفاعها عن حقها ان تتغلب على العصفورة الكسولة وقالت

● كانت عصفورة طيبة تعيش في عش جميل على شجرة لوز، بنت العصفورة عشا قشة قشة. كانت طيلة ايام الصيف تجمع العيدان الجافة و تربطها ببعض لتثبت عشاها خوفا من رياح الخريف العاتية وبرودة الشتاء القاسية. كانت العصفورة الطيبة تعيش مطمئنة مع صغارها في عشاها الآمن. ذات يوم مرت بها عصفورة كسولة وقفت على باب العش ساخرة مستهزئة بينما كانت العصفورة الطيبة تقص على فراخها قصصا مسلية كي يناموا هانئين سألت العصفورة الكسولة ما لي اراك تضحكين؟ ولماذا تقفين على باب عشي دون استئذان ضحكت العصفورة الكسولة وقالت: عشك؟ ان هذا العش ليس لك بل هو لي منذ الآن!! - وكيف حدث هذا؟ لقد بنيت العش من عرق جبيني. لقد سهرت الليالي وانا اخطط لبنائه وانا ابنيه قشة قشة وعوداً وعوداً. لن اتخلي عنه لاحد ابدا... قالت العصفورة

قصيدة «طين الحري»

○ طاهر السلمي - خرمشهر

شاكراً ومحمداً اولادي ويدور طين من الزين وهاتوه ابكاروكه حسين ايلولج ويدهر ويكتر ويسمع شاكراً گل لمحمد ويحسب بيهم وحده اثنين خ نگووم ونلعب بالطين ثلاثه وعشره ولمن صارن راحو يتمشون ابهمه تقريبا خمسه وخمسين اطينة بستان ام ياسين حطهن بالمشراگه محمد طلعت اتفگدهم وأهذي ويحسهن مایسن زين واتبسبس چاراحو وين ليش انتم گلت ابها لحاله شفت محمد شایل طينه وفزرو من چانو لاهين ويعجنها ابدمعات العينين جاني محمد يركض يعثر وشاکر عاشگ طين الحري ودموعه مشگه الخدين الثورة اطفال فلسطين

شبكة الكلمات المتقاطعة

أفقياً:

٧	٦	٥	٤	٣	٢	١
✻						
		✻				
			✻			
	✻			✻		
✻					✻	✻
	✻					

- ١- بلدة في غرب الاهواز
- ٢- اسم رئيس منظمة تحرير فلسطين - الأنين في لهجتنا الدارجة
- ٣- جمع الدر - خلاف الحز
- ٤- أجب أو رفض - اداة استفهام عن الشخص
- ٥- تقدمة
- ٦- شاعر عربي إيراني راحل
- ٧- تدرب

رأسياً:

- ١- من اسماء الامام علي (ع)
- ٢- نهر و منطقة في جنوب المحافظة - بنت فقلت باءها
- ٣- مع العسر - حطم
- ٤- دارخالية الوسط - من يتولى الادارة
- ٥- عمارة
- ٦- بحيرة - تحرك الريح
- ٧- تاب - إله

الفائزون



أسماء الأطفال والياقة الفائزين بمكافئات (جوائز) حل شبكة الكلمات المتقاطعة في العدد الثالث.

- ١- حبيب نادري (سوسنگرد) ٢- سمير نامريون (ماهشهر) ٣- عاطفه بيت صياح (اهواز) ٤- جلال بيت صياح (اهواز) ٥- مهدي كوتي (حويزه) ٦- كمال جرفي (حويزه) ٧- ايوب اگريتاوي (سوسنگرد) ٨- عدنان اگريتاوي (سوسنگرد) ٩- شروقه سعيد مقدم (خرمشهر) ١٠- امين عبودي (اهواز - حميديه - قرية كمبوعه الكبرى)

هذا ونلفت نظر اولادنا الاعزاء الى أن المكافئات المخصصة لشبكة الكلمات المتقاطعة في هذا العدد تطوع لتقديمها الأخ سباهي اگريتاوي صاحب حلويات الاندلس في سوسنگرد

«رجال المستقبل»

عبدعلي ديلمى - شوشتر

والشائم من الناس؛ وأي فائدة أحصل عليها إذا اتخذت الشر مذهباً وبدلاً من السعي لإزالة أسباب خمولي وتخلي، أنتقم من هذا ومن ذلك وأضع قدمي في مكان وضع رجال الماضي أقدامهم وما حصدوا إلا الشر والندامة؟! وإنك لو تسمع مني إرجع إلى نفسك وغير سلوكك وصانع الناس بما هو أليق وأجدر لك؛ أما أنا فما هو بعون الله في سلوكي هذا، لأنني بعد اللتيا والتي أخذت درساً من الماضي وسأضع مستقبل على حيث ما أرام؛ وسأعيش مع الناس منصفاً ومجتزماً لهم، وستراني أنجح بذلك السلوك إن شاء الله.

- وفعلأ، أخذ «خليل» يخطوات عملية في إطار ما يفكر فيه ويعتقد به للوصول إلى الغاية المنشودة؛ وقد لوحظ أنه يسرح ويلعب مع «سعيد» أحد أبناء من يُعَدّ خصماً لأبيه؛ وجزء هذا السلوك الذي يصدر عن بصيرة جادة من «خليل» راح ليخل مخلأ مطمئناً في قلوب الناس، وقد شوهد في آخر مرة أنه كان يخرج من سيارة «تاكسي» وهو يدفع أجره سعيد وأمه لسائق السيارة، وفي تلك اللحظة كانت أم سعيد تنظر إليه وهي باهتة لاتتكلم.

صغيرتين، وربما وفق بين أسبوع وآخر ليشغل في بعض المعامل ويكسب دخلاً يسيراً تقنات به الأسرة.

- تسابراً مع الزمن وتفاعلاً مع الظروف القاسية راح «خليل» ليصبح عقليه سليمة في تصرفاته تجاه الحياة فتراه يعمل الناس بخلق حسن وبفكرة بناة حيث يساعد المسكين ويواسي المحزون ويحترم الكبار ويتعاطف مع المهضوم ويرشد الأطفال، وإذا أجبرته الظروف على أن يصدم مع الشماكسين يبدى احتمالاً وطاقة غريبة حيث يثير اعجاب الآخرين ويمتدحونه على هذه الصفات. وفي يوم من الأيام عند ما أهانه شاب شرير ومشاكس وقال له: لست إلا مشرداً أفاقاً، شردتك الرجال وفلحت أرضك وخبست أباك وأنت الآن بدلاً من أن تسترد أرضك وتعيد حقك تتكلم إلي بكلام فضفاض أكبر منك ومن شأنك، بينما أنك جبان، مفلوك، تكاد أن تُعدم من الجوع والحرمان؛ رد عليه «خليل» بكلام قاطع يمتطر غضباً: تتالك وللظروف التي صنعت رجالاً مثلك؛ وبحك! أتريد مني أن أترك شخصيتي بيد الأقدار والظروف لتصنع مني انساناً مثلك وأصبح مشاكساً وشزيراً حيث أتلقى السب



المنطق السليم.

- الألعاب سارية وجارية و«خليل» البالغ من العمر إثني عشر عاماً يكاد أن يظهر في كل هذه الألعاب ويكاد أن يشترك في كل الحلقات التي يعقدها الأطفال بين فترة وأخرى في الأرض العراء؛ ولكن مع هذا كله كان يتغلغل في نفسه بعض اللحظات ويستاء خلقاً وذلك عندما يتبادر إليه أحد أصدقائه ليكلّمه أو يمزح معه.

- الزمان يمضي وبطلنا الصغير راح ليؤدي دوراً جديداً في الحياة، حيث أنه جعل يشعر بالالتزام إزاء أسرته وتكاليفها الثقيلة في عصر تزايد الاسعار؛ وقد شوهد أنه يفحص عن شغل ليتحمّل عبئاً من تكاليف أسرته التي تضمه هو وأمه وأختين له

في المشاهدة إلى الجادة وما يسير عليها من السيارات الراقية الصنع والأنيقة.

- بعد دقائق، اشتد الحوار بين الأطفال شيئاً فشيئاً وأخذ يسخن عندما أطري نجوم الكرة والأندية التي تضم هذه النجوم. وفي خضم هذا الجدل الساخن حول نجوم الكرة، كثيراً ما تحدث مناوشات لفظية بينهم يليها اشتباك ولكن «خليل» هو الذي لايهتم لهذه المناوشات والمجادلات، وكأنه ينظر إليها نظرة ازدراء حيث يغضب جرأها ويدور فقال ولكته موقر ومهمين يبادر إلى كل نزاع بينهم وسرعان ما يحول بين المتخاصمين ويقطع الجدل أو العراك، ثم يلقي اللؤم عليهم بلغة مستمدة من

والتي يسزن ببطيء وهدهو وبين فترة وأخرى تخرج الواحدة أو الاثنتان معاً من المسير لتقف حتى ينزل من فيها ليتلذذا ويستمتعا من النظر إلى الطبيعة الخضراء ومن الطقس الممتع في تلك الايام.

- كان «خليل» منهمكاً في النظر إلى المشاهد والا معان فيها؛ ومن يدري لعلّه في هذه اللحظات يتشرد ذهنه إلى الماضي وإلى الاسباب التي جعلته الآن ليس له نصيب من هذه المشاهد المتحضرة والغارقة بالرافهة والنعيم، إلا النظر والحسرة والكابة ثم التغفل في النفس.

- بطلنا «خليل» بن «زايد» كان قدرى به الدهر من إحدى القرى النائية في المنطقة إلى هذا الحي القريب من الجادة الرئيسية، وذلك حدث إثر الاصطدام الذي حصل هناك بين أبيه وجماعة أخرى من عشيرته، لما اشتد الخلاف بينهم حول موضوع طائفتي وقد أعطت العصبية والتسرّع ثمارهما وسقط ماسقط وفر «زايد» منذ ذلك الحين، ثم أسلم نفسه إلى المحكمة، مُحكم عليه بالسجن.

- بينما كان «خليل» غارقاً في المشاهدة والتفكير، ترك أصدقاءه اللاعبين ساحة اللعب الواحد تلو الآخر والتحقوا به وجعلوا يساهمون

- الجو هاديء، والسماء فيها شتيت من السحاب، قدر ما يغطي صورة الشمس ويقلل من حدتها.

- في ذلك الوقت لم يمض إلا اسبوع واحد من بداية السنة الجديدة؛ لذلك كان ربيع خوزستان الأخضر والجميل على أروع صورة من بهاء واعتداله.

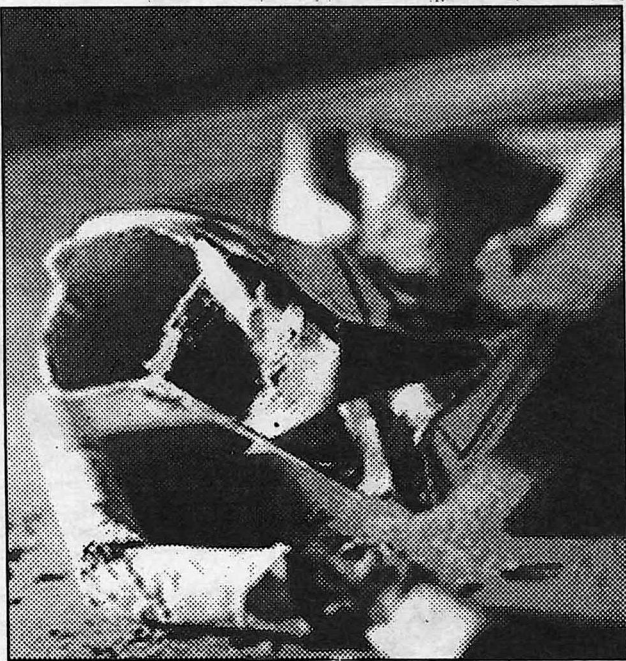
- استمتعاً بهذا الطقس الجميل تدفّق وكالعادة كثير من الأسر المتمكنة القاطنة في المحافظات الاخرى ولاسيما طهران نحو محافظة خوزستان ذات الذهب الأسود؛ حيث أصبحت السيارات على الجادة الرئيسية أكثر ما تشبه قطاراً كثير العربات.

- هناك على قرب من هذه الجادة التي تنتهي إلى مدينة الأهواز كان فريقان من الأطفال يلعبان، وقد اشتد السباق بينهما في ملعب كرة القدم.

- بعد مضي ساعة من سباقهم المتحمس وعندما هدأت الأجواء السائدة على الملعب، ترك «خليل» أرض الملعب وجلس في زاوية ليخفف من التعب الذي استولى عليه طوال السباق، وبعد أن هدأت أنفاسه الشديدة، جعل ينظر تارة إلى الملعب وما يدور فيه وتارة إلى السيارات المزدحمة على الجادة

سعيد خسرج ال صگور (قرية قلعة كنعان - الأهواز)

«لَسعة الموت»



إنهض أن الناس قاطبة إجتعموا حول الاطلاع. اذهب واستقصي الحقيقة. وثبت من مضجعي وأخذت اعدو بسرعة بالغه باتجاه النهر. دفعت القارب إلى الأمام حتى ولج الماء تناوشت المجذاف ثم ركبت وبدأت أجرف الأمواه في منتهى القوة وأنا أقول في نفسي: يبدو أن الناس قد اكتشفوا سر تلك الاصوات التي حدثاني عنها صلاح وحسام ألقيت المجذاف في القارب ونزلت بسرعة فور وصولي لخاقي. التهر لألتحق بمن احتشد واحول الخرائب. اختلطت مع من تجمعهم هناك نظرت لتلك النقطة التي تجلب الانتباه. ليت شعري لم ألق تلك النظر ولم أشاهد ما شاهد الناس ابداً. كان منظراً مروعاً للغاية.

إنها مأساة موحجة. حين ما شاهدت جثة هامدة لشاب لم يتجاوز سن المراهقة ملقاة على وجه الارض. حوله عيدان كبريت متناثره. عليه سجائر فارغة. ملعقة مضمّخة بأنار الافيون المحترق وفي ساعده الأيمن عرقاً نشازاً يقطر دماً وفي يده اليسرى ابرة الموت.

ايضاً وهو يقول تصبح على خير ودعتهما لأبقى اغوص في امواج افكاري ولم أنم تلك الليلة إلا في الهزيع الثاني قبيل الفجر حتى هؤمت عيناى نعست ونمت ولم استيقظ صباحاً إلا على صوت اخي هيثم الذي كان يوقظني بدعشه ويأمرني أن اذهب نحو الخرائب مقر الاصوات المرعجة وهو يقول إنهض.

سقانا والذي قهوة حالية الآصاله رغم مرورتها. فور تناولنا القهوة غادرت الغرفة والذي ليُتيح لنا فرصه إكمال الحوار. غدا لصلب الموضوع يراودنا الشك والالتباس. سادتنا وقفة من الصمت حتى نهض حسام قائلاً: بما أنك جئت توأ من السفر وبحاجة لإستراحة قصيره لا نضايقك في الوقت راجين العفو منك. قام صلاح

فأوقفتها على كل كبيرة وصغيره قد صدف لي إبان إقامتي خارج القطر. فأنأ ايضاً احببت أن أطلع على آخر اخبار القرية فقلت مستفسراً. وما ورائكما من الاخبار انتما. اطرق حسام وبدأت على وجهه ملامح التشاؤم. أخذ يعبث بسجته السوداء ثم هتف بصوت يملئوه التحير دون اي توطئه. إن اصواتاً تنبعث من اطلال القرية المهجوره المطله على الضفة الأخرى من النهر فهي تبدأ بالصراخ والهتاف من بدأ الليل فصاعداً. إنها اصوات تخل سكينه القرية. التفّت الى صلاح لأعرف وجهه نظره فأدلى برأيه قائلاً: إن حسام لم يقل إلا الحقيقة التي شغلت اذهان سكان القرية. ومن طريف الامر. إنك لو تحدثت مع تلك الاصوات لتحدثت معك ايضاً. والله في خلقه شؤون. وقعت في حيرة من الأمر وأنا ابحث عن حقيقة تلك الاصوات الصادرة من جوف القرية. فأخرجني والذي عندما جاء يحمل ابريق القهوة وهو يقول مُبتسماً: اهلاً ومرحباً بكم زارتنا البركة والسعادة. ففي مجلس الاحباب نتذوق الاداب.

يبدو أنه قد فتح حساباً خاصاً لتناول هذه الوجبة. فأما أنا ايضاً اخذت اتناول الطعام بشراهه وزادت نكهة الطعام لذة حلولى بين عائلتي وما إن فرغنا من تناول الطعام: حتى طرّق الباب طرقه تبشّر بقدوم ضيف ما. كنت اترقب أن يزورني صديق. ذهبت لفتح الباب فكان الأمر كما توقعت. صلاح وحسام صديقا حداثتي جاء متلهفان لرؤيتي بدافع من الصداقة النزيهه عانقتهما معاً وتعاطفت معهما بعمق وبهجة نبعّت من صميم الوجدان عهدت حسام فرداً عادياً تنطق عيناة بالبساطة والسذاجة وأما صلاح فهو أكثر تحراً وتقبلاً للأفكار الجديدة. قسماته كانت توعز الاحترام. إنهما الآن يشعران بفرحة كبيرة لاتحدها اى صيغه. توجهت بهما نحو غرفة الجلوس وناديت والذي أن يقوم بإعداد القهوة كعادة اى مضيف عربي. يتمثل بكرم الضيافة وطيب الرعاية كاسلافه. قابلت صلاح وحسام بالجلوس وانطلقت الألسن بالتحدث وسرعان ما ادركت رغبتهما المُلحّة لمعرفة حياتي في بلدان الشرق.

لمت الشمس اشعتها الذهبية وأخذت تتضاءل ببطا عندما اقتربت من قريتي المطلّة على نهر الكارون التي ودعتها قبل اربعة اعوام وها أنا اليوم اعود سابحاً في ميولى وعواطفى مستسلماً لتيارات الفرح. وليس من اليسير وصف اللحظة تلك التي دخلت فيها البيت وألقيت جسمي المرهق في احضان الاهل الدافئه. أبي اخي هيثم الصغير وأمي -الحنونة التي قبلتني كما يقبل الكاهن صحن المذبح فكانوا كلهم يرفلون بالصحة والعافية إنه لمن بواعث السرور. خاطبتني امي قائلة: اذهب واخوك هيثم وجالس والدك. ادركت بأن والدتي شرعت في اعداد وجبة العشاء فذهبت نحوالغرفة وهيتم يقتفي اثرى بمسرة بالغة جالست والدي وبدأت اشرح له عن مواقف حياتي خارج القطر وبعد دقائق قليله وثب هيثم واسرع نحوباب الغرفة ليستقبل امي الاتية وهي تحمل على كفها الطبق الذي يحتوي على دجاجة مشوية وارقاص الخبز وبعض المقبلات. فرش هيثم الصغير السماط ثم شمر عن ساعديه.

ديرة هلي

○ غلامرضا رزاق عساكره مدينة شادگان

احب ديرة هلي الطيبين احبج يالفلاحيه
 احب هورج واحب نخلج واحب شطج عسل ميه
 واحب لبسة الدشداشه ولعجال اعليه جفته
 واحب هوساتج الحلوه اباسم عامر الكعبيه
 احب موالج وشعرج قصيدج والابوذيه
 واحب الميمر ولحنه واحب دكة الجويته
 واحب فلاحج النشمي واحب حچيه واغانيه
 احب اهلج اهل طيبه، شجاعه وغيره عربيته
 احب كل شيخ بشيوخج ياصل ونسل افاعيه
 احب كل فرد من اهلج بطله وسبع ابو ايديه
 احبن بيچ بت الزيف اخيتي الدوم نشميه
 احب شهوور واسنينج نهارج وي لياليته
 احبج بالرخا وبالضيج ومادام النفس بيه
 احبج اظل كل عمرى ولوزاد الألف ميه
 احب اتراجج اليجوي مثل حُب جى يحب خيته
 احبج لن چثيره امثال عدنه وحكم محچيه
 ومن جمله: الكصب لوطال ايرد الاصله تاليه

اذا خلص حجارك

○ صادق العتكي

الدم للحرّك الما بيني وبينك
 ياالطينتك طيني وطينتي طينك
 قلبي اشما نفص من باطني الجيتاش
 الهزّته الظليمه الواضحه ابعينك
 تعجبني ابصمودك اي يبعد البيت
 للثبته، ابرار اتجارب اسنينك
 صدرك درع عبّزه امفرّج اعله الموت
 وبصد الرصاص لعله للعد ايعينك
 تذب عينك شرار الشاب من خمسين
 وبخمسسين شعبة كل ميانك
 يالقاهر خصيمك يا مذل اعداك
 ابشمرتك للحجاره وتسلم ايمينك
 صحت دون الوطن والشرف والناموس
 هاي الروح فدوه وحيلك ابدينك
 أنته أنته العزيز التشم دمّه الغاع
 وعنوان الشهيد احسن عنوانينك
 راية او ايد بيد وصارت ابيمانك
 وتدري اخوانك الضحّوا امتانينك
 امحمد وساره وياسعد وآلاء
 وبدمهم كتبت احله العرب دينك
 دينك طوگ وابكل الرگاب اليوم
 لاجن مصلحه امن البال ناسينك
 منساتك تذوّب گلب صخره ابلوع
 ولاهزّت مگّل مختاظه لونينك
 خل اهل العگل والرّبط خاف اتجوع
 وموعجه اذاهم شلّوايديك
 العمه البرايت وعمهم لكتنتون
 وتباعت اهلله وموش من دينك
 گطعت كل روابط خوف لسراييل
 وبهذه الجذب عودك امواسينك
 انهوي ابكل وجودي وفاردمي اوياك
 من اهل الخيانه النكرة اسنينك
 لاجن حيلك ابدينك يبعد للروح
 واحنه من بعيد اوياك وانعينك
 اذا خلص احجارك أنه اصير اجهار
 وخنلني اتنومس ابكل حيل زنديك
 وثقب بين اديك ابزود داحي الباب
 من صهيون يتحرر فلسطينك

قصية على مسلك العگلي
 في حب الامام علي (ع)

○ هادی رزاق عساكره

يا حيدر مانهوا الخيرگ
 يل اسمك بي ينجه الخايف
 يل اسمك حصن الله العالی
 ياسيفالدين وتوحيدہ
 آدم يوم العصا الربہ
 يونس بل حوت اندب بسمك
 ونوح وگوما ابحين السارو
 رد يوسف لهله وخوانه
 وابهجرة طاها انتہ امكانه
 تشهد لك خيبر يمصيت
 صارت خيبر تهتز منك

لا والله الغيرك مانهوا
 والعطشان ابذكرک يروا
 ويدفع كل شر و كل بلوا
 زود وهيمه ورمز الخوا
 رد بسمك لل جنه وحوّا
 ظلمه ودربا ابنورك ضوّا
 اتنخو بسمك كلهم نخوا
 بعد اسنين افراگ وشكوه
 ويا هو المثلک ضحّا وسوا
 من هديت وصوتك دوه
 والباب ابچفك ايتطوه



موال وبيت ابو ذيه

○ هادي رزاق عساكره من مدينة شادگان

ابگلبی اسكنت يل محب شذرة ابوسط خاتمی
 مكتوب شوگ اکتبت لك والختم خاتمی
 وحيات طاها الذي للانبياء خاتمی
 أفرش ابدربك ورد لويوم تجبل على
 اسمك يظل للنجم بين الأماجد على
 اهل المحمره بأمر سيدنه سيدعلى
 غال المحب خاتمی صوتنه بس خاتمی

جوادك من يصير الكون غيره
 وحچى البى گلت والگال غيره
 دخلی لك ابراسك دوم غيره
 الرجل يمتاز بل غيره وحميه

موال

ثامر سعيد احمد الحاج حمدالاسلامي
 كوت شوف المنيوحي

يازين ذيج الليالي الى مضت بسمر
 من چان دوبي اعليه ولقى كل وكت بسمر
 ومن چان طوعي وچنت اترجا علي بسمر
 وبعيوني من چان طوله ومشيته بس حله
 عقد المحبه انفرط بيد الولف بس حله
 راحت وراح الهنا ابراج الترف بس حله
 واليوم حنظل گلت قرگه المحب بسمر

○ من احمد الحاج عزيز بغلاني

«سعيد اللى گضى عمره ابلادای
 اوعايش دوم خلگ الله بلا دای
 الغريب اصبح يزاحمنى ابلاد ای
 البلد بلدي وبلادي اتعز عليه»
 «نبی او نجبر خواطر من يبينه
 او سر موجر ابگلبی من يبينه
 اذا مره انتخينه من يبينه
 نههد العاليه ابعلو الثريه»

فمن يغتر بالدنيا فانی
 لبست بها وافنيت الثيابا
 جنيت بروضها ورداً وشوكا
 وذقت بكأسها شهداً وصابا
 فلم أرغيرحكم الله حکما
 ولم أردون باب الله بابا

ابوذيات

○ راضي آل بوخنيفر حبيب - مدينة شادگان

ابمحبتك ماتن اظنوني ولامال
 وگلبك مايحن صوبي ولامال
 ابهر الشوگ روحي جرف ولامال
 جرف ثاني ويشمته دوم بيه

عزيز وينعرف قدره يسرکم
 انامن ولجسد خلوا يسرکم
 اکتب ولشعر ريته يسرکم
 وطير ابشوگ وأنه الحزن بيه

«الميمر»

○ الشاعر غلامرضا رزاق البونعيم عساكره

يابو انخيله اعله المتن والذله
 اضه العرب اهل الحکم والذله
 اهل المضايف والکرم والذله
 نيرانها ابصبح ومسيه تسعر

يابو انخيله اعله المتن حيدرنه
 موت احنه لرواح العده حيدرنه
 سيدنه طاها والبطل حيدرنه
 ذاك الى بيده قلع باب الخيبر

يا بوانخيله اعله المتن وكتبته
 احنه الرسمنه اعله الهوه وكتبته
 الاسلام دين الله وفخر وكتبته
 القرآن بيد احمد نبينه الأطهر

البخت مايوم شفته والملاگه
 وصرت للآه معبر ولملاگه
 الوکت وکت الشلاگه ولملاگه
 او أنه اللي اثنينهن صعبن عليه

انه البيه نيات الدهر لاحان
 وانه الماون ونيني الروح لاحان
 ردت اشکی واگل للناس لاحان
 اجتنی الناس تشکيلي القضية

اظهرت للناس ناخل ماحلالي
 حالالك راح گالوا ماحلالي
 گلت لاراح اعزناسي امبيديه
 طبعنه مانهاب الموت والزور

اسودالبر عليه الوصف والزور
 تزرجرحه ماخلاب المنيه
 تزرجرحه مايصح ادواه والزور

«يا أرض فلسطين»

○ كريم خفري - شاذگان

لأجلك يا أرض فلسطين
سنأخذُ ثأرَ المظلومين
ونطردُ الأعداءَ من الخليل
ونطهرُ الأرضَ من الصهاينة
ونربطُ عهداً بالوفاءِ والجهادِ
ونمشي على العهدِ...
لأنخافُ الموتَ حيثُ أوانا
ونثورُ ضدَ الظلمِ حيثُ أانا
نثورُ من أجلك...
يا حبيبتنا...
يا مظهرَ الدينِ

لا، نأبى سياسةَ العدوانِ...
ورؤساءِ الصهاينةِ والمشرِكينِ
لأنخافُ الشدةَ والمصائبَ
وللجهادِ كلنا مجيئين
لأننقضُ العهدَ إذ نقضوا
ونبقى على العهدِ...
لأنخافُ الموتَ حيثُ أوانا
ونثورُ ضدَ الظلمِ حيثُ أانا
نثورُ من أجلك...
يا حبيبتنا...
يا مظهرَ الدينِ

نسبِرُ على دربِ الجهادِ
لأنقبِلُ الدُلَّ...
وبالنصرِ راجعين
ونرجِعُ الابتسامةَ...
لأطفالك وأبناءك و...
أحفادك المُشرِّدين
ليرجعوا اليك...
يا حبيبتنا...
يا مظهرَ الدينِ

ونرجِعُ الابتسامةَ...
بَعْدَما سُرِقَتْ...
من قِبلِ الصهاينةِ المعتدينِ
بهِمَّةِ الأبطالِ والشجعانِ...
وعرفهم يسيلُ فوقَ الجبينِ
والرُبَّ لَمْ يَقْصُرْ في هذا الطريقِ
ويُبارِكُ ويساعدُ كلَّ المجاهدينِ

عودة ابونواس

○ سعيد خسر ج آل صكور

يناديني لصلاة الحب في شفتيك الشفق الأحمر
فأتوضاً من شطنان عينك الزرقا واتطهر
لأطوف في محراب خديك كالصوفي إذ استأثر
حبيبتى وعشيقتي حديثي فحديثك أعذب من حكايات شهرزاد
على كفيك ترسو سفن احلامي ثم تسافر مع السندباد
حبيبتى اهواز إن عاد يوماً ابونواس بكر نفال شعر للبلاد
او سكب على ترابك شيئ من عطره الرقيق
او كباباً نوئيل يحمل على كتفيه المرهقين التمر والدقيق
او في يديه قبس يشع لى في عتمة الطريق
او علمني لغة الجرح وكيف يعي الجرح مايقوله الجريح
لعاد شعري ولساني فصيح وفصيح وفصيح

صلاة الحجارة على بوابة الأقصى

○ احمد الخزعلي

إلى فتیان ثورة الحجارة، وأبطال انتفاضة القدس الشريف:
سواعد الحجارة:
أرذت يوماً أكتب قصيدة
عن ثورة الحجارة
فانتفض القريضُ؛
من عكاظه
لململاً أشعاره
قلتُ له ماجرى؟...
هل ضاعت المهارة؟...
بل قال: لا يا صاحبي؛
إنني أرى في ساعد الحجارة
بحراً من القصائد المختارة
معركة وغارة...
وثورة دائمة الشرارة
قد نهضت؛
لترسم النصر الذي نختاره
بالحق والجدارة...
يا صاحبي:
أشعارنا خجلت من الحجارة

على أرض يدك نشأت أولى حضارتي

○ حسن فاخر احمديان (١٦/٥ سنة) - مدينة آبادان

١

حُبُّكَ قَدِيدٌ دَرَبِي
صَوْتُكَ شَرِيانٌ قَلْبِي
صَدْرُكَ سَاحَةٌ حَزْبِي
عَلَّمْتَنِي شَفْتِيكَ
أَنْ أَرَى الْبَحْرَ جَنُوناً فِي هَوَاكِ
وَأَرَى الْغَيْمَ جَنِيناً لِسَمَاكِ
وَأَرَى الْقُبْلَةَ قَامُوسَ رِضَاكِ

٢

عَلَّمْتَنِي أَنْ أَرَاكِ
زَهْرَةَ الْعُمَرِ بِقَامُوسِ حَيَاتِي
عَلَّمْتَنِي
أَنْتِي لَسْتُ بِدُونِ الْحُبِّ شَيْئاً
وَعَلَى أَرْضِ يَدَيْكَ
نَشَأَتْ أُولَى حَضَارَاتِي

٣

فَأَنْبَتِي حَباً عَلَى سَاحَةِ صَدْرِي
وَاعْطَنِي عَطْفاً
حَنِيناً
أَوْمَعَانِي الْمَفْرَدَاتِ
فَأَنَا مُنْذُ أَنْ اخْتَرْتُ الْكِتَابَةَ
لَمْ أَجِدْ حِرَافاً بِهِ أَثَرُ
فَوْقَ الْوَرَقِ الْأَبْيَضِ
مَعْنَاً لِحُنُونِي بِهَوَاكِ
وَمَعَانِي النُّظَرَاتِ

٤

وَأَنَا مُنْذُ أَنْ اخْتَرْتُ سَبِيلِي
لَمْ أَصِلْ شَاطِئَ بَحْرِ النُّظَرَاتِ
فَأُضِيفِي الْبَحْرَ هَذَا
زَوْراً مِنْ قُبُلَاتِ
لِيَجِدَ شِعْرِي جَمِيعَ الْقَافِيَاتِ
وَيَجِدَ صِفَتِي رَيْنِيعَ الْكَلِمَاتِ
وَأَجِدَ فِي كُحْلِ عَيْنَيْكَ
تَفَاصِيلَ الْحَيَاةِ

«دَقُّ النواقيس»

○ السيد محمد حسن الشبري - مدينة الأهواز

ما للنواقيس دقت قبل موعدها
اعيدها الفصح ام عيد المساكين
قطعت اقدامي التعبى وسرت كمن
من شدة الوجد يبدو اكالماجانيين
لالنار تهدأ في قلبي وترحمني
كلا ولا اثمرت شينا بساتيني
ناديت والريح من حولي تشاطرني
همى وتعلوا كاصوات الطواحيني
اقسمت تلك العيون الخضر ما خلقت
في هذه الارض من ماء ومن طين
أثرت اكرم اسراري على مضض
امحو بها اسمي كما امحو عناويني
كم كنت احمل في جنبي من حلم
نسرا اطيير على كل الشواهين
ضيعته لم يزل حبرا على ورق
يجثو بصمت سجلا في دواويني
ولا عزاء سوى انى على امل
يظل بالرغم من جرحى يواسيني
حفرت اسمك في قلبي وذاكرتى
وشما سيبقى على كل الشراييني

الزهراء بنت المصطفى (س)

○ الشيخ علي الياصري - مدينة آبادان

فوق غصن البان يشدو العندليب
بين ذاك الروض لا يخشى الرقيب
وحفيف الأيك غنا طرباً
هزه الشوق الى لُقيا الحبيب
يانسيما جنت من وادي الحما
هل لنا من خبر نرجوا تجيب
ان نبورا شع من افق الهدى
ماعهدنا مثله نور عجيب
كسفت انواره شمس الضحى
وضياه ابهج الكون الرحيب
أوضح الأخبار بالله لنا
واشرح الحال ولا تبقى مُريب
ماعهدنا منك يا هذا جفا
ولم اذا انك الخل الأريب
هذه انوار شكاة الهدى
بضعة المختار ذى الأصل النجيب
ولدت والله اعلى شأنها
وحباها شرفا عال مهيب
مالها في الخلق كفؤ ابدأ
ماسوى الكرار ذى الخلق اللبيب
جانت الأخبار تروى فضلها
عن رسول الله في القول المصيب
وكذا القرآن في آياته
نص عنها طهرت من كل عيب
قال رب الخلق خيرات النسا
اربع في الكون قد حزن نصيب
لكن الزهراء بنت المصطفى
فاقت النسوان في المجد الخصيب

انالله وانا اليه راجعون

جناب آقاي فرشيد روزخون

دانشجوی محترم دانشگاه آزاد اسلامی آبادان

بدینوسیله مراتب تسلیت و تعزیت خود را به خاطر درگذشت ابوی گرامیتان بپذیرید. از خداوند منان برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای شما و بازماندگان صبر خواستارم.
دکتر ناصر اقبالی

ضرورت پر داخت به بحث قومیت‌ها

○ رضاریعی

● در یکی دو دهه اخیر تحولات مهمی در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل ایجاد شده است. علی‌رغم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و با وجود تلاش آمریکا برای تک‌قطبی کردن جهان، معیضات کلی تغییرات جهانی از یک سوی در راستای اعمال مردم‌سالاری، نفی استبداد و تأمین آزادی‌های مدنی است و از سوی دیگر با شکل‌گیری و تشدید گرایش‌های هویت‌خواهی همراه است. بازگشت به خویش و تأکید بر ارزش‌ها و ویژگی‌های ملی و قومی با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی اقوام و ملل مختلف به اشکال گوناگون متجلی می‌شود. تأسیس جمهوری‌های جدید در پی تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، تغییرات ایجاد شده در شبه جزیره بالکان، حوادث تیمور شرقی، درگیری‌های موجود در مناطق آچه و هلوک اندونزی، رویدادهای چین و اعطای خودمختاری به مسلمانان جنوب فیلیپین نمونه‌های بارز و متفاوتی از تمایلات هویت‌خواهی مردم جهان است.

در کشورهای توسعه‌یافته غربی نیز که ساختار حکومتی پیشرفته‌ای دارند، این گرایش‌ها به شکل دیگری ظهور می‌کند. هرچند به دلیل وجود جامعه مدنی در اینگونه کشورها مردم مناطق مورد نزاع همانند اقوام تحت سلطه جهان سوم از شکل خشن و تحقیرآمیز ستم ملی رنج نمی‌برند و شاید اصلاً موضوعی به‌نام ستم ملی در آن مناطق وجود

که با صنعتی‌شدن کشورها، گسترش و رشد ارتباطات و افزایش سطح دانش عمومی، ویژگی‌ها و ارزش‌های قومی مردم مختلف در مقابل موج عظیم مدرنیسم رنگ خواهد باخت. به نظر آنها تمایل و خواست مردم به منظور حفظ و احیای فرهنگ بومی تمایلی عقب‌مانده و خاص جوامع غیرمدرن

تکنولوژیکی و افزایش سطح زندگی مردم معیضات خواست عمومی مردم جهان در جهت حفظ و احیای زبان و فرهنگ قومی و ملی و در نهایت هویت‌خواهی است.

صنعتی‌شدن کشورها موجب ظهور طبقات و قشرهای جدید در جامعه می‌شود که خواهان مشارکت هرچه بیشتر در حیات سیاسی خویش هستند. از طرفی دیگر لازمه صنعتی‌شدن توجه و عنایت به تحصیل و آموزش‌های آکادمیک است که خود تشکیل قشر تحصیل کرده و روشنفکر و افزایش سطح آگاهی عمومی را به دنبال دارد. افزایش سطح دانش عمومی اقوام در کنار گسترش ارتباطات و تکنولوژی اطلاع‌رسانی از یک طرف باعث اطلاع این مردم از اوضاع احوال جهانی و به تبع آن افزایش تأثیرپذیری از حوادث جهانی می‌گردد و از طرفی دیگر با بالا بردن فرهنگ گروه‌های قومی زمینه مقایسه برای یافتن تفاوت‌ها و اختلافات قومی را فراهم می‌کند که در نهایت به تقویت گرایش‌های هویت‌خواهی منجر می‌شود.

نهایتاً این‌که پیشرفت‌های علمی و بالا رفتن سطح زندگی مردم نه تنها باعث از بین رفتن ویژگی‌های قومی و استحاله اقوام نگردد، بلکه به دلیل افزایش سطح آگاهی عمومی موجبات آشنایی هرچه بیشتر مردم نسبت به حقوق خویش، گذشته و

کشورهای توسعه‌یافته تمایلات هویت‌خواهی علاوه بر جنبه سیاسی آن ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز دارد. در کشورهای اروپایی و آمریکایی به دلیل وجود آزادی‌های مدنی و فقدان رژیم‌های دیکتاتوری، اقوام غیرمسلط تا حدود زیادی در حیات سیاسی نقش داشته و از طریق احزاب و نهادهای مدنی متناسب با درصد جمعیت خویش در حاکمیت سیاسی سهم هستند. علاوه بر آن در این کشورها به دلیل آموزش زبان مادری به همراه زبان رسمی در مدارس و همچنین انجام مکاتبات اداری به زبان مادری، آزادی انتشار نشریه به زبان بومی، ترویج فعالیت‌های فرهنگی و هنری و وجود کانال‌های تلویزیونی در جهت حفظ و احیای فرهنگ و فولکلور آن مردم، مسخ فرهنگی این اقوام و نابودی هویت آنها مطرح نیست. حال آنکه در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود استبداد و عدم حاکمیت مبانی جامعه مدنی و فقدان نهادها و مؤسسات آن، اقوام غیرمسلط در حیات سیاسی کشور نقشی ندارند، به همین علت و بنابه شرایط تاریخی در مقایسه با کل کشور این مردم در حیات اقتصادی کشور نیز سهم ناچیزی دارند. تشکیل سرمایه بومی در میان این اقوام ضعیف است و در نتیجه بیشتر مردم قومیت‌های مورد نظر جزو کارگران و دهقانان بوده و متناسب با

با قوم مسلط دچار عقب‌ماندگی فرهنگی بوده و هویت فرهنگی آنها در معرض نابودی و اضمحلال است. برخوردهای خشن و قهرآمیز دولت‌های حاکم با مطالبات قومی و نگاه امنیتی به خواسته‌های آنان به همراه عدم تفویض سمت‌های اداری متناسب با جمعیت بومی در برخی مناطق نیز مزید بر علت است.

لازمه مردم‌سالاری توجه و عنایت به حقوق قومیت‌ها و تحقق خواسته‌های مشروع آنهاست

عامل دیگری که بر پیچیدگی و وخامت موضوع هویت‌خواهی در کشورهای در حال توسعه می‌افزاید نقش کشورهای دیگر و بهره‌برداری آنها از این نارضایتی می‌باشد که معمولاً در کشورهای غربی چنین مداخلاتی وجود ندارد. به عنوان مثال ایرلند شمالی، کبک و باسک را می‌توان نام برد که چه در زمان جنگ سرد و در حال حاضر اثری از مداخله قدرت‌های بیگانه در آنها دیده نمی‌شود. مداخله قدرت‌های بیگانه حتی اگر در حد اظهار نظر رسمی نیز باشد، بهترین بهانه را برای حاکمان

قوم مسلط فراهم نموده تا با حربه وابستگی به بیگانگان از تأمین خواسته‌های قومی طفره روند و شرایط ذهنی و تبلیغی لازم را برای سرکوب این مطالبات ایجاد کنند. در چنین اوضاع و احوالی و با عنایت به روند افزایش گرایش‌های هویت‌خواهی و تغییر و تحولات جهانی در یک دهه اخیر واقع‌بینی حکم می‌کند که ما نیز به بحث قومیت‌ها بپردازیم و با ایجاد گفتمان میان اقوام ایرانی ضمن صیقل دادن آراء و اندیشه‌ها، راه مداخله و فتنه‌انگیزی دیگران را ببندیم. موضوع دیگری که پرداختن به بحث قومیت‌ها را ضروری می‌نماید، نگاه و نگرش به این مقوله از دیدگاه مردم‌سالاری است.

اگر ما مردم‌سالاری را به معنای حکومت مردم بر مردم تعریف نماییم، منطق به ما حکم می‌کند که به خواسته‌ها و مطالبات همه شهروندان آن جامعه توجه کنیم، زیرا حکومت مردم بر مردم در برگیرنده همه احاد ملت از هر گروه و صنف بوده و تمامی اقشار و طبقات را شامل می‌شود. به همین دلیل است که مدافعین مردم‌سالاری در مرحله اول از توسعه سیاسی سخن می‌گویند، چون توسعه سیاسی پیش‌درآمد مردم‌سالاری است و از یک بُعد به معنی یه صحنه آوردن همه گروه‌های اجتماعی، سنی، جنسی، قومی، صنفی، مذهبی و... است.

هدف توسعه سیاسی با اعتقاد به آزادی‌های فردی، آزادی اجتماعات،

لازمه مردم‌سالاری توجه و عنایت به حقوق قومیت‌ها و تحقق خواسته‌های مشروع آنهاست

آزادی بیان، آزادی تشکیل نهادهای مدنی و آزاد احزاب، مشارکت همه‌جانبه مردم در حیات سیاسی کشور است. مشارکت همه‌جانبه مردم یعنی توجه و تحقق خواسته‌ها و مطالبات مشروع آنها، ایجاد کانال‌های مناسب مانند احزاب و مؤسسات مدنی به منظور اطلاع از خواسته‌های آنها و کانالیزه کردن این مطالبات از پایین‌ترین سطوح جامعه تا بالاترین سطح است. بنابراین همچنان‌که در توسعه سیاسی به همراه موضوعات کلان و عام

نمی‌توان مردم‌سالار بود، ولی به حقوق قومیت‌ها توجه نکرد، مردم‌سالاری بدون قبول حقوق اقوام و رفع ستم ملی آنان، ناقص و ابر است.

در کشور ما نیز چون به‌غیر از قوم فارس اقوام دیگری همچون ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن زندگی می‌کنند و جمعیت آنها نیز در حدود نیمی از جمعیت کشور است، از یک‌طرف به‌دلیل تحولات و تغییرات جهانی و روند هویت‌خواهی

جامعه از مسائل و معضلات گروه‌های اجتماعی معینی مانند کارگران، کشاورزان، صنعتگران و... سخن می‌گوییم، می‌باید از مشکلات و مسائل گروه‌های قومی نیز سخن بگوییم و در فکر چاره‌جویی آن باشیم. به تعبیر اولی پرداختن به موضوع قومیت‌ها و تلاش در جهت رفع تبعیض و تحقیر ناشی از ناسیونالیسم قوم مسلط جزو ذات و ماهیت دموکراسی است.

علی‌رغم گذشت بیش از بیست سال از انقلاب اسلامی، متأسفانه نگرش و دیدگاه حاکم در جامعه نسبت به قومیت‌ها نگرشی غیرانقلابی و غیراسلامی است

جهانی و از طرف دیگر از دیدگاه مردم‌سالاری که ما داعیه بهترین نوع آن را داریم، پرداختن به بحث قومیت‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. تا به‌حال به‌دلیل شرایط جنگ یا جوان بودن دولت جمهوری اسلامی و عدم تثبیت و تقویت مبانی دولت فرصت پرداختن به این مبحث فراهم نگردیده بود، اما در حال

به‌همین دلیل هر اندازه یک جامعه مردم‌سالارتر بوده و مبانی جامعه مدنی در آن جامعه مستحکم‌تر باشد، تحقق حقوق قومیت‌ها و نگرش به موضوع قومیت‌ها در آن جامعه نگرشی عادلانه‌تر و حق‌طلبانه‌تر است و هر اندازه جوامع مختلف از شیوه‌های مردم‌سالاری در اداره امور کشور کمتر استفاده کنند، تحقق حقوق قومیت‌ها و نگرش به بحث قومیت‌ها در آن جوامع ناعادلانه‌تر و غیرمردمی‌تر است. امروزه در عرصه جهانی این موضوع به روشنی قابل رؤیت است و می‌توان نمونه‌های متعددی از این‌گونه موارد را به رأی‌العین مشاهده کرد. در کشورهای غربی مانند سوئیس، کانادا، سوئد و حتی اسپانیا که مبانی جامعه مدنی و مردم‌سالاری از استحکام بیشتری برخوردار است، حقوق قومی به بهترین وجه تحقق یافته است. این موضوع در کشور کانادا حتی تا حد اجرای رفتارندوم برای تعیین سرنوشت نیز پیش رفته است. در کشورهای دیگر متناسب با درجه برخورداری از حکومت مردم‌سالاری این موضوع شدت و ضعف دارد. به‌عنوان مثال کشور هند که در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه از دموکراسی بیشتری بهره‌مند است، شکل عادلانه‌تر و مقبول‌تری از تحقق حقوق قومی را تجربه کرده است. در مقابل می‌توان از عراق و ترکیه به‌عنوان دو کشور غیر مردم‌سالار و استبدادی یاد کرد که در این کشورها به‌علت عدم حاکمیت دموکراسی حقوق قومیت‌ها تأمین نگردیده و راه حل نظامی و سرکوب بهترین روش برخورد این دولت‌ها با موضوع قومیت‌ها بوده است. بدون شک تا زمانی که این دو کشور برخوردی عادلانه و حق‌طلبانه با این مقوله نداشته باشند، مناطق موردنظر همچنان به‌عنوان کانون بحران و مناطق آشوب‌زده باقی خواهند ماند. به‌همین دلیل لازمه مردم‌سالاری توجه و عنایت به حقوق قومیت‌ها و تحقق خواسته‌ها و مطالبات مشروع آنهاست.

اعتلای معنویت است و براساس آیه شریفه «انا خلقناکم من ذکراً و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایلأ لتعارفوا»، اسلام تعدد و کثرت اقوام را پذیرفته، لذا دیدگاهی که تنوع قومی را قبول ندارد، دیدگاهی غیراسلامی است. باید در این زمینه نیز تحولی ایجاد شود و بر مبنای منافع ملی کشور و در چارچوب قانون اساسی و در راستای حفظ وحدت و یکپارچگی ایران تنوع قومی ایران را پذیرفت و در جهت احقاق حقوق آنها گام برداشت.

جنبش جامعه مدنی نیز که توسعه سیاسی و مردم‌سالاری توأم با دینداری را سرلوحه اهداف خویش قرار داده به‌دلیل ماهیت مردم‌سالاری خود نمی‌تواند نسبت به حقوق اقوام ایرانی بی‌تفاوت باشد. برخلاف محافظه‌کاران که با سکوت خود قایل به بحث قومیت‌ها نبوده و در صدد حذف صورت مسئله هستند جنبش اصلاحی اگر به این بحث نپردازد و در جهت احقاق حقوق قومی گام برندارد، از وجهه مردم‌سالار خویش فاصله گرفته و برخلاف ماهیت و جوهره خود عمل کرده است. از طرفی دیگر درک روند هویت‌خواهی جهانی و استفاده از انرژی و توان نیمی از جمعیت ایران

مطمئن باشید اهتمام و توجه به امور قومیت‌ها باعث تقویت همبستگی ملی ایران خواهد گردید و از بروز گرایش‌های ناسیونالیست در هر دو طرف جلوگیری خواهد کرد

حکم می‌کند که جنبش اصلاحی به این بحث بپردازد.

برخلاف برخی دیدگاه‌ها که مطالبات قومی را به تحقق اصلاحات معطوف می‌دارند و از سخنگویان قومی می‌خواهند که تا زمان تحقق کامل اصلاحات حتی بحث مزبور را مطرح ننمایند، به‌عقیده من طرح خواسته‌های قومی همانند آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و... اجزاء یک مجموعه واحد به‌نام جنبش اصلاح‌طلبی هستند و تفکیک این اجزاء و قابل‌شدن تقدم و تأخر برای آنها برخلاف منطق اصلاح‌طلبی است.

برخی نیز پرداختن به بحث قومی را تهدیدی برای امنیت ملی دانسته و فقط طرح مسائل و معضلات قوم کرد را به‌دلیل «شکاف قومی فعال» قابل قبول می‌دانند. این نحوه نگرش بیانگر عدم اعتقاد به حقوق قومیت‌ها و عدم شناخت صحیح از مردم‌سالاری است. اینها از مردم‌سالاری فقط آزادی مطبوعات و انتخابات آزاد و آزادی احزاب را می‌شناسد و از روح و فلسفه مردم‌سالاری فاصله گرفته‌اند. متدولوژی استدلال این‌دسته همان متدولوژی محافظه‌کاران است که توسعه سیاسی و آزادی احزاب را بر ضد امنیت ملی تفسیر می‌کنند.

برخی از اصلاح‌طلبان نیز علی‌رغم قبول تعدد قومی در ایران و لزوم اجرای اصول فراموش شده

همبستگی ملی ایرانیان و یکپارچگی کشور کمک می‌کند. در گام دوم توجه به خواسته‌های

آیا همراهی گروه‌های مسلح کرد با خواست مردم و نظام در راستای وحدت ملی نیست؟ آیا مردم عرب خوزستان با رشادت‌ها و شهادای خویش از کیان اسلام و ایران دفاع نکردند؟ آیا این مردم سزوار رفع تبعیض نیستند؟

فرهنگی این اقوام و تلاش در جهت رفع تبعیض و تحقیر به‌جای مانده از رژیم گذشته و تشکیل کمیسیون امور قومیت‌ها در مجلس شورای اسلامی و انتصاب افراد بومی در سمت‌های مهم این مناطق، اجرای اصول فراموش شده قانون اساسی را

قانون اساسی در خصوص قومیت‌ها، معضلات در نشریات خود به این بحث نمی‌پردازند و همانند محافظه‌کاران عمل می‌کنند. در صورتی که مردم‌سالاری حکم می‌کند همچنان که اصلاح‌طلبان درباره آزادی مطبوعات، آزادی نهادهای و مؤسسات مدنی سخن می‌گویند درباره یکی از اجزاء اساسی مردم‌سالاری به بحث و گفت‌وگو بپردازند. عدالت‌خواهی به ما حکم می‌کند حتی مردمی را که به حقوق خود آشنا نیستند، آنها را به حقوق خویش آگاه کنیم.

در گام اول تخصیص یک صفحه از روزنامه‌های اصلاح‌طلب به بحث قومیت‌ها، فرهنگ، ادب، تاریخ و خواسته‌های آنها ضمن این‌که باعث اصلاح نقطه‌نظرات هموطنان فارس نسبت به اقوام غیرفارس و زدودن تفکرات ناسیونالیسم فارس می‌شود باعث از بین رفتن تفکرات قوم‌گرایانه نزد اقوام غیرفارس نیز می‌شود و در نهایت به وحدت و

می‌توان نام برد. مطمئن باشید اهتمام و توجه به امور قومیت‌ها باعث تقویت همبستگی ملی ایران خواهد گردید و از بروز گرایش‌های ناسیونالیستی در هر دو طرف جلوگیری می‌کند. به کردستان ایران بنگرید که برای اولین بار در طول حیات نظام جمهوری اسلامی گروه‌های مسلح آن منطقه مردم را به شرکت در انتخابات ششمین دوره مجلس تشویق و ترغیب کردند. آیا این یک پیروزی ارزشمند برای نظام جمهوری اسلامی نیست؟ آیا همراهی گروه‌های مسلح کرد با خواست مردم و خواست نظام در راستای وحدت ملی نیست؟ آیا مردم عرب خوزستان با رشادت‌ها و شهادای خویش از کیان اسلام و ایران دفاع نکردند؟ آیا این مردم سزوار توجه و عنایت و رفع تبعیض نیستند؟

پی‌نوشت‌ها:
۱. محمود انتشار یزدی، مجله آینده، شماره اول، سال ۱۳۰۴.
۲. سوره حجرات، آیه ۱۳.

من فضلك

قال الرسول الأكرم (ص): «كونوا دعاة الناس بخير ألسنتكم» عزيزي القارئ، من فضلك قل لي هل يمكن لي أن ادعو أولادي إلى مطالعة الكتب والصحف وهم يشاهدون في يدي السيجارة والملاهي التافهة؟ وقل من فضلك كيف استطيع التحدث معهم عن الأمل والسعي والسعادة وأنا لا أفعل ما يؤيد كلامي ويجسده على أرض الواقع؟

خطآن کیران!

خطأ كبير أن تعبد الأشخاص مهما بلغت مكانتهم الاجتماعية، وخطأ كبير أيضاً أن تحقد عليهم وتنسب إيجابياتهم وخدماتهم. إنما السلوك الأفضل هو أن تقدم أحسن ما تستطيع انجازه إلى مجتمعك لتكون مثيلاً للبارزين لا عابداً ولا حاقداً.

فرم اشتراك ماهنامه صوت الشعب (رأی ملت)

مدت اشتراك	سه ماه	شش ماه	يك سال
هزینه اشتراك داخل کشور	۶۷۵۰ ریال	۱۳۵۰۰ ریال	۲۷۰۰۰ ریال
هزینه اشتراك در کشور های خلیج فارس	۲۳۵۰۰ ریال	۳۷۰۰۰ ریال	۶۴۰۰۰ ریال
هزینه اشتراك در اروپا	۱۸۰۰۰ ریال	۳۶۰۰۰ ریال	۷۲۰۰۰ ریال
هزینه اشتراك در امریکا	۲۸۵۰۰ ریال	۵۷۰۰۰ ریال	۱۱۴۰۰ ریال

مشخصات متقاضی

- نام و نام خانوادگی: کد پستی:
نشانی کامل:
برسد به دست: تعداد نسخه مورد نیاز:
تلفن: نامبر: مدت اشتراك:
شماره فیش بانکی: شعبه پرداختی:
● توجه:
۱- وجه اشتراك به حساب جاری ۱۱۷۲ بانک صادرات شعبه رودهن به نام حسن هاشمیان واریز شود.
۲- فرم پر شده اشتراك به همراه فیش بانکی از طریق صندوق پستی شماره ۱۷۸-۱۴۵۱۵ یا فاکس ۰۲۱-۴۰۷۷۷۲۴ به قسمت امور مشترکین ارسال شود.
۳- مدت ارسال مدارک از اول تا ۲۵ هر ماه و شروع اشتراك از اول ماه بعدی خواهد بود.

وظایف مطبوعات

سخنرانی جبران خلیل جبران در جشن بیست و پنجمین سالگی نشریه «الهدی»

○ ترجمه: منصور مشرف

اشاره: در پاسخ به خواست علاقه‌مندان به ترجمه (عربی - فارسی) از این به بعد در هر شماره نمونه‌ای از یک متن اصلی همراه با ترجمه آن در این نشریه چاپ می‌شود. امید که مفید واقع شود.

لبثانی است. ما از نشریه الهدی سخن می‌گوییم، حال آنکه در واقع نشریه الهدی همان جناب نعوم مکرزل است. حال درباره نعوم مکرزل چه باید بگوییم؟ شما دوست عزیز ممکن است که با نعوم مکرزل بر سر موردی سیاسی اختلاف نظر داشته باشید، ولی با این حال نمی‌توانید به شخصیت او به چشم احترام ننگرید. ممکن است در رابطه با موضوعی ملی و میهنی با وی اختلاف پیدا کنید، اما نمی‌توانید در او مردانگی نبینید. شاید بر سر مسأله‌ای دینی یا فرقه‌ای و یا سنتی با او به توافق نرسید اما قادر نیستید شخصیت مردانه‌اش را با اعجاب ننگرید. شما می‌توانید هرچه دلتان خواست بگویید. لیکن در تنهایی خود چیزی نمی‌توانید جز این بگویید که نشریه الهدی بزرگترین کشتی مطبوعات در خارج از جهان عرب است و نعوم مکرزل کشتیبان ماهر و کاردان و دانایی است که نه از صخره‌ها می‌ترسد و نه از توفان‌ها بیم به دل راه می‌دهد. راز احترام ما به نعوم مکرزل بدون توجه به اتفاق یا اختلاف نظر با وی در چیست؟ راز این است: نعوم مکرزل دارای شخصیت برجسته، پرتلاش و مثبتی است، شخصیتی که زوایا و مزایا و نمودهای آن با همه شخصیت‌های دیگر متفاوت است. ما امشب بیست و پنجمین سالروز تولد نشریه الهدی را جشن می‌گیریم. من از صمیم قلب امید دارم که من و شما روزی در اینجا برای برگزاری جشن پنجاهمین سالروز تولد این نشریه گردیم و نعوم مکرزل، گل سرسبد آن جشن مفصل باشد.

نرسیده‌اند و هیچ دادرسی از آنها آگاه نگشته است و چون در خفا صورت گرفته‌اند، مأمور قانونی به سراغشان نرفته است، اما نشریه‌ای ته و توی قضیه را شکافته و واقع امر را برای مردم بیان کرده است. وظیفه چهارم مطبوعات اگر هم ساده‌ترین آنها به نظر آید، به‌رحال مهمترین آنها است و آن این است که: نشریه باید آموزشگاه مردم باشد. مطبوعات ما در خارج از جهان عرب وظیفه آموزش را بهتر از سایر نشریات انجام داده‌اند. من وشما افراد هموطن بسیاری را می‌شناسیم که هنگام ورودشان به امریکا، آدم‌های تحصیلکرده‌ای نبودند، ولی به‌هر دلیلی، مشترک نشریه‌ای شدند. دیری نگذشت که آنان نه تنها در خواندن بلکه در نوشتن نیز مهارت یافتند و حتی به نامه‌نگاری با مطبوعات پرداختند. چهار وظیفه را برای مطبوعات برشمردم. طبقاً نشریات وظایف دیگری هم دارند که به دلیل کمبود وقت سخنی از آنها نمی‌گویم، اما بر خود لازم می‌دانم که نظر خودم را نسبت به نشریه الهدی ابراز دارم. این نشریه به‌نحوی شایسته، همه این وظایف را انجام داده و از سطح مورد توقع نیز گذشته است. این‌که می‌گویم از مرز توقعات هم گذشته است، به دلیل این است که الهدی بسیاری از طرح‌های انسان‌دوستانه و انسان‌ساز را مورد توجه و اهتمام خویش قرار داده است. این سخن گرداننده الهدی را هرگز فراموش نکرده و نخواهم کرد که به‌من گفت: بزرگترین امیدم و دوردست‌ترین آرمانم تأسیس مرکز آموزش عالی

خشنود می‌کند، زیرا شهامت و قهرمانی در درون هر مردی نهفته است و هر مردی آرزو دارد که خود نجات‌دهنده آن کودک یا آن پیر باشد. در سخنانم جلوتر می‌روم و می‌گویم: ما در نشریات، خبر جنایت را هم می‌خوانیم. مثلاً می‌خوانیم که مردی، مرد دیگری را کشته است. جزئیات و تفصیل ماجرا را دنبال می‌کنیم. فکر می‌کنید علت کار ما چیست؟ خانم‌ها، آقایان، علت کار ما این است که هر یک از ما خود یک قاتل است و یک مقتول. در مطبوعات، خبرهای جهان را می‌خوانیم. جهان در واقع خود ما هستیم. آنچه که خیال می‌کنیم در خارج از زندگی ما روی می‌دهد. حقیقتاً در درون ما و در زندگی ما و اما وظیفه دوم مطبوعات این است که «نشریه» باید از یکی از اصول ملی، سازندگی، سیاسی و یا ادبی دفاع کند. نشریه‌ای که یکی از اصول را خالصانه برای خود برگزیند - چه ما با آن اصل موافق باشیم و چه نباشیم - در صورتی که تا آخر از اصل موردنظر خود دفاع کند، نشریه‌ای به‌شمار می‌رود که مقاصد و اهداف را تسبلور می‌بخشد، اندیشه‌ها را پالایش می‌کند و باعث می‌گردد که مردم، اصل مورد دفاع آن نشریه یا نشریات مخالف آن را دنبال کنند. حاصل هر دو حالت، سودمندی و بیداری فکری است. وظیفه سومی که بر دوش مطبوعات است، این است که «نشریه» باید نقش «دادستان» را داشته باشد. چه بسیار مسائلی بوده‌اند که به اطلاع دولت و حاکمیت

● مطبوعات، وظایف بسیاری دارند و همه وظایفشان سودمند و والا است. آشکارترین و روشن‌ترین وظایف مطبوعات، درج و نشر خبرهای مردم برای خود مردم و آگاه کردن خوانندگان از شادی‌ها، رنج‌ها، کار و کوشش‌ها و رویدادهایی که پیش روی مردم است، می‌باشد. با این وسیله و واسطه، عرصه اندیشه بشری وسیع‌تر می‌گردد. زیرا بشریت در همه‌جای جهان، پیکره و جوهره واحدی است و هر رویدادی که برای انسان در مکانی روی می‌دهد، در واقع برای همه انسان‌های دیگر نقاط جهان روی داده است. در مطبوعات می‌خوانیم که مردی رازی از رازهای طبیعت را کشف کرده است، لذا در خود لذت فراوانی را احساس می‌کنیم، چرا که در درون هر یک از ما میل به کشف رازی از رازهای پنهان نهفته است. در نشریات می‌خوانیم که فردی گنجی از گنج‌های ملل باستان و پیشینیان را پیدا کرده است. از این خبر هم مسرور می‌شویم، زیرا هر یک از ما آرزو دارد که گنجی به‌دست آورد. در نشریه این خبر را می‌بینیم که مردی برجسته‌زنی زیبا را به عقد ازدواج خود درآورده است. از این خبر خوشحال می‌شویم، چرا که هر کدام از ما آن ویژگی برجسته را در درون خود احساس می‌کند و محبوب دل‌بندش را همان زن زیبا تصور می‌کند. در جایی می‌خوانیم که جوانمردی از میان شعله‌های آتش یا امواج دریا گذشت تا کودکی یا انسان پیری را نجات دهد. این خبر ما را

وظائف الصحافة

«جبران خلیل جبران»

الخطاب الذي ألقاه في حفلة اليوبيل

الفضي لجريدة «الهدى»

للمصاحفة وظائف كثيرة وكلها نافعة وكلها نبيلة. أما أظهر تلك الوظائف وأبينها فنشر أخبار الناس للناس وإعلام الناس بأفراح وأوجاع وأعمال ومآتي الناس. وبهذه الوساطة يتوسع نطاق العقلية البشرية لأن البشرية هي واحدة في كل مكان فيما يحدث لامرء آخر في مكان يحدث لكل امرء آخر في كل مكان آخر.

نقرأ في الجريدة أن رجلاً قد اكتشف سرّاً من أسرار الطبيعة فنجد لذة فائقة. ذلك في باطن كل واحد منا الميل إلى اكتشاف سر من الأسرار الخفية. نقرأ في الجريدة أن رجلاً قد اكتشف كنزاً من كنوز الأمم الغابرة فنجد لذة بهذا الخبر لأن كل واحد منا يتمنى أن يكتشف كنزاً من الكنوز. نقرأ في الجريدة أن رجلاً ممتازاً قد تزوج من امرأة جميلة فنزاح إلى الخبر لأن كل واحد منا يشعر بأن في كيانه تلك الميزة وأن المرأة التي أحبها وسوف يحبها هي المرأة الجميلة.

نقرأ في الجريدة أن رجلاً قد اقتحم النار أو الماء لينقذ من الخطر طفلاً أو عجوزاً فنفسر لهذا الخبر لأن البسالة والبطولة مختبتان في كل رجل. وكل رجل يتمنى أن يكون منقذ الطفل أو العجوز. واني أتمادي وأتلوح قائلاً اننا نقرأ في الجريدة خبر جريمة، نقرأ أن رجلاً قد قتل رجلاً آخر فنتابع دقائق وتفاصيل الحادثة مترقبين الغد لعل الجريدة تأتينا بما بقي من الدقائق والتفاصيل. وما هو السبب ياترى؟ السبب يأسيداتي وسادتي هو أن كل واحد منا قاتل وكل واحد منا قاتل. نقرأ في الجريدة أخبار العالم والعالم هو نحن. فما نتوهم انه يحدث في خارجنا يحدث حقيقة في داخلنا.

وما هو السر الكامن وراء احترامنا لنعوم مكرزل اختلافنا وإياه أو لم نختلف. هو هذا: لنعوم مكرزل شخصية بارزة فعالة ايجابية. شخصية تختلف تلافيفها ومزايها ومظاهرها عن جميع الشخصيات. نحن نحفل الليلة بيوبييل جريدة الهدى الفضى. واني أرجو من صميم القلب أن تكونوا هنا وأكون أنا هنا لنحفل بيوبييل جريدة الهدى الذهبي وأن يكون نعوم مكرزل عروس تلك الحفلة العتيدة (»).

أما الوظيفة الصحافية الثانية فهي أن تقف الجريدة بجانب مبدأ من المبادئ الوطنية أو العمرانية أو السياسية أو الأدبية. فالجريدة التي تتخذ لها مبدأ من هذه المبادئ عن اخلاص سواء اتفقنا وإياها أو لم نتفق وتبقى واقفة بجانب ذلك المبدأ حتى النهاية هي الجريدة التي تجوهر النيات وتغربل العقول وتجعل الناس أن يتخذوا مبدأها أو المبدأ الذي يخالف مبدأها وفي إحدى الحالتين النفع واليقظة الفكرية.

أما الوظيفة الثالثة فهي أن تكون الجريدة «المدعي العمومي» فكم من مسأله لم تبلغ الحكومة ولم

يسمع بها القاضي ولم يتناولها الشرطي في عالم الخفاء حتى قامت جريدة من الجرائد سبرت غورها وأعلنتها للناس طراً. أما الوظيفة الرابعة وهي وإن تكن أبسطها فهي أهمها. وتلك الوظيفة هي أن تكون الجريدة مدرسة للشعب. وأرى أن صحافتنا في المهجر قد قامت بهذه الوظيفة بأكثر من غيرها فأنتم تعرفون وأنا أعرف كذلك الكثيرين من السوريين الذين جاءوا الولايات المتحدة وهم أميون ولسبب من الأسباب اشتركوا في جريدة من الجرائد ولم يمر الزمن الطويل حتى صاروا يحسنون القراءة بل الكتابة بل ومراسلة الجرائد.

وقد ذكرت أربع وظائف للمصاحفة وهناك وظائف أخرى أسكت عنها لضيق الوقت. وفي ذمتي واعتقادي أن جريدة الهدى قد قامت بجميع هذه الوظائف حق القيام بل تجاوزتها. أقول تجاوزتها لأن جريدة الهدى تهتم بكثير من المشاريع الخيرية التهذيبية واني لا ولن أنسى قول صاحب الهدى لي «إن أعظم أمنية وأبعد حلم في نفسي تأسيس الكلية اللبنانية» نتكلم عن جريدة الهدى والحقيقة هي أن جريدة الهدى هي نعوم مكرزل وماذا عسى أن أقول في نعوم مكرزل؟ أنت يا أخى تختلف ونعوم مكرزل على أمر سياسي ولكنك لاتستطيع إلا أن تحترمه رجلاً. تختلف وإياه على أمر وطني ولكنك لاتستطيع إلا أن تعتبره رجلاً. أنت تختلف وإياه على أمر ديني أو طائفي أو تقليدي ولكنك لاتستطيع إلا أن تعجب به كرجل. أنت تستطيع أن تقول ما شئت غير أنك لاتقدر إلا أن تقول في سرلك ان جريدة الهدى هي أكبر مركب صحافي في المهجر وان نعوم مكرزل ريان حاذق عارف عليم لايخاف صخراً ولا يخشى عاصفة.

وما هو السر الكامن وراء احترامنا لنعوم مكرزل اختلافنا وإياه أو لم نختلف. هو هذا: لنعوم مكرزل شخصية بارزة فعالة ايجابية. شخصية تختلف تلافيفها ومزايها ومظاهرها عن جميع الشخصيات. نحن نحفل الليلة بيوبييل جريدة الهدى الفضى. واني أرجو من صميم القلب أن تكونوا هنا وأكون أنا هنا لنحفل بيوبييل جريدة الهدى الذهبي وأن يكون نعوم مكرزل عروس تلك الحفلة العتيدة (»).

أما الوظيفة الصحافية الثانية فهي أن تقف الجريدة بجانب مبدأ من المبادئ الوطنية أو العمرانية أو السياسية أو الأدبية. فالجريدة التي تتخذ لها مبدأ من هذه المبادئ عن اخلاص سواء اتفقنا وإياها أو لم نتفق وتبقى واقفة بجانب ذلك المبدأ حتى النهاية هي الجريدة التي تجوهر النيات وتغربل العقول وتجعل الناس أن يتخذوا مبدأها أو المبدأ الذي يخالف مبدأها وفي إحدى الحالتين النفع واليقظة الفكرية.

أما الوظيفة الثالثة فهي أن تكون الجريدة «المدعي العمومي» فكم من مسأله لم تبلغ الحكومة ولم

بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة حجة الاسلام والمسلمين الشيخ علي نجل العلامة الشيخ عيسى الطرقي

لقد سرنا كثيراً تعيينكم كمدير فيه الكفائة لرئاسة دائرة الاوقاف في عبادان. ان جمعية الخطباء تهنئكم وتتمنى لكم دوام الصحة والتوفيق في ظل الجمهورية الاسلامية الايرانية. وفقكم الله لكل خير والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

جمعية الخطباء في عبادان

«النبی» چگونه کتابی است؟

○ قاسم مزرعه فرد - سوسنگرد

به نام «اورفالیس» زندگی می‌کند و پس از گذراندن عمری در این شهر، روز وداع و خداحافظی با مردم شهر اورفالیس فرا می‌رسد. مردم برای ماندن وی در میانشان، با چشمانی

امریکا یعنی «روزولت» قرار می‌گیرد. از دیگر کسانی که شیفته این کتاب شد خانم «می‌زیاده» نویسنده و شاعر معروف لبنانی بود که آنچنان تحت تأثیر این کتاب قرار گرفت که به گفته

پیامبر و درباره همه مسائل حاد و مهم جامعه (مانند کار، دین، خیر و شر و...) سخن می‌گوید. این پیامبر در واقع ترکیبی است از همه انبیای الهی در طول تاریخ چند هزار ساله ادیان. این کتاب علاوه بر آنکه بوی عرفان شرق را به مشام خواننده می‌رساند، از بعد ادبی و فلسفی نیز در نوع خود کم‌نظیر است. هر برگ از کتاب «پیامبر» حاوی پند و اندرزهایی است که برای همه انسان‌های حقیقت‌شناس همچون چراغی، هدایتگر اندیشه‌هاست. جبران درباره علت نامگذاری این کتاب تحت عنوان «النبی» (پیامبر) می‌گوید: «از آنجا که لبنان سرزمین ظهور پیامبران الهی و نزول کتاب‌های مقدس آسمانی است نام این کتاب را پیامبر انتخاب نمودم».

جبران سال‌ها پیش از انتشار «النبی» در نامه‌ای به خانم «می‌زیاده» (۱۸۸۶-۱۹۴۱) شاعر و نویسنده لبنانی می‌نویسد: «پیامی است که من باید قبل از سفر (مرگ) به گوش جهانیان برسانم و اگر پیش از آنکه پیام را هجی و تلفظ کنم از این دنیا بروم، روزی برای گفتن آن پیام که اکنون مانند تکه ابری بر آسمان دلم سنگینی می‌کند، بازخواهم گشت» و به راستی که جبران چنین کاری کرد و توانست که پیام خود را به خوبی از طریق النبی (پیامبر) و دیگر آثارش به گوش جهانیان و روشندان برساند.

کتاب «النبی» داستان پیام‌آوری است به نام «المصطفی» که به مدت دوازده سال در میان مردم شهری

برانگیخت؟ جبران خلیل جبران • در سال ۱۹۲۳ کتاب «النبی» نوشته جبران خلیل جبران» شاعر و نویسنده معروف لبنانی از طریق انتشارات آلفرد اینوف در نیویورک با عنوان پیامبر و به زبان انگلیسی

چند روز پس از انتشار این کتاب طی نامه‌ای به یکی از دوستانش این کتاب را چنین توصیف می‌کند: «کتابی کوچک، شگفت و عارفانه

هر برگ از کتاب
«پیامبر» حاوی پند و
اندرزهایی است که
برای همه انسان‌های
حقیقت‌شناس همچون
چراغی هدایتگر
اندیشه‌هاست

منتشر گردید. این کتاب پس از انتشار به سرعت به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه گردید. تاکنون به بیش از بیست و دو زبان زنده دنیا ترجمه شده است و تنها به زبان انگلیسی بیش از ده میلیون نسخه از این کتاب به فروش رفته است. این کتاب در ایران نیز تحت عنوان «پیامبر» بارها (بیش از سیزده بار) از عربی و انگلیسی به فارسی ترجمه گردید. همچنین قرار است که به زودی این کتاب یکبار دیگر توسط سید نظام مولاویزه شاعر و نویسنده خوزستانی به فارسی برگردانده شود

اگرچه تمامی کسانی که به ترجمه این کتاب اقدام وزرینند از مترجمان خوب و متخصص کشور هستند، اما انصافاً باید گفت که ترجمه دکتر حسین الهی قمشه‌ای که اخیراً صورت گرفت، چیز دیگری است. دکتر قمشه‌ای ضمن نوشتن مقدمه بیست صفحه‌ای بر این کتاب و شرح آن، به مقایسه عرفان جبران با عرفان و افکار شاعران ایرانی چون مولوی، حافظ و عطار پرداخته است. شاید همین شرح و توضیح زیبای ایشان یکی از عواملی بود که این کتاب در همان بهار ۱۳۷۸ به چاپ دوم برسد. اما واقعاً «النبی» (پیامبر) چگونه کتابی است که با نخستین انتشار به اقصی نقاط جهان راه یافت و تحسین و تشویق جهانیان را

جبران خلیل جبران:
النبی پیامی است که
من باید قبل از سفر
مرگ به گوش
جهانیان برسانم

خودش «مطالب آنرا هرگز فراموش نخواهد کرد.» خانم «باربارا یانگ» شاعر معروف آمریکایی نیز درباره این کتاب می‌گوید: «النبی کتابی است که فیلسوف آنرا فلسفه می‌خواند، شاعر آنرا شعر می‌داند و جوانان می‌گویند ما آنچه در دل داشته‌ایم در آن می‌یابیم و پیران می‌گویند ما در زندگی گنجینه‌ای را که عمری در پی‌اش بوده‌ایم، در این کتاب یافتیم».

و بالاخره «جرج راسل» درباره آن نوشت: «گمان نمی‌کنم که شرق پس از کتاب «گیتانجیلی» اثر «تاگور» با صدایی زیباتر از پیامبر اثر جبران خلیل جبران با بشریت سخن گفته باشد».

جبران خلیل جبران در سال‌های آخر زندگی خود کتاب دیگری تحت عنوان «حديقة النبی» (باغ پیامبر) منتشر کرد که در حقیقت دنباله و تکمله «النبی» بود و ظاهراً می‌خواست که کتاب دیگری به نام «موت النبی» (مرگ پیامبر) را نیز بنویسد تا ثلاثیه (سه کتاب) وی درباره پیامبر کامل شود، اما پیش از آنکه مرگ پیامبر را بنویسد در سال ۱۹۳۱ در یکی از بیمارستان‌های نیویورک و در سن ۴۸ سالگی در گذشت، اما نام و پیام او در «النبی» همچنان زنده باقی خواهد ماند.

«النبی» را باید شاهکار

ادبی جبران و

معروف‌ترین و

پروفرش‌ترین اثر او

و بیانگر اوج خلاقیت

فکری، ادبی و فلسفی

وی دانست

اشک‌آلود از وی التماس می‌کند و اشک حسرت می‌هارند، اما التماس و خواهش مردم کارگر نمی‌افتد، در نتیجه در آخرین دیدار از وی می‌خواهند که درباره عشق، فرزندان، خرید و فروش، ازدواج، دوستی، بخشش، قوانین، آزادی و مختصراً از همه سمبل‌هایی که در قلب بشر جای دارند، برایشان سخن بگوید. در نخستین فصل این کتاب سخن از عشق به میان می‌آید و موضوع سخن تمامی فصل‌های این کتاب که شامل بیست و هشت فصل است، نیز عشق است. عشقی که نزد جبران، مولوی، حافظ و تمامی عارفان جهان کلید حل همه مشکلات است و به گفته جبران: «تنها گلی است که بی‌یاری فصول می‌روید و می‌بالد و شکوفه می‌دهد».

ظاهراً جبران در نوشتن کتاب «پیامبر» از کتاب «چنین گفت زردشت» اثر «نیچه» نویسنده و فیلسوف مشهور آلمانی تأثیر پذیرفته است. البته شباهت «پیامبر» جبران با «چنین گفت زردشت» نیچه بیشتر در شکل داستان و شیوه بیان است، زیرا او نیز مانند نیچه برای بیان اندیشه‌ها و دریافت‌های خویش سخنگویی برگزیده است که در نقش پیامبر ظاهر می‌شود.

دامنه شهرت این کتاب تا بدانجا می‌رسد که مورد تحسین و ستایش ملکه رومانی و رئیس‌جمهور وقت

نقش مدیران و برنامه ریزان در آسیب‌زایی و آسیب‌زدایی در ایران

● راهکارهایی در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر

دکتر سیف‌الله سیف‌اللهی دانشیار دانشگاه و رئیس پژوهشکده المیزان

۱- اشاره:

اندیشمند صاحب آوازه ایرانی در چند قرن پیش، دیدگاهی را چند مفهوم در نظم دلنشین بیان داشته است که می‌تواند نقطه اتکای نظری مطلوبی برای محققان اجتماعی باشد. وی در گفت‌وگو عارف‌گونه خود از قول «حق» اظهار می‌دارد که «تو قال را بینی و ما حال را». مصداق این بیان در بحث مقاله ما می‌تواند چنین مطرح شود که جامعه آسیب‌زده را با «قیل و قال» و «گفت‌وگوهای تهی و خسته‌کننده» و «بیان‌های نصیحت‌گونه» و «نقل و قول‌های غیرواقعی و تصنعی» و بالاخره با اندیشه‌ها، گفتارها و رفتارهای غیرامروزی نمی‌توان در مسیر جامعه بسامان، سالم و امروزینه استوار گردانید.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت که با چنین سیاست‌ها و تدبیرها، امروزه نمی‌توان جامعه پیچیده و آسیب‌پذیر را آسیب‌زدا نمود. زیرا که آسیب‌زایی در جامعه دارای زمینه‌ها و تنگناهای تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان گام از گام برداشت.

بنابراین، ضرورت دارد که محققان، برنامه‌ریزان و مدیران جامعه به جای شنیدن و گفتن «قیل و قالها» باید «حال» جامعه را درک کنند و قال را به «حرف‌ها»، «نقال‌ها» و سفسطه‌بازان واگذارند که زمان بس کوتاه است و مقصد بس دراز.

۲- مسأله چیست؟

جامعه ایران اسلامی در شرایط کنونی در معرض آسیب‌های اجتماعی همچون H.I.V، سوء مصرف مواد مخدر، گریز از فرهنگ‌پذیری، بی‌تفاوتی و عدم نشاط در بین نوجوانان، جوانان و دانش‌آموزان قرار گرفته است. اقدامات به عمل آمده از سوی مدیریت، جامعه نتوانسته است این روند رو به افزایش را کاهش دهد. پرسش بنیادین در این خصوص این است که چرا جامعه ما با داشتن زمینه‌ها، امکانات و گذشت بیست سال از انقلاب اسلامی نتوانسته است بر این آسیب‌های اجتماعی فایق آید. در صورتیکه، جامعه بحران‌های عظیمی را در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته پشت سر گذاشته است. جنگ تحمیلی هشت ساله و محاصره اقتصادی از سوی کشورهای صنعتی نمونه‌هایی از بحران‌های عظیمی است که ایران نتوانسته است از آن گذر کند. اکنون

چرا و چگونه جامعه نمی‌تواند و آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه فایق آید، پرسشی است که نیازمند پاسخ محققان، عالمانه و مدبرانه است. به نظر می‌رسد که شناسایی و ارزیابی راهکارهایی در این خصوص بر عهده محققان و عالمان علوم اجتماعی است که با اصول و مبانی روش شناختی، معرفت‌پیشرفته، تحقیقات علمی به چنین امر مهم مبادرت ورزند و مدیران و برنامه‌ریزان را در این راه دشوار همراهی کنند.

جامعه آسیب‌زده را با «قیل و قال» و

«گفت‌وگوهای تهی و خسته‌کننده»

و «بیان‌های نصیحت‌گونه» و «نقل و قول‌های

غیرواقعی و تصنعی» و بالاخره با اندیشه‌ها،

گفتارها و رفتارهای غیرامروزی

نمی‌توان در مسیر جامعه بسامان، سالم

و امروزینه استوار گردانید

حقیقت امر این است که افزایش روز افزون سوء مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان مسأله‌ای نیست که از دید، نظر و اندیشه مدیران و برنامه‌ریزان دور بماند و جامعه به آن بی‌توجه باشد. در واقع این عظمت و گستردگی مسأله است که از یک سو عملکرد مدیران جامعه را به بن بست کشانده است و از سوی دیگر، مسأله به‌کارندان و صاحبان نظر سپرده نشده است تا چاه را از راه و راهکارهای کلیشه‌ای، تزریقی و منفی‌گونه را از راهکارهای راهبردی و بومی بشناسند و اطلاعات و راهکارهای مناسب و بهینه را برای زدایش و کاهش آسیب‌های اجتماعی ارایه دهند و برنامه‌ریزان و مدیران را در این زمینه یاری رسانند.

۳- تحلیل و تبیین مسأله:

برای شناسایی مسئله سوء مصرف مواد مخدر در جامعه علاوه بر شناسایی سایر ابعاد مسأله، که نگارنده در مقاله‌ها و طرح‌های تحقیقاتی ارایه شده به آن پرداخته است، به دو واقعیت بنیادین زیر باید توجه شود:

۱- ساختار، کارکرد و عملکرد عناصر، ارکان و مؤلفه‌های بنیادین جامعه

۲- ساختار، کارکرد و عملکرد مدیریت جامعه

در توضیح دو واقعیت در هم تافته و بافته فوق‌الذکر، بیان این

نقطه نظر ضروری است که برای شناسایی مسأله و ارایه راهکارها برای حل مسأله، محققان جامعه‌نگر علوم اجتماعی به دو بعد ساختاری جامعه باید توجه جدی نمایند. یکی از این دو بعد، وضعیت ساختاری جامعه است که بستر و بنیان حرکت‌های جامعه را شکل می‌دهد. منظور از وضعیت ساختاری جامعه عبارت است از وضعیت تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جمعیتی و شرایط اقلیمی - جغرافیایی و منطقه‌ای است. بعد دوم وضعیت ساختاری رابط و

عملی و ارزان قیمت دست یابیم. این سخن به آن معنا نیست که با چنین عملی می‌توان تمام مسائل و مشکلات موجود و تمام آسیب‌های اجتماع را از بین برد بلکه نظر بر این است که با ارایه راهکارهای در سطح خرد می‌توان زمینه‌های مناسبی را برای ارایه راهکارهایی کلان و محققانه فراهم ساخت به عبارت دیگر، با نقد و بررسی ابعاد مسأله و ارایه راهکارهایی در سطوح خرد رفتاری، گفتاری و پنداری، می‌توان حساسیت‌های جامعه را بالا برده و آگاهی‌ها را در راستای اصلاح رفتارهای مدیریتی بکار برد.

زیرا با توجه به شرایط موجود جامعه، نمی‌توان همه مسائل را با یک نگرش و با یک برنامه کلان نگرانه حل و فصل کرد. به عبارت دیگر، اعتقاد بر این است که با سنگ بزرگ بر داشتن و یا با حرف‌های کلیشه‌ای و یا تک‌بعدی نگرستن به مسأله بحران‌خیز، نمی‌توان مسائل جامعه را حل کرد.

۴- راهکارها و پیشنهادها

مدیریت و رهبریت در جامعه ایران اسلامی، با توجه به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... نقش بنیادین را در راهبری و جهت دهی افراد و گروه‌های اجتماعی دارا هستند. نقل شده است که در یکی از جنگ‌های نادر شاه، پیر مردی با محاسن سفید و بلند با تمام وجود شمشیر می‌زد و جلو می‌تاخت. نادر شاه از این شهامت و چابکی پیرمرد، سخت شگفت زده شد. جلو رفت و از پیر مرد پرسید، تو چرا وقتی افغانه به ایران تاختند و آنچه داشتیم نابود کردند، چنین شجاعانه جنگ و مقاومت نکردی؟ پیرمرد جواب داد: قربان ما بودیم. ولی شما نبودید. این مثال از آن جهت آورده شد که اندیشه ایرانی و فرهنگ ایرانی، بنا به مناسبتی و شرایطی که بر اجتماع و جامعه ما حاکم است، چنین بوده و هم اکنون نیز چنین است. بنابراین، آنچه به عنوان مدیریت خانواده مدیر مدرسه، مدیر اداره و... شناخته شده است. تمام اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای او نمونه‌ای است برای سایرین. به ویژه برای نوجوانان و جوانان که از حساسیت و گیرایی بسیار بالایی برخوردارند.

اکنون با توجه به چنین شرایط روحی، فرهنگی، اجتماعی و... حاکم بر جامعه، چگونه روند رو به گسترش سوء مصرف مواد مخدر و سایر آسیب‌های اجتماعی در بین

نوجوانان، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان را زیر کنترل درآورد. با توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم اندیشه‌ها، گفته‌ها و رفتارهای مدیریت و رهبریت بر افراد و گروه‌های اجتماعی، به نظر می‌رسد که اولین حرکت باید از مدیریت‌های بالا آغاز و تا مدیریت‌های پایین اجتماعی فرهنگی، اداری، آموزشی و خانوادگی ادامه یابد. این شیوه آموزش ظاهراً بدون هزینه ولی اثرگذار، باید موارد زیر را پوشش دهد. در غیر این صورت، اثر بخشی چندانی بر مخاطبین نخواهد داشت.

زیرا، که موارد مطروحه به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تمام ابعاد و لایه‌های زندگی افراد جامعه رسوخ می‌کند و جا باز می‌کند و لایه‌های فکری، روحی، روانی و فرهنگی با ثباتی را در افراد و جامعه پدید می‌آورد.

باید اذعان داشت که موارد مطروحه زیر از مبادی آموزش مهارت‌های زندگی است و به نظر می‌رسد که اثربخشی روانی و اجتماعی بسیاری را در جهت پیشگیری از آسیب‌پذیری‌های اجتماعی در برخواهد داشت. اهم این موارد عبارتند از:

۱. آنچه می‌گوییم به آن عمل کنیم.
۲. آنچه را که عمل نخواهیم کرد، به زبان نیاوریم.
۳. اندیشه‌های ما در گفتارها و در نهایت در کردارها به نحوی از آنجا متبلور می‌یابد. بنابراین سعی کنیم که اندیشه، گفتار و کردارمان را هماهنگ و همسو سازیم.
۴. تظاهر کردن، یکی از بلایای فرهنگی، روانی و عاطفی جامعه ما شده است. سعی کنیم تا آنجا که امکان دارد تظاهر و ظاهرسازی نکنیم.
۵. از آلودگی‌ها، ناهنجاری‌ها، کتمان کاری‌ها و دورویی‌ها پرهیز کنیم.
۶. اگر از مال و منال دنیا بد می‌گوییم و آن را جیفه دنیا می‌دانیم، خودمان نیز به آن عمل کنیم.
۷. از دروغ گفتن و وعده‌دادن و عمل نکردن پرهیزیم.
۸. اگر حیف و میل کردن بد است و حرام، خودمان هم چنین نکنیم.
۹. اگر چیزهای حرام، حرام است، خودمان از آن پرهیز کنیم.

۱۰. اگر کارکردن و زحمت کشیدن برای جامعه و افراد جامعه خوب است خودمان نیز به آن بپردازیم و از راه حلال روزی‌مان را در بیاوریم.

۱۱. اگر توصیه و سفارش کردن خوب نیست و برای جامعه صدمه می‌رساند، خودمان نیز از آن پرهیز کنیم.

۱۲. اگر اعتقاد داریم که جوانان باید با تلاش و کوشش خود، صاحب کار، شغل و زندگی شوند. در مورد خودمان نیز چنین کنیم.

۱۳. اگر وقت‌شناسی و انجام کارها در موعد مقرر که از اصول اخلاقی و مذهبی ما است، در این راه پیش قدم شویم.

۱۴. اگر به کسی تعهدی دادیم به آن عمل کنیم.

۱۵. در محیط‌های کاری، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی از رفتارهای تبعیض‌آمیز پرهیزیم.

۱۶. تصمیمات را بر پایه منافع جمع و جامعه بگیریم ولو به ضرر خودمان باشد.

۱۷. از قوم و قبیله‌گرایی، فرقه‌گرایی و باند بازی پرهیزیم و کار را بر پایه ضوابط و مقررات انجام دهیم.

۱۸. با افراد خودی و غیرخودی به طور عادلانه برخورد کنیم و از تبعیض پرهیزیم.

۱۹. از حیف و میل اموال مردم در محیط کار و جامعه پرهیزیم.

۲۰. از تعصب و پیشداوری به خاطر حفظ منافع شخصی و حفظ جاه و مقام خود پرهیزیم.

۲۱. پسنداشتها، گفته‌ها و رفتارهایمان را بر پایه حق و حقیقت استوار گردانیم نه بر پایه منافع شخصی و موقعیت شغلی.

۲۲. از مصلحت‌اندیشی به نفع خودمان در قبال منافع جمع پرهیزیم.

۲۳. از زندگی و از مواهب طبیعت لذت ببریم و به دیگران نیز اجازه دهیم چنین کنند.

۲۴. آنچه بر فرزندان خودمان روا می‌داریم به دیگر نوجوانان و جوانان نیز روا داریم.

۵- جمع‌بندی

نوجوانان و جوانان از رفتارهای بزرگان و از آموزه‌های غیرمستقیم مدیران و رهبران بیشتر می‌آموزند تا از گفته‌ها و آموزه‌های مستقیم. بنابراین، آنهایی که قلب‌شان برای جامعه ایران اسلامی و انقلاب اسلامی و برای جوانان و نوجوانان می‌تپد باید با رفتارها و کردارهای مطلوب، انسانی و اسلامی خود به نوجوانان و جوانان آموزشی دهند. تا به این ترتیب، از آسیب‌های، آلودگی‌ها و دل‌نگرانی‌ها پرهیزند و به آینده خود و جامعه‌شان امیدوار باشند. چنین راهکارهای، گرچه در هیچ برنامه‌ریزی و هیچ برنامه‌های توسعه مطرح نیست. اما چنین خرده‌رفتارها، رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهند و جامعه را در مسیرهای ویژه قرار می‌دهند.

الفقر والحرمان مخیمان علی سماء الحمیدیه

جمع من شباب الحمیدیه

والباقي في الضواحي. لكننا ورغم كل هذه الاستعدادات الكامنة فيها

ورغم ثرواتها الطبيعية العظيمة ومياهاها وارضيتها الخصبة لم يتغير حالها منذ الثورة الاسلامية حتى الآن ولن يتوجه لها المسؤولين حتى اذا دخلتموها يوماً ما لن تصدقوا بانها

مدينة بل تتبادل لاذهانكم الريف والبيعه القروية حيث ترون الشوارع غير مبطله والمياه الزائدة تجري في

الأزقة والشوارع والاطفال تلعب في بئيه ملوثة مملوءة من الجراثيم والأمراض الخطيرة. هذه المدينة

التي قدمت اثناء الحرب المفروضة ٣٦٠ شهيداً رغم صغرها وقلة اهلها (قبل ان تهبط فيها اسراب

المهاجرين والمشردين من منطقة الخافجية) لم تملك حتى الان مستشفى ولا يوجد فيها أي مكان

للتنزه والتفرج والشباب يقضون اوقات فراغهم في البساتين والزروع

وفي جملة واحدة ان الحميدية افقر المدن في المحافظة واشدهن احتياجاً اقتصادياً وثقافياً.

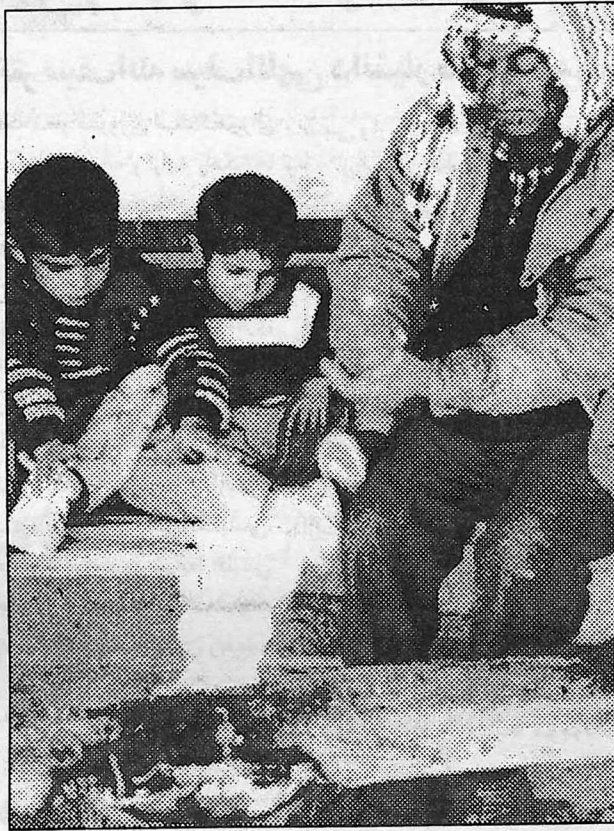
نرجوا من سماحتكم اخوتنا الاعزاء ان تعكسوا مشاكلنا في صحيفتكم وتساعدونا على ان نعالج

جروح هذه المدينة الحزينة المحرومة، ونرجوا ان تطبع مطالباتنا من المسؤولين التي تلي هذه الرسالة

بشكل مقالات ومقابلات ودراسات في الوضع الاقتصادي والطقس الثقافي والاجتماعي وعلل واسباب

وعروق هذا التخلف الشامل وايضاً الدراسة في امكانيات واستعدادات ومواهب هذه المنطقة

وكيفية استخدامها لصالح اهل الحميدية وراقي ابناءهم ونشكركم مرة اخرى.



فحسب الاحصائية العامة لعام ١٣٧٥ تتكون هذه المدينة الصغيرة مع ضواحيها من ٦٥ الف نسمة، ١٥ الف نسمة تسكن في المركزى الحميدية

العراقي وقد انهزم جيش البعث فيها بسبب مقاومة اهلها وطردهم جيوش المعتدين وتشير الاحصائيات الحكومية الى انها من اهم المناطق الزراعية خاصة في مجال انتاج المحصولات الصيفية والرز والقمح وغيرها فضلاً عن المحصولات الشجرية والفواكه المختلفة مثل البرتقال واليتمون وخاصة الرطب الذي كل ينتج سابقاً، اضافة الى مجاء اعلاه ان الحميدية تعد من اهم المناطق السياحية والتنزهية القريبة لمدينة الاهواز. وذلك بسبب قربها لشط الكوفة وكثرة بساتينها واشجارها وارضيتها الزراعية الخضراء. تعد الحميدية ايضاً من اهم المناطق العسكرية حيث يقع معسكر (دشت آزادگان) اي (تيب ٣- لشگر ٩٢ زرهى) في شمالها ومعسكر ثامن الائمه ومعسكر فر جوانى في شرقها، اما جمعيتها

احبائنا، اعزائنا محرروا ومسئولوا جريدة صوت الشعب الاعزاء

سلام عليكم، تقبلوا تحياتنا الحارة نحن قراء جريدتكم شباب مدينة الحميدية، نهنتكم ونبارك لكم اصدار هذه الجريدة الشعبية المتمسكة ونشكركم على جهدكم هذا الذي تبذلونه من اجل حفظ الثقافة العربية والدفاع عن حقوق هذا الشعب المحروم، نرجو من الله العلي ان يوفقكم بمهمتكم المقدسة ونحن ايضاً لانهمل عن مساعدتكم والمساهمة في جريدتكم اما بعد... كما تعلمون ان مدينة الحميدية الواقعة في غربى مدينة الاهواز وعلى بعد ٢٥ كيلومتراً على ضفة نهر الكرخة هي من اقدم المدن في المحافظة مبنية على تلال اجدادها القدماء من المدن والحضارات وهى النقطة النهائية لاعتداء الجيش

من وقو

○ موسى جرفي

سرگه فوج فراهان را پرس
مارقان را دشمنم می دانم
من همان کُرد و بلوچ و لُر و ترک
جان نثار میهنم می دانم
من چو فرهادم و مجنون دیار
وصل یاران هدفم می دانم
من همان شاخص میدان نبرد
جبهه را چون حمله ام می دانم
مرزبانم زبر عرض و شرف
در جنوب و خرم می دانم
این همه نی ز ترخم گویم
خویش را ضد ستم می دانم

عجبا جرأت تهمت داری
من ترا خویشتم می دانم
باش با من که در این وادی عشق
من ترا هم قدمم می دانم
من همان شیعه هنگام جهاد
در رکاب رهبرم می دانم
توشه از مکتب حیدر دارم
زاده فضل و کرم می دانم
ز حسین خط شهادت بردم
فارغ از سیم و زرم می دانم
جابر، همرم خانلر میرزا
او رفیق و یاورم می دانم

■ شاعر این شعر را به تمامی آزادیخواهانی که در راه اعتلای انسانیت انسان و عدالت اجتماعی و رفع تبعیض نژادی در ایران اسلامی گام برمی دارند، تقدیم کرده است.

تو مرا خلق عرب می خوانی

من ترا هموطنم می دانم

صفت اجنبیم سردادی

من ترا همسفرم می دانم

افترا، دیده تحقیر آمیز

من ترا پاره تنم می دانم

سخنی در باره «زار»

○ مجید مطوری - آبادان

عزیزی که فردیست متفکر جامعه خوزستان به اینگونه مراسم نقدی تهیه نموده بر رد آن و روشن شدن اذهان جامعه به روش های علمی، چون این مقاله که ریشه علمی و تحقیقی ندارد، زیرا مبتلایان این بیماری از هر نظر در فقرند و همچنین مجریان یا این طور که یادشده بابا، یا ماماها از هرگونه علم

بی توجهی سرپرست خانواده یا تهدید آن دختر معلوم گردید خرافه یا ساخته پرداخته شخص است و جمع زنان و مردان در اجرای مراسم هیوا و مستی آنان در اثر بخور و بویایی مواد بخور که خود شاید مخدر است، از نظر شرعی و اهل حرمت نامطلوب و گناهی بیش نیست. بنابراین لازم بوده که دکتر

عزیزی و تأیید هم می کنم که فقط این بیماری در افراد بی بضاعت و عقب مانده از فرهنگ و پیشرفت علم و مدن امروزه موجود است. بنابراین حتی در قدیم در مجالس و محافل ما مطرح بوده که خرافه بیش نیست و در اثر تحقیق و تجربه که حلول اجنه در دختران و طلب رسمی به نام «دهنه» یا «هیوا» کرده اند. با

چنانچه بنده بارها از علمای دینی در این باب سؤال کردم که گفتند ممکن نیست و اگر حلول کند، حتماً نابودی است و به طور قطع رد کردند. مطلب دیگری در گزارش است و آن این که این بیماری مسری است یا خیر. چون یادشده که از سواحل آفریقا و عربستان توسط سیاهان و جاشوان به سواحل جنوب ایران رسیده و چرا فقط به قول دکتر

ایشان ظاهراً پزشک است، آیا این موضوع یا این اعمال را تأیید یا رد می نمایند. چون در این گزارش چنین آمده از جمله این آداب رقص هایی است که ظاهراً برای دفع بادهای مضر و درمان بیماران سودمند است که این نه رد است و نه تأیید.

● احیای فرهنگ هر قوم در هر جا لازم و اقدامی مطلوب است، لذا توفیق کلیه برادران ماهنامه صوت الشعب از خداوند متعال آرزو مند. انشاء الله مطالب سیاسی و فرهنگی این ماهنامه در آینده پررنگ تر خواهد شد. اما اصل مطلب و منظور دکتر سهیلا عزیزی از چاپ مقاله یا گزارش «زار» مفهوم واقع نگردید.

و اما حلول جن در بدن انسان

للشاعر ثامر سعيد احمد الحاج حمد السلامي

ابوذيات

الشماته وبين غلبى مالحوبه
اجرحو وارود ردو مالحوبه
اشتظن واحد مثلي مالحوبه
لون منه خذو خله خطيه
يروح احباب الح بلعمر بلوچ
وايصدهم الح بدموم بلوچ
العشره امن اصبحت يا صاح بلوچ
الترك اوله اليصير اليصير بيه

موال

لاتظن عن حبك ترف ردينه
ولا ساعه وحده العاذلك ردينه
انجان تدري بلوفه ردينه
ايعدل الف قيس ابهوا لاواكثر
جرحي امخزن والهجر مالومه
واشما الم فكرى ال يشت مالومه (ال يشت)
الما شاف ولقى لوعذل مالومه
ولوشافه ادري اثوبه رايح يعثر

مقطوعة الك والي

الك يل مادريت ابحال ولفك طگن اجروجه
الك يل عذبيت اهواك
وگلبه اسنين الك يلترف مرجوجه
الك يل ماحدالك حال
ولفك لو ضحك واتونست روجه
الك ماظل عتب لا لوم عندي اويك
وتشهد دمعتي الكل وكت مسفوجه
الك واسنين ولفك ماطره الجوبى
عتابه ودارمى بس چان الك نوجه
الك ارد اسئلك يهواى
منهو الكال الك گلب المحب لوحه
الى ومامرہ اتعنيت
اذاوى الخزائن من عندك اجروجه
الى واسنين اگالب بيك
جمره ومو بديه شلتك ابروحى
الى وحتہ السعاده حرمتہ النوب
وحدى وابصرache الهه گلت روحى
الى وماظل دمع بلعين
يعتب منازل بهواك وى نوحى

(الحب الخالد)

○ محمد حسن الشبزي

لملمت انجمهاوار تخلت
ظلمة الليل ومازالت هنا
عليها تاتى ولكن ما اتت
صارحتي طيفها الان منى
اين القاها وهل بين النجوم
نجمة تحمل لي اخبارها
فاذا ما اغتالها جيش الغيوم
اودعت في غيرها اسرارها
يا لهذا الحب من شىء عجيب
يحرق الروح فيعطى ثمرا
طبعه في النفس لاتغيب
وعيون ما احتواهن كرى
جملة بيضاء عاشت في فمي
خبات في خافقى منبعتها
مذنما الحب حقولا في دمي
لم ار الفرحه الا معها

موال

○ باقر الفرطوسي خرمشهر

يا صاح دهري علي غار ويشد راحله
يوم الجفوخلتى وعني اصبحت راحله
مالوم گلبى بگه تطحن قهر راحله
من حيث جرحى صعب وصبح يخى منهلي
سهم الجرحنى انطلق اول سهم منهلي
لاوين انا اون جورالدهر منهلي

في مدح الامام علي (ع)

○ جبار نجادساري - الأهواز
يا نور الانوار ضيك بالعرش لاله
وجنان رضوان الك والخاصمك لاله
جبريل بيده يهز ابن الوصي اولاله
يا من ابسيفك لعدروس الابطال اشركت
واللي كرهته لعد حضر الممات اشركت
انتہ التمام البدر يالبطالام اشركت
«واللى سنل ليك بالجف ماگلت لاله»

«آته امن اشوفك ارقاج»

مانام جفنى اول غمض
كل ساعه اجه العاذل عرض
مالاح شخصك بالارض
وشسبب يا حلو اللفظ
تشبه الحور بالخلد
بس عينك اعليه تصد
منك نشب ضلعى المرض
دونك لاشخصك لاح
حبك على الوادم فرض
شخصك على الودك شاح
ياريم يالرابى ابنجد
چن هم البگلبى انزاح

«انتفاضة الغضب»

○ جبار ناصر پوركيانى (الثامري)
انتفاضتنا ابد متفضها الجناب
نفضها ابغضب وبنار اللهيه
نضحى الروح وكل شى للجناب
وشخذہ اليمس قدس الحبيبه
انلجم گلبى وخوى ادواى ماجاب
امد ايدى والبلسم من يجيبه
اخوى الماسمع صوتى ولا ناب
بين اشمات اوگعت امنا الغريبه
سيوف امزنجره وياتت بلگراب
تباتلها ابدن لازم عجيبه
الشارب من يرف لازم بلغضاب
وذا ميرف صوجه من حليبه
الشرب من ثدى الحره عيب ينصاب
خزى وعاراله مذلول يصيبه
جرح قدر وخيانه ابد ماطاب
عاجز منهمو متحير طبيبه
ارضكم تغتصب تنهب يلعراب
هضمه يا عرب ولله نهيه
اليهود اسنونه جرحنى ولانياب
نيبان الجلب سمهن سجيبيه
بوز الجلب انسحجه بلتراب
اخوته الذيب والثلعب جريبه
جميع احنا نقاتل شينا وشاب
الجلب باراك ومريكان ذيبه
املهم صار بلمقدسن كلسراب
لايوجد لهم خط لاكتيبه
بعد خمين عام الامل من خاب
قتلو بلطفال وشاب وشييه
حتى الجبل من الخجل ينداب
طفلنا يقاتل بحجاره ثقيبه
ذوله احناوله خالع الابواب
قتل مرحب ودمرهم الهييه
يوم المحشر ايذكر بلكتاب
يجرهم بل نواصى وبل گصبيه
الحقيقه جلت من اسمانا لسحاب
قريباً تشرق الشمس العذيه

شهامة الحجر

○ احمد الخزعلي

يا هجرأ...
تکمن في نواته الشهامة
وينثر الزهو;
على مشارف الكرامة
ينسج التاريخ
من صموده وسامة
من هاهنا الفداء
في ديباجة السلامة

الى كافة أسر شهدائنا الأبطال

تنوي الصحيفة درج ونشر مايتيسر لها من آراء وحيات وانجازات شهداء شعبنا البواسل
الأكارم. فنرجو من كافة أسر الشهداء ارفادنا بصور شهدائهم مع نبذة عن حياة كل شهيد
وانجازات وظروف استشهادہ.

رأی ملت

ماهنامه رأی ملت

سال اول

زمینه: مسائل اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

حسن هاشمیان

زیر نظر: شورای نویسندگان

توزیع: سراسر کشور

تهران - صندوق پستی ۱۷۸-۱۴۵۱۵

فکس و تلفن: ۰۲۱-۴۰۷۷۷۲۴

E-mail: Sout Al-Shaab@IRPajam.com

سال اول - شماره چهارم - سه شنبه اول آذرماه ۱۳۷۹ - ۱۵۰ تومان

دکتر جواد هیئت:

هیچ آذری وجود ندارد که با تدریس زبان ترکی در دانشگاه‌ها مخالف باشد

● به دنبال درج خبر اعتراض افرادی تحت عنوان «انجمن آذری‌های مقیم خارج از کشور» به درخواست روشنفکران آذربایجان از سیدمحمد خاتمی مبنی بر تدریس زبان ترکی در دانشگاه‌ها، خبرنگار ما در تماس با دکتر جواد هیئت (یکی از فعالین مطالبه حقوق اقوام ایرانی در چهل سال گذشته) نظر وی را در این باره جویا شد.

پژوهشگر آذربایجانی در این باره اظهار داشت: تدریس زبان ترکی در دانشگاه‌ها یک فعالیت فرهنگی است و از حقوق مسلم مردم آذربایجان است و نباید به شکل سیاسی به آن پاسخ داد. این افراد که تحت عنوان «انجمن آذری‌های مقیم خارج از کشور» بیانیه صادر می‌نمایند، برای من و مردم آذربایجان ناشناخته می‌باشند.

بسنده به عنوان کسی که سالهاست با مسائل آذربایجان و مطالبات قانونی آنها آشنایی کامل دارم، معتقد هستم که آذری‌های مقیم خارج از کشور مطالباتی فراتر از آنچه که ما در داخل مطرح می‌کنیم، دارند و هیچ آذری وجود ندارد که با تدریس زبان ترکی در دانشگاه‌ها مخالف باشد.

اصولاً تدریس یک زبان به عنوان عملی فرهنگی - علمی در نظر گرفته می‌شود و نیابستی به عنوان یک حرکت ناسیونالیستی آنرا مطرح نمود. امروزه زبان‌های انگلیسی، ژاپنی، فرانسوی و... در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، آیا این کارها یک حرکت ناسیونالیستی است؟

نامه اساتید دانشگاه‌های کشور به رئیس جمهور

بسمه تعالی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم:

شرایط پرشتاب جهانی و ورود به هزاره‌ی جدید که شروعش به پیشنهاد آن مقام سال گفتگوی تمدن‌ها نام‌گذاری شد، توجه روزافزون به نهادهای آموزشی و اقشار دانشگاهی به عنوان آغازگر این گفتگوها را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

براین اساس تقویت مراکز علمی و دانشگاهی به عنوان پایگاه‌هایی که دانسته‌ها و مفاهیم ارزشمند انسانی را از ساخت خاص آنها به ساخت عام جامعه منتقل می‌نماید، همواره مورد توجه حضرتعالی و تمام کسانی است که فکر و حرکت خود را برای کشور و آینده ملت و جوانان این مرز بوم به کار گرفته‌اند.

اینجانبان امضاءکنندگان ذیل جمعی از اساتید دانشگاه‌های کشور، آشنا به مسائل و مشکلات دانشجویی، به منظور رفع مشکلات نیمی از دانشجویان کشور به‌ویژه در دانشگاه آزاد اسلامی و همچنین پیام نور و بخش شبانه دانشگاه‌های دولتی پیشنهاد می‌نماییم:

با عنایت به موضوع «چگونگی مازاد ذخیره ارزی درآمدهای نفتی» انتظار می‌رود بخشی از ذخیره مذکور را به صورت وام درازمدت و اخذ آن پس از زیاکلام، دکتر جعفر دارابی، دکتر منوچهر سپهریان، دکتر مریم سیف نراقی، تمام تحصیلات دانش‌آموختگان مستقیماً به این قشر اختصاص دهند. از آنجا که دکتر سلطانی فر، دکتر مهدی سجادی، دکتر باقر ساروخانی، عبدالرضا سناهی، یزدانی

که هدف غایی توسعه چیزی جز رشد و تعالی و تربیت نخبگان و فرهیختگان و متخصصان نیست، امیدوار هستیم که ریاست محترم جمهوری و مجلس محترم شورای اسلامی که برگزیدگان ملت هستند به این درخواست توجه نموده و موجبات آسودگی خیال و تشویق و پیشرفت اینگونه دانشجویان را فراهم آورند تا در آینده شاهد سربلندی هرچه بیشتر میهن اسلامی عزیزمان از طریق فارغ‌التحصیلانی باشیم که حضرتعالی و نمایندگان محترم مجلس، مددکار آنان بوده‌اند.

دکتر امیر آشفته تهرانی، دکتر غلامعلی آریا، محمدحسن آموزگار، دکتر ناصر اقبالی، علیرضا اقبالی، دکتر حسن ابوالحسن تنهایی، دکتر احمد احمدنژاد، علی ایمانی، دکتر محمدتقی امامی خویی، دکتر هادی بهرامی، دکتر علی پورجوادی، دکتر مقصود پیری، دکتر محمد پارسا، دکتر احمد پیشه‌ور، دکتر کامبیز پوشنه، دکتر حسن پاشا شریفی، دکتر محمد مهدی پورگل، دکتر سیدمحمدحسن ثقفی، دکتر کریم حمدی، دکتر محمدجعفر جوادی، دکتر محمود جمالی، دکتر مهین دخت جعفری‌نژاد، دکتر منوچهر جفره، دکتر سیداحمد جلالی، محمد جعفری هرنندی، دکتر سیدعبدالمجید حیرت سجادی، دکتر عباس خورشیدی، دکتر علی خان‌زاده، دکتر علی اکبر خسروی، دکتر اسماعیل دولت‌شاهی، دکتر محمد دادگران، دکتر فروغ‌السادات وجدانی، دکتر حسن هاشمیان، دکتر حیدرعلی هومن، دکتر محمد همایون سپهر، دکتر سیدمحمد هاشمی، منصور یوسفی، دکتر لطف‌اله یزدانی

پذیرش آگهی رأی ملت

اهواز: ۷۶۷۸۶-۲۶۷۸۶-۰۴۵-۶۸۱۰۰-۹۱۱

آبادان: ۴۲۹۱۱۷

نشریه رأی ملت در سایر شهرهای استان برای پذیرش آگهی نماینده فعال می‌پذیرد